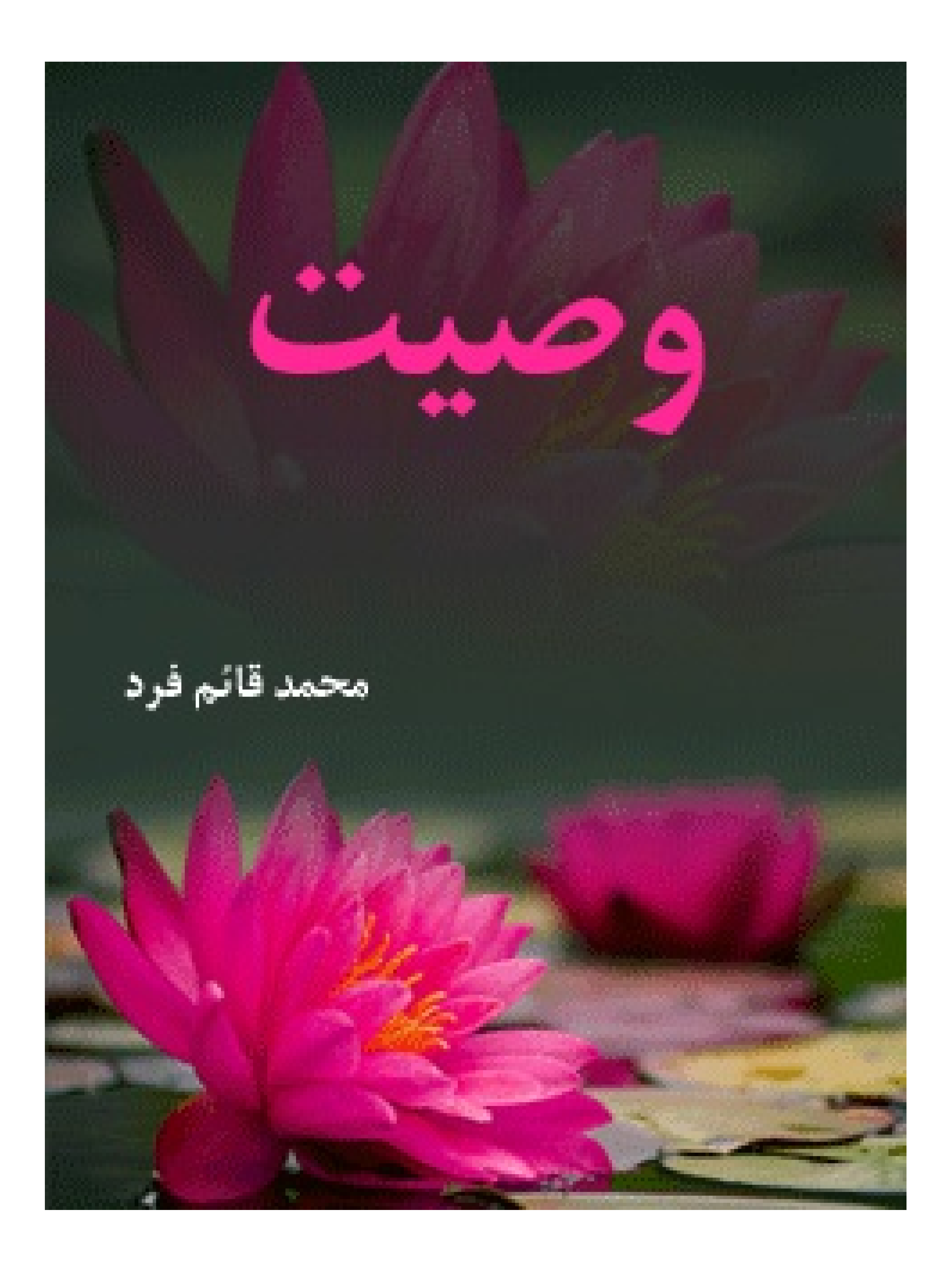

وصیت
محمد قائم فرد


بسم الله الرحمن الرحیم

وصیّت

نویسنده:

محمد قائم‌فرد

ناشر چاپی:

عطر عترت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

وصیّت

مشخصات کتاب

سرشناسه: قائم‌فرد، محمد، ۱۳۴۳ - عنوان و نام پدیدآور: وصیت / تدوین محمد قائم‌فرد؛ به اهتمام امور فرهنگی مجتمع فاطمیه اصفهان. مشخصات نشر: قم: عطر عترت ۱۳۸۹. مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص. فروست: مجموعه کلام وحی بر آستان ولایت؛ [ج] ۲. شابک: ۲۰۰۰۰ ریال۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۵۸۸ - ۸۰ - ۴: وضعیت فهرست نویسی: فیپا یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع: محمد (ص) ، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق. - احادیث موضوع: محمد (ص) ، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق. - کلمات قصار موضوع: وصیت - احادیث موضوع: احادیث شیعه - قرن ۱۴ شناسه افزوده: مجتمع فاطمیه اصفهان. امور فرهنگی شناسه افزوده: مجموعه کلام وحی بر آستان ولایت؛ [ج] ۲. رده بندی کنگره: ۹ / BP۱۳۶ / ق۲۴م۳ ۲. ج ۱۳۸۹ رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۲۱۲ شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۳۲۶۳۱

مقدّمه

بسم الله الرّحمن الرّحیم حمد و سپاس خداوندی را سزاست که ما را از نیستی به هستی آورد و گل سرسبد موجودات قرارمان داد و توفیق آشنایی و اطاعت از اوّلین و بهترین برگزیدگان خود را به ما عطا فرمود. و درود و صلوات خداوند بر خاتم انبیاء و جانشینان بر حقّ ایشان که تمامی مخلوقات را به سمت او هدایت کردند و سلام و تحیّت همه موجودات بر ولیّ نعمتمان حضرت بقیهٔ الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشّریف که محور عالم هستی و علّت مبقیّه عالم وجود است. نوشتاری را که در پیش دارید شرح و توضیح مختصریست بر روایت معروفی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در کتاب من لا یحضره الفقیه علامه‌ی بزرگوار شیخ صدوق اعلی الله مقامه و همچنین بحارالانوار علامه گرانقدر مرحوم مجلسی در ضمن وصایای حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است. مدّتی قبل با شروع فعالیّت در امور فرهنگی مجتمع فاطمیه‌ی اصفهان با پیشنهاد بعضی از دوستان گرامی ابتدا تصمیم گرفته شد فقط متن روایت همراه با ترجمه در اختیار دوستان ولایت قرار گیرد. ولی پس از گذشت چند روز، با پیشنهاد دیگری قرار شد در خصوص هر جمله از فرمایشات گهربار حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم شرح و بسطی داده شود. که البته این کار با بضاعت مزجاهٔ و کمی سرمایه علمی کاری بود بس مشکل و دشوار، ولی با توکّل به خداوند عزّوجل و استمداد از حضرات معصومین: و مخصوصاً شخصیّت والایی که این مجتمع مزیّن به نام نامی و اسم گرامی ایشان است یعنی شهیده‌ی راه ولایت، اولین مدافع حریم پاک علوی حضرت صدّیقه‌ی اطهر فاطمه زهرا سلام الله علیها اقدام به این کار شد و اوّلین شماره از این مجموعه در سال گذشته با موضوع «فرو بردن خشم» در اختیار علاقمندان قرار گرفت و اکنون دوّمین شماره‌ی آن با موضوع «وصیّت» چاپ و منتشر می‌شود؛ امید است خوانندگان محترم ما را از الطاف بی‌شائبه خود محروم ننموده و نظرات مفید و سازنده خود را در راه بهتر و سودمندتر شدن این مجموعه اعلام فرمایند. سیّد محمّد قائم فرد

وصیّت در اسلام

در اسلام با توجّه به جهات انسانی و اجتماعی، «وصیّت» امری مجاز، بلکه نسبت به آن، تأکید فراوان شده‌ست مشروعیّت و جواز وصیّت را در اسلام از آیات قرآن کریم و روایات بسیاری که در این رابطه از ناحیه حضرات معصومین: وارد شده استفاده می‌کنیم که در صفحات بعدی به آن اشاره خواهیم کرد.

معنای وصیّت

وصیّت به معنای پند و اندرز و سفارش کردن در هر موردی آمده‌ست ولی در محاورات روزمره به سفارشی گفته می‌شود که انسان به اولاد خود یا به فرد دیگری در خصوص اعمال و رفتار پس از مرگ خود می‌کند و فرد وصّی هم، خود را ملزم به رعایت نمودن و عمل کردن به این سفارشات می‌داند.

واژه‌ی وصیّت

در اینکه واژه‌ی وصیّت از ثلاثی مجرّد وصی یَصی یا از چهار حرفی (ثلاثی مزید) وصّی یُوصّی (باب تفعیل) و یا از اَوصی یُوصّی (باب افعال) اتخاذ گردیده و اینکه به هر حال مصدر است یا اسم مصدر، در بین اهل لغت و فرهنگ نویسان ادبیات عرب اختلاف نظر وجود دارد و این اختلاف به کتب فقهیّه نیز سرایت نموده‌ست که فعلاً ـ جای بحث آن نیست. غالباً در قرآن کریم این واژه هر کجا بکار رفته به صورت چهار حرفی از باب تفعیل و یا از باب افعال بوده است: نظیر «اِذْ وَصّیکُمُ اللهُ بِهذَا» (۱) و «مِنْ بَعْدِ وَصِیَّةٍ یُوصِی بِها اَو دَیْنٍ» (۲)

اقسام وصیّت

«وصیّت» سه نوع است: عهدی و تملیکی و فکّی که هر کدام برای خود تعریف خاصّی دارند. الف) «وصیّت عهدی» عبارت است از اینکه شخصی یک یا چند نفر را برای انجام امر یا اموری و یا تصرفات دیگر مأمور می‌نماید که معمولاً وصیّت‌ها جنبه‌ی عهدی دارد و وصیّت کننده به وصّی سفارش می‌کند که بعد از من، ثلث مال مرا در چه راهی و به چه طریقی مصرف کن. ب) «وصیّت تملیکی» عبارت است از اینکه کسی عین یا منفعتی را از مال خود برای زمان بعد از فوتش به دیگری مجاناً تملیک کند. که در این نوع وصیّت‌ها با مرگ وصیّت کننده اموالی که قبلاً معین شده در اختیار فردی که به او وصیّت شده‌ست قرار می‌گیرد. ج) «وصیّت فکّی» عبارت است از اینکه شخصی به موجب وصیّت، ذمّه‌ی مدیون خود را بری کند و یا ملکی از اموال خود را وقف نماید و امثال اینها.

تعریف وصیّت در اصطلاح فقها

فقها در فقه برای وصیّت، تعاریفی دارند که بعضی‌ها تنها تعریف وصیّت تملیکیست و بعضی‌ها شامل وصیّت عهدی و تملیکی است؛ به عنوان مثال مرحوم محقق در شرایع، وصیّت را چنین تعریف کرده است: «وصیّت تملیک عین یا منفعت برای بعد از وفات است». این تعریف، تنها تعریف «وصیّت تملیکی» است و شامل وصیّت عهدی از قبیل وصیّت به ولایت بر صغار و مجانین و وصیّت بر ولایت بر ثلث، نمی‌شود. لذا فقهای بعدی برای رفع این نقیصه، بر عبارت محقق جمله‌ی: «و یا تسلیط بر تصرّف پس از وفات» را افزوده‌اند (۳) و شهید ثانی این تعریف را نیز کافی و جامع افراد ندانسته، زیرا این تعریف شامل وصیّت به عتق، وصیّت به ابراء ذمّه‌ی مدیون و وصیّت به وقف به عنوان مسجد یا جهت عامّه، نمی‌شود (۴) زیرا در این موارد، نه تملیک عین و منفعت است و نه تسلیط بر تصرّف، بلکه وصیّت بر «فکّ ملک» است. با دقّت در این تعاریف، روشن می‌شود که این نقض و ابرام‌ها، همه به خاطر عدم تفکیک اقسام وصیّت است، لذا فقهای متأخر، ابتدا به تقسیم وصیّت پرداخته و سپس برای هر قسمی، متناسب با آن قسم، تعریف کرده‌اند که ما نیز در ابتداء برای هر سه قسم، تعریف جداگانه داشتیم. به هر حال وصیّت، تصرف شخص است در اموال خود برای بعد از وفات، خواه آن را خود مستقیماً به موصّی لَه برای بعد از وفات، تملیک کند (وصیّت تملیکی) و یا ذمّه‌ی شخصی را برای

بعد از وفاتش، ابراء نماید (وصیّت فکّی) و یا به دیگری سفارش کند که تو مثلاً بخشی از ثلث مال مرا به فلانی بده و یا سرپرستی فرزندانم را به عهده گیر و امثال اینها (وصیّت عهدی)، زیرا انسان طبق دستور شرع مقدّس اسلام، می‌تواند تا ثلث مال خود را برای بعد از فوت، به خود اختصاص دهد و به وصیّ دستور دهد که آن ثلث را در کجا مصرف کند که معمولاً قسمتی، صرف مخارج بعد از مرگ در تشکیل جلسات سوگواری می‌شود و قسمتی را هم به انجام واجبات ترک شده از قبیل نماز و روزه‌ی قضا اختصاص می‌دهند و اگر ثلث مازادی داشت، طبق وصیّت در کارهای خیر مصرف می‌کنند.

آیا شخص می‌تواند خود به وصیّت خویش عمل کند؟

معمولاً مردم در وصیّتنامه‌های خود وصیّ را مأمور انجام کارهای خیر مالی از ثلث خود می‌نمایند، حتی آنهایی که در حیات خود، دست به هیچ کار خیر مالی نمی‌زنند در وصیّتنامه‌ها دستورات بسیار صادر می‌کنند، از لحاظ حکم شرعی، شخص می‌تواند ثلث مال خود را در مصارف مُجاز وصیّت کند و از لحاظ اخروی نیز بی‌اثر نیست، یعنی ثوابی از آن کار خیری که از ثلث او انجام شده، به او می‌رسد. به عنوان نمونه، اگر از ثلث مال او مدرسه‌ای ساخته و یا مسجدی را تعمیر کرده و یا جادّه‌ای را احداث و یا مرمّت نموده‌اند، قهراً به میّت ثوابی خواهد رسید. امّا سخن در این است که آیا ممکن است عوض اینکه شخص در وصیّت خود پسرش را مأمور ساختن مسجد یا مدرسه یا بیمارستان و امثال اینها از ثلث مالش بنماید، خود در زمانی که در قید حیات است، این کارها را انجام دهد و دیگر وصیّت به ثلث نکند و به تعبیر دیگر خود، ثلث خود را به مصرف برساند و انجام این نوع کارها را به ورثه و وصیّ خود محوّل کند یا نه؟ در پاسخ این پرسش، حضرت مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند: «یَابْنَ آدَمَ! کُن وصیّ نَفسِکَ فی ما لِکَ وَ اعمَل فیهِ ما تُؤثِرُ اَن یُعمَلَ فیهِ مِن بَعدِکَ» (۵) یعنی: ای فرزند آدم! تو وصّی خود در اموال و ثروتت باش، امروز به گونه‌ای در آن عمل کن که می‌خواهی بعد از تو (طبق وصیّت تو) عمل کنند. بنابراین شخص به جای اینکه در وصیّتنامه‌ی خود آن همه سفارش به انجام کارهای خیر نماید، بهتر است آن را خود با دست خویش انجام دهد چرا که «لَیسَ لِلْإِنْسانِ إِلاَّ ما سَعی» یقیناً اثری که در کارهای خیر انجام شده از دست خود برای او خواهد بود، بیش از آن اثری خواهد بود که بعد از او آن کار خیر توسط وصیِّ انجام خواهد گرفت. در تاریخ آورده‌اند که شخصی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را وصیّ خود قرار داد و حضرت پس از فوت او ثلث مالش را که یک انبار خرما بود، بین فقرا تقسیم کرد و در پایان، یک دانه از آن خرما را برداشت و فرمود: «اگر صاحب این انبار خرما، با دست خود یک دانه خرما در راه خدا می‌داد بهتر از این انبار خرمایی بود که ما برای او داده ایم». پس بهتر آن است که مسلمین، خود تا می‌توانند در حیات خود عمل کنند و در وصیّتنامه‌ها کمتر از ثلث بنویسند و کارهای خیر را به بعد از موتشان واگذار ننمایند و به امید آینده ننشینند که بسیاری از این وصیّت‌ها اساساً عملی نمی‌شود.

دو نکته مهم در خصوص وصیّت

الف) وصیّت محکوم به احکام خمسه‌ست گرچه وصیّت در حدّ خود عملیست مستحب و پسندیده لکن ممکن است گاهی واجب یا حرام یا مکروه و یا مباح گردد به عنوان مثال کسی که حقُّ الله از قبیل نماز، روزه، حج و یا حَقُّ النّاس بر عهده دارد در درجه‌ی اوّل بر او لازم است که در زمان حیات خودش اقدام به ادای آنها نموده مثلاً نمازها را قضا کند روزه‌ها را بگیرد و اموال مردم را به آنها مسترد گرداند. در درجه‌ی بعدی، اگر آثار مرگ بر او ظاهر شد لازم است نسبت به آنها وصیّت کند تا پس از او برایش نماز و روزه و حج نیابتی داده و اموال مردم را به آنان برگردانند که در این مورد وصیّت امری الزامی و واجب خواهد بود. از سوی دیگر وصیّت به کارهای نامشروع مانند صرف ثلث در جهت خلاف شرع حرام خواهد بود. وصیّت کمتر از ثلث به ویژه برای کسانی که ورثه‌ی آنان وضع مالی مناسبی ندارند مستحب و وصیّت به ثلث برای ثروتمندان مباح و جایز است. ب) در قانون اسلام وصیّت

کردن زمان معینی ندارد لذا از جمله‌ی «اذا حَضَرَ اَحَدَکُمُ الْمَوْت» (۶) می‌توان استفاده کرد که وصیّت را در وقت دیدن آثار مرگ قرار دهد، و این آخرین فرصتیست که می‌توان از این مسأله استفاده کرد وگر نه اشخاص آگاه و بصیر برنامه‌ی بعد از مرگ خود را با دقّت تمام از مدّت‌ها قبل از مرگ پیش بینی کرده و وصیّت می‌کنند (۷)

آیات در خصوص وصیّت

وجوب وصیّت

«کُتِبَ عَلَیْکُمْ إِذا حَضَرَ أَحَدَکُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَکَ خَیْراً الْوَصِیَّةُ لِلْوالِدَیْنِ وَ الْأَقْرَبِینَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَی الْمُتَّقِینَ». (۸) «بر شما نوشته شده هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، اگر چیز خوبی [مالی از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان، به طور شایسته وصیّت کند! این حقّی برای پرهیزکاران است»!

بهترین وصیّت

«وَ وصّی بِها إِبْراهِیمُ بَنِیهِ وَ یَعْقُوبُ یا بَنِیَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی لَکُمُ الدِّینَ فَلا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُون * أَمْ کُنْتُمْ شُهَداءَ إِذْ حَضَرَ یَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قالَ لِبَنِیهِ ما تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدی قالُوا نَعْبُدُ إِلهَکَ وَ إِلهَ آبائِکَ إِبْراهِیمَ وَ إِسْماعِیلَ وَ إِسْحاقَ إِلهاً واحِداً وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ». (۹) ابراهیم و یعقوب (در واپسین لحظات عمر) فرزندان خود را وصیّت کردند؛ و هر کدام به فرزندان خویش گفتند: «فرزندان من! خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است؛ و شما، جز به آیین اسلام [تسلیم در برابر فرمان خدا] از دنیا نروید!» آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟! در آن هنگام که به فرزندان خود گفت: «پس از من، چه چیز را می‌پرستید؟» گفتند: «خدای تو، و خدای پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، خداوند یکتا را، و ما در برابر او تسلیم هستیم».

لزوم شاهد هنگام وصیّت

«یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا شَهادَةُ بَیْنِکُمْ إِذا حَضَرَ أَحَدَکُمُ الْمَوْتُ حینَ الْوَصِیَّةِ اثْنانِ ذَوا عَدْلٍ مِنْکُمْ أَوْ آخَرانِ مِنْ غَیْرِکُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِی الْأَرْضِ فَأَصابَتْکُمْ مُصیبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُما مِنْ بَعْدِ الصَّلاةِ فَیُقْسِمانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ لا نَشْتَری بِهِ ثَمَناً وَ لَوْ کانَ ذا قُرْبی وَ لا نَکْتُمُ شَهادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذاً لَمِنَ الْآثِمینَ». (۱۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، در موقع وصیّت باید از میان شما، دو نفر عادل را به شهادت بطلبد؛ یا اگر مسافرت کردید، و مصیبت مرگ شما فرا رسید، (و در آن جا مسلمانی نیافتید) دو نفر از غیر خودتان را به گواهی بطلبید، و اگر به هنگام ادای شهادت، در صدق آنها شک کردید، آنها را بعد از نماز نگاه می‌دارید تا سوگند یاد کنند که ما حاضر نیستیم حق را به چیزی بفروشیم، هر چند در مورد خویشاوندان ما باشد! و شهادت الهی را کتمان نمی‌کنیم، که از گناهکاران خواهیم بود!

وصیّت به حفظ حقوق همسران

«وَ الَّذینَ یُتَوَفَّوْنَ مِنْکُمْ وَ یَذَرُونَ أَزْواجاً وَصِیَّةً لِأَزْواجِهِمْ مَتاعاً إِلَی الْحَوْلِ غَیْرَ إِخْراجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلا جُناحَ عَلَیْکُمْ فی ما فَعَلْنَ فی أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَ اللَّهُ عَزیزٌ حَکیمٌ». (۱۱) و کسانی که از شما در آستانه‌ی مرگ قرار می‌گیرند و همسرانی از خود بجا می‌گذارند، باید برای همسران خود وصیّت کنند که تا یک سال، آنها را (با پرداختن هزینه‌ی زندگی) بهره‌مند سازند؛ به شرط اینکه آنها (از خانه‌ی شوهر) بیرون نروند و اگر بیرون روند، گناهی بر شما نیست. نسبت به آنچه درباره‌ی خود، به طور شایسته

انجام می‌دهند و خداوند، توانا و حکیم است. از این آیات استفاده می‌شود که وصیّت، نه تنها مجاز و مشروع، بلکه رعایت آن بر ورثه نیز لازم است و تغییر و تبدیل وصیّت از ناحیه وصیّ را ممنوع اعلام داشته و گناه آن را متوجّه شخصی می‌داند که آن را تغییر دادهست چنانکه می‌فرماید: «فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ ما سَمِعَهُ فَإِنَّما إِثْمُهُ عَلَی الَّذینَ یُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمیعٌ عَلیمٌ». (۱۲) پس کسانی که بعد از شنیدن وصیّت آن را تغییر دهند، پس گناه آن، تنها بر کسانی‌ست که آن (وصیّت) را تغییر می‌دهند؛ خداوند، شنوا و داناست.

روایات در خصوص وصیّت

احتجاج خدای عزّ و جلّ بر تارک وصیّت

عَنْ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی یَقُولُ ابْنَ آدَمَ تَطَوَّلْتُ عَلَیْکَ بِثَلاثَةٍ سَتَرْتُ عَلَیْکَ مَا لَوْ یَعْلَمُ بِهِ أَهْلُکَ مَا وَارَوْکَ وَ أَوْسَعْتُ عَلَیْکَ فَاسْتَقْرَضْتُ مِنْکَ فَلَمْ تُقَدِّمْ خَیْراً وَ جَعَلْتُ لَکَ نَظِرَةً عِنْدَ مَوْتِکَ فِی ثُلُثِکَ فَلَمْ تُقَدِّمْ خَیْراً». (۱۳) حضرت باقر علیه السلام فرمودند خداوند متعال می‌فرماید: ای فرزند آدم! سه نعمت بزرگ و سه منّت بر تو نهادم: ۱ – زشتی‌ها و عیوبی را مستور نموده و پوشانیدم که اگر خانواده‌ی خودت آنها را می‌دانستند پرده پوشی نمی‌کردند (یا تو را به خاک نمی‌سپردند). ۲ – گشایش و توسعه در زندگی به تو دادم سپس از تو قرض خواستم ولی تو قدم خیری برنداشتی و چیزی را از پیش نفرستادی. ۳ – نزدیک مرگت ثلث مال را در اختیار تو نهادم (که هر گونه وصیّت بخواهی بنمایی) باز هم قدمی برنداشتی و چیزی از پیش نفرستادی. قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام : الْوَصِیَّةُ حَقٌّ عَلَی کُلِّ مُسْلِم. (۱۴ امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: وصیّت، حقّیست بر هر مسلمان. قَالَ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: مَا یَنْبَغِی لِامْرِئٍ مُسْلِمٍ أَنْ یَبِیتَ لَیْلَةً إِلا وَ وَصِیَّتُهُ تَحْتَ رَأْسِه. (۱۵ حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: سزاوار نیست بر مؤمن که هیچ شبی بخوابد مگر اینکه وصیّت نامه‌اش زیر سرش باشد. قَالَ الصّادق علیه السلام : مَنْ لَمْ یُوصِ عِنْدَ مَوْتِهِ لِذَوِی قَرَابَةٍ مِمَّنْ لا یَرِثُهُ فَقَدْ خَتَمَ عَمَلَهُ بِمَعْصِیَة. (۱۶) حضرت صادق علیه السلام فرموده‌اند: هر کس به هنگام مرگ، برای خویشاوندانی که ارث نمی‌برند، وصیّت نکند، سرانجامش به گناه پایان می‌پذیرد.

آداب وصیّت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم مَنْ لَمْ یُحْسِنْ وصِیَّتَهُ عِنْدَ الْمَوْتِ کَانَ نَقْصاً فِی مُرُوَّتِهِ وَ عَقْلِهِ قِیلَ یا رَسُولَ اللَّهِ وَ کَیْفَ یُوصِی الْمَیِّتُ قَالَ: إِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ وَ اجْتَمَعَ النَّاسُ إِلَیْهِ قَالَ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ عالِمَ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَةِ الرَّحْمَنَ الرَّحِیمَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعْهَدُ إِلَیْکَ فِی دَارِالدُّنْیا أَنِّی أَشْهَدُ أنْ لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ وَحْدَکَ لا شَرِیکَ لَکَ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ الْبَعْثَ حَقٌّ وَ الْحِسَابَ حَقٌّ وَ الْقَدَرَ وَ الْمِیزَانَ حَقٌّ وَ أَنَّ الْقُرْآنَ کَمَا أَنْزَلْتَ وَ أَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِینُ جَزَی اللَّهُ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله و سلم خَیْرَ الْجَزَاءِ وَ حَیا اللَّهُ مُحَمَّداً بِالسَّلام اللَّهُمَّ یا عُدَّتِی عِنْدَ کُرْبَتِی وَ یا صَاحِبِی عِنْدَ شِدَّتِی وَ یا وَلِیِّی فِی نِعْمَتِی إِلَهِی وَ إِلَهَ آبَائِی لا تَکِلْنِی إِلَی نَفْسِی طَرْفَةَ عَیْنٍ فَإِنَّکَ إِنْ تَکِلْنِی إِلَی نَفْسِی کُنْتُ أَقْرَبَ مِنَ الشَّرِّ وَ أَبْعَدَ مِنَ الْخَیْرِ وَ آنِسْ فِی الْقَبْرِ وَحْشَتِی وَ اجْعَلْ لِی عَهْداً یَوْمَ أَلْقَاکَ مَنْشُوراً ثُمَّ یُوصِی بِحَاجَتِهِ وَ تَصْدِیقُ هَذِهِ الْوَصِیَّةِ فِی الْقُرْآنِ فِی سُورَةِ الَّتِی ذَکَرَ فِیهَا مَرْیَمَ فِی قَوْلِهِ «لا یَمْلِکُونَ الشَّفاعَةَ إِلا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمنِ عَهْداً» (۱۷) فَهَذَا عَهْدُ الْمَیِّتِ وَ الْوَصِیَّةُ حَقٌّ عَلَی کُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ یَحْفَظَ هَذِهِ الْوَصِیَّةَ وَ یُعَلِّمَهَا قَالَ أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ علیه السلام عَلَّمَنِیهَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ قَالَ عَلَّمَنِیهَا جَبْرَئِیلُ علیه السلام. (۱۸ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: هر کس به هنگام مرگ، وصیّت پسندیده نکند، موجب کاستی در مروّت و خِرد اوست. گفته شد: ای رسول خدا! چگونه باید وصیّت کرد؟ فرمودند: چون مرگش فرا رسد و مردم پیش او جمع شوند، بگوید: پروردگارا! ای پدید آورنده‌ی آسمانها و زمین! ای آگاه آشکار و نهان! ای مهربان به دوست و دشمن! پروردگارا! من در این جهان به پیشگاه

تو عهد و اقرار می‌کنم و گواهی می‌دهم که خدایی جز تو نیست، یگانه‌ای که تو را شریک و همتایی نیست و محمّد بنده و فرستاده‌ی تو است و همانا که بهشت و دوزخ حق است و حساب و برانگیختن و میزان و اندازه گیری حق است و قرآن چنان است که تو فرو فرستاده‌ای و تو خود، خدای حق و آشکاری. خداوند به محمّد صلی الله علیه و آله و سلم بهترین پاداش را داده! و به محمّد و آل او: بهترین تحیّت را عنایت فرماید. پروردگارا! ای ساز و برگ من به هنگام گرفتاری، و ای یاور من به هنگام سختی، و ای ولیّ نعمت من! تو که خدای من و خدای پدر و نیاکان منی، مرا لحظه‌ای به خود وا مگذار که اگر یک چشم بر هم زدن مرا به خودم واگذاری، به بدی نزدیک و از نیکی دور می‌شوم. خدایا! انیس وحشت من در قبرم باش و این عهد مرا روزی که تو را دیدار می‌کنم به من ارزانی فرمای. سپس به نیازهای خود وصیّت کند. این وصیّت، همان است که در سوره‌ی مریم آیه ۹۱ آمده و فرموده است: «آنان هرگز مالک شفاعت نمی‌باشند، مگر کسی که نزد خدای بخشنده عهد و پیمانی دارد» و این وصیّت عهد و پیمان میّت است و وصیّت بر هر مسلمانی حق است و لازم است که این را حفظ و به این عمل کند. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند: این گونه وصیّت کردن را پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به من آموختند و فرمودند: جبرئیل علیه السلام به من آموزش داد.

نهی از ضرر زدن و ظلم و حق کشی کردن در وصیّت

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ أَوصی بِالثُّلُثِ فَقَدْ أَضَرَّ بِالْوَرَثَةِ وَ الْوَصِیَّةُ بِالْخُمُسِ وَ الرُّبُعِ أَفْضَلُ مِنَ الْوَصِیَّةِ بِالثُّلُثِ وَ قَالَ: مَنْ أَوْصی بِالثُّلُثِ فَلَمْ یَتْرُک (۱۹) از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: کسی که به ثلث وصیّت کند، ورثه را متضرّر کرده است، و وصیّت به یک پنجم و یک چهارم از وصیّت به یک سوّم افضل است، و فرمود: کسی که به ثلث وصیّت کند، چیزی از مورد مأذون را باقی نگذاشته است. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ علیهم السلام قَالَ: قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام مَا اُبَالِی أَضْرَرْتُ بِوُلْدِی أَوْ سَرَقْتُهُمْ ذَلِک (۲۰) از امام جعفر بن محمّد از پدرش علیهم السلام روایت شده، که فرمودند: حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: نزد من فرق نمی‌کند که به فرزندانم زیان رسانم یا از آنان سرقت نمایم و یا ایشان را واگذارم. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ علیهم السلام قَالَ: قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام مَنْ أَوصی فَلَمْ یَحِفْ وَ لَمْ یُضَارَّ کَانَ کَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فِی حَیاتِهِ (۲۱) از امام جعفر بن محمّد علیهما السلام، از پدرش علیهم السلام نقل شده که فرمود حضرت علی علیه السلام فرمود: کسی که وصیّت کند، و با سخنان بیهوده درباره‌ی ورثه ستم نکند، و زیانی به کسی وارد نسازد، چنان است که مورد وصیّت را در زمان حیات خودش به صدقه داده باشد. عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قَضَی امیرالمؤمنین علیه السلام فِی رَجُلٍ تُوُفِّیَ وَ أَوصَی بِمَالِهِ کُلِّهِ أَوْ بِأَکْثَرِهِ فَقَالَ إِنَّ الْوَصِیَّةَ تُرَدُّ إِلَی الْمَعْرُوفِ وَ یُتْرَکُ لِأَهْلِ الْمِیرَاثِ مِیرَاثُهُم. (۲۲) از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده، که فرمودند: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره‌ی مردی که وفات نموده، و درباره همگی مال خود، یا بیشتر آن وصیّت کرده، بر این گونه قضاوت فرموده‌ست که وصیّت به معروف یعنی به آنچه در شرع آمده‌ست برگردانده می‌شود، و میراث اهل میراث به ایشان واگذار می گردد. قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام : الْحَیْفُ فِی الْوَصِیَّةِ مِنَ الْکَبَائِر. (۲۳) حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: ستم در وصیّت از معاصی کبیره می‌باشد.

وصیّ خود باشید!

قَالَ رَجُلٌ لِلصَّادِقِ علیه السلام أَوْصِنِی قَالَ: لَهُ أَعِدَّ جَهَازَکَ وَ أَکْثِرْ مِنْ زَادِکَ لِطُولِ سَفَرِکَ وَ کُنْ وَصِیَّ نَفْسِکَ وَ لا تَکُنْ تَأْمَنُ غَیْرَ أَنْ یَبْعَثَ بِحَسَنَاتِکَ إِلَی قَبْرِکَ فَإِنَّهُ لَنْ یَبْعَثَهَا أَحَدٌ مِنْ وُلْدِکَ إِلَیْکَ فَمَا أَبْیَنَ الْحَقَّ لِذِی عَیْنَیْنِ أَنَّ الرَّحِیلَ أَحَدُ الْیَوْمَیْنِ تَزَوَّدُوا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ وَ تَصَدَّقُوا مِنْ خَالِصِ الْأَمْوَالِ فَقَدْ دَنَا الرِّحْلَةَ وَ الزَّوَال (۲۴) مردی به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: مرا پند و

اندرز ده، حضرتش فرمود: خویشتن را مجهّز و آماده کن، زاد و توشه‌ی فراوان بردار برای سفر دور و درازت، صاحب اختیار خویشتن باش، از غیر خود ایمن نباش، تا که فرزندانت پس از مرگ تو بسوی قبرت حسنات و خوبی‌ها فرستند زیرا که فرزند تو چیزی به سوی تو نفرستد. چقدر حق و حقیقت پیش دیدگان آشکار است همانا کوچ کردن در یکی از این دو روز خواهد بود از کردار شایسته توشه برگیرید و از مال‌های پاک صدقه بدهید زیرا که حرکت و نابودی نزدیک است. أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلصَّادِقِ علیه السلام جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَوْصِنِی فَقَالَ: أَعِدَّ جِهَازَکَ وَ قَدِّمْ زَادَکَ لِطُولِ سَفَرِکَ وَ کُنْ وَصِیَّ نَفْسِکَ وَ لا تَأْمَنْ غَیْرَکَ أَنْ یَبْعَثَ إِلَیْکَ بِمَا یُصْلِحُکَ. (۲۵ مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: به من سفارش کن. ایشان فرمود: بار (آخرت) خود را آماده ساز و توشه‌ی سفر طولانی خود را پیش فرست و وصیّ خود باش و دیگری را امین مدان که آنچه را تو اصلاح کنی برایت بفرستد. قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام : یا ابْنَ آدَمَ کُنْ وَصِیَّ نَفْسِکَ فِی مَالِکَ وَ اعْمَلْ فِی مَالِکَ فِیهِ مَا تُؤْثِرُ أَنْ یُعْمَلَ [یَعْمَلَ فِیهِ مِنْ بَعْدِکَ] مَنْ بَعْدَکَ (۲۶) حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: پسر آدم! وصّی خود در مال خویش باش، و در مال خود طوری عمل کن آن چنان که خواهی پس از تو عمل کنند. در این قسمت به مناسبت بحث وصیّت، به چند آیه از قرآن مجید اشاره می‌شود که خدای عزّوجل به انسان‌ها سفارش و وصیّت فرموده، البته در ذیل هر آیه هم، چند روایت به مناسبت ذکر شده است.

سفارشات خداوند متعال به انسان

آیه‌ی اوّل

(شَرَعَ لَکُمْ مِنَ الدِّینِ ما وَصَّی بِهِ نُوحاً وَ الَّذی أَوْحَیْنا إِلَیْکَ وَ ما وَصَّیْنا بِهِ إِبْراهیمَ وَ مُوسی وَ عیسی أَنْ أَقیمُوا الدِّینَ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فیهِ کَبُرَ عَلَی الْمُشْرِکینَ ما تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ اللَّهُ یَجْتَبی إِلَیْهِ مَنْ یَشاءُ وَ یَهْدی إِلَیْهِ مَنْ یُنیبُ) (۲۷) آیینی را برای شما تشریع کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم سفارش کردیم این بود که دین را بر پا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید! که بر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سویش دعوت می‌کنید! خداوند هر کس را بخواهد برمی‌گزیند، و کسی را که به سوی او بازگردد هدایت می‌کند. ۱ – عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ أَنَّهُ کَتَبَ إِلَیْهِ الرِّضَا علیه السلام أَمَّا بَعْدُ: فَإِنَّ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله و سلم کَانَ أَمِینَ اللَّهِ فِی خَلْقِهِ فَلَمَّا قُبِضَ صلی الله علیه و آله و سلم کُنَّا أَهْلَ الْبَیْتِ وَرَثَتَهُ فَنَحْنُ أُمَنَاءُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ عِنْدَنَا عِلْمُ الْبَلایا وَ الْمَنَایا وَ أَنْسَابُ الْعَرَبِ وَ مَوْلِدُ الْإِسْلام وَ إِنَّا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ إِذَا رَأَیْنَاهُ بِحَقِیقَةِ الْإِیمَانِ وَ حَقِیقَةِ النِّفَاقِ وَ إِنَّ شِیعَتَنَا لَمَکْتُوبُونَ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ أَخَذَ اللَّهُ عَلَیْنَا وَ عَلَیْهِمُ الْمِیثَاقَ یَرِدُونَ مَوْرِدَنَا وَ یَدْخُلُونَ مَدْخَلَنَا لَیْسَ عَلَی مِلَّةِ الْإِسْلام غَیْرُنَا وَ غَیْرُهُمْ نَحْنُ النُّجَبَاءُ النُّجَاةُ وَ نَحْنُ أَفْرَاطُ الْأَنْبِیاءِ وَ نَحْنُ أَبْنَاءُ الْأَوْصِیاءِ وَ نَحْنُ الْمَخْصُوصُونَ فِی کِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ نَحْنُ أَوْلَی النَّاسِ بِکِتَابِ اللَّهِ وَ نَحْنُ أَوْلَی النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ نَحْنُ الَّذِینَ شَرَعَ اللَّهُ لَنَا دِینَهُ فَقَالَ فِی کِتَابِهِ شَرَعَ لَکُمْ یا آلَ مُحَمَّدٍ مِنَ الدِّینِ ما وصّی بِهِ نُوحاً قَدْ وَصَّانَا بِمَا وصّی بِهِ نُوحاً وَ الَّذِی أَوْحَیْنا إِلَیْکَ یا مُحَمَّدُ وَ ما وَصَّیْنا بِهِ إِبْراهِیمَ وَ مُوسی وَ عِیسی فَقَدْ عَلَّمَنَا وَ بَلَّغَنَا عِلْمَ مَا عَلِمْنَا وَ اسْتَوْدَعَنَا عِلْمَهُمْ نَحْنُ وَرَثَةُ أُولِی الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ أَقِیمُوا الدِّینَ یا آلَ مُحَمَّدٍ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِیهِ وَ کُونُوا عَلَی جَمَاعَةٍ کَبُرَ عَلَی الْمُشْرِکِینَ مَنْ أَشْرَکَ بِوَلایَةِ عَلِیٍّ ما تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ مِنْ وَلایَةِ عَلِیٍّ إِنَّ اللَّهَ یا مُحَمَّدُ یَهْدِی إِلَیْهِ مَنْ یُنِیبُ مَنْ یُجِیبُکَ إِلَی وَلایَةِ عَلِیٍّ علیه السلام. (۲۸) از عبداللّه بن جُندب روایت شده که حضرت رضا علیه السلام به او نوشتند: امّا بعد همانا محمّد صلی الله علیه و آله و سلم امین خدا در میان خلقش بود و چون آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت رسید، ما خانواده، وارث او شدیم، پس ما امین خدا در زمین هستیم، علم بلاها و علم به ساعت مُردن و نژاد عرب و تولّد اسلام نزد ماست (یعنی نژاد صحیح و فاسد عرب را می‌شناسیم و از محل تولّد اسلام که دل انسان است آگاهیم) و هر مردی را ببینیم می‌شناسیم که او حقیقتاً مؤمن است یا منافق و نام شیعیان ما و نام پدرانشان، نزد ما ثبت است. خدا از ما و آنها پیمان گرفته (که ما

رهبر آنهـا باشـیم و آنهـا پیرو ما) بر سـر هر آبی که ما وارد شویم آنها هم وارد شونـد و در هر جا درآئیم، درآینـد (اشاره به حوض کوثر و بهشت و مقام علیّین دارد و یا متابعت در مقام عمل را می‌رساند) جز ما و ایشان کسـی در کیش اسـلام نیست، مائیم نجیب و رسـتگار و مائیم بازمانـدگان پیغمبران و مائیم فرزندان اوصـیاء و مائیم برجسـتگان در کتاب خداوند، ما به قرآن سـزاوارتریم تا مردم دیگر و ما به پیغمبر نزدیک‌تریم تا مردم دیگر، و خدا دینش را برای ما مقرّر داشـته و در قرآنش فرموده «مقرّر فرمود برای شـما (ای آل محمّد) از دین آنچه را که به نوح سـفارش نمود و آنچه را به تو وحی کردیم (ای محمّد) و آنچه را به ابراهیم و موسـی و عیسی سفارش کردیم (به ما آموخت و رسانیـد آنچه را بایـد بدانیم و علوم این پیغمبران را به ما سپرد، ما وارث پیغمبران اولواالعزم هستیم) و آن سـفارش این بود که دین را بپا داریـد (ای آل محمّـد!) در آن تفرقه نیندازیـد (و بـا هم متّحـد باشـید) گران و ناگوار است بر مشـرکین (آنها که به ولایت حضـرت علی علیه السـلام مشـرک شدنـد) آنچه را بدان دعوتشان کنید (که ولایت حضـرت علی علیه السـلام است) همانا (ای محمّد) خدا هدایت کند کسی را که به او رجوع کند» یعنی کسی که ولایت حضرت علی علیه السلام را از تو بپذیرد. ۲ - عَنِ الرِّضَا علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «کَبُرَ عَلَی الْمُشْـرِکِینَ» (۲۹) بِوَلایَـهِٔ عَلِیٍّ ما تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ یا مُحَمَّدُ مِنْ وَلایَهِٔ عَلِیٍّ هَکَـذَا فِی الْکِتَابِ مَخْطُوطَـهٌٔ. (۳۰) امـام رضـا علیه السـلام دربارهٔی این قول خـدای عزّوجلّ فرمودنـد: «گران آمـد بر مشـرکین (نسبت به ولاـیت حضـرت علی علیه السـلام) آنچه ایشـان را به سویش خوانی» ای محمّـد! که آن ولایت علیست (حاصل اینکه تو مشرکین را به ولایت علی علیه السلام می‌خوانی و تحمّل این مطلب بر ایشان گران است) در کتاب این گونه نوشته شده. ۳ - [تفسیر القمی قَوْلُهُ تَعَـالَی أَنْ أَقِیمُوا الـدِّینَ أَیْ تَعَلَّمُوا الـدِّینَ یَعْنِی التَّوْحِیـدَ وَ إِقَامَ الصَّلاـهِٔ وَ إِیتَاءَ الزَّکَاهِٔ وَ صَوْمَ شَـهْرِ رَمَضَانَ وَ حِجَّ الْبَیْتِ وَ السُّنَنَ وَ الْأَحْکَـامَ الَّتِی فِی الْکُتُبِ وَ الْـإِقْرَارَ بِوَلایَـهِٔ امیرالمؤمنین علیه السـلام وَ لاـ تَتَفَرَّقُوا فِیهِ أَیْ لاـ تَخْتَلِفُوا فِیهِ کَبُرَ عَلَی الْمُشْـرِکِینَ ما تَـدْعُوهُمْ إِلَیْهِ مِنْ ذِکْرِ هَـذِهِ الشَّرَائِعِ ثُمَّ قَـالَ اللَّهُ یَجْتَبِی إِلَیْهِ مَنْ یَشاءُ أَیْ یَخْتَارُ وَ یَهْـدِی إِلَیْهِ مَنْ یُنِیبُ وَ هُمُ الْأَئِمَّهُٔ الَّذِینَ اجْتَبَاهُمُ اللَّهُ وَ اخْتَارَهُمْ (۳۱) در تفسـیر علی بن ابراهیم قمّی در ذیل آیه چنین نقل شـده أَنْ أَقِیمُوا الـدِّینَ یعنی توحید و نماز و زکات و روزهٔی ماه رمضـان و حـجّ و سـنن و احکامی که در آداب شـریعت هست و اقرار به ولایت حضـرت امیرالمؤمنین علیه السـلام را فراگیریـد وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِیهِ یعنی اختلاف دربارهٔی آن نکنید. کَبُرَ عَلَی الْمُشْـرِکِینَ ما تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ یعنی گران است بر مشرکین دعوت به این شرایعی که می کنید. سپس می‌فرماید: اللَّهُ یَجْتَبِی إِلَیْهِ مَنْ یَشاءُ یعنی خدا هر که را بخواهد انتخاب می کند. وَ یَهْدِی إِلَیْهِ مَنْ یُنِیبُ ایشان ائمه: هسـتند که خـدا آنها را انتخاب و اختیار کرده است. ۴ - قَالَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَـیْنِ علیهما السـلام: إِنَّ مُحَمَّداً صـلی الله علیه و آله و سـلم کَانَ أَمِینَ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ فَلَمَّا انقبض [أَنْ قَبَضَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله و سلم کُنَّا أَهْلَ الْبَیْتِ أُمَنَاءَ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ عِنْدَنَا عِلْمُ الْبَلایَا وَ الْمَنَایَا وَ أَنْسَابُ الْعَرَبِ وَ مَوْلِـدُ الْإِسْـلامِ وَ إِنَّا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ إِذَا رَأَیْنَاهُ بِحَقِیقَـهِٔ الْإِیمَانِ وَ بِحَقِیقَهِٔ النِّفَاقِ وَ إِنَّ شِیعَتَنَا لَمَکْتُوبُونَ مَعْرُوفُونَ بِأَسْـمَائِهِمْ وَ أَسْـمَاءِ آبَـائِهِمْ أَخَـذَ اللَّهُ الْمِیثَاقَ عَلَیْنَا وَ عَلَیْهِمْ یَرِدُونَ مَوَارِدَنَا وَ یَـدْخُلُونَ مَـدَاخِلَنَا لَیْسَ عَلَی مِلَّهِٔ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلِ اللَّهِ غَیْرُنَا وَ غَیْرُهُمْ إِنَّا یَوْمَ الْقِیامَـهِٔ آخِـذُونَ بِحُجْزَهِٔ نَبِیِّنَا وَ نَبِیُّنَا آخِـذٌ بِحُجْزَهِٔ رَبِّهِ وَ إِنَّ الْحُجْزَهَٔ النُّورُ وَ شِیعَتُنَا آخِذُونَ بِحُجَزِنَا مَنْ فَارَقَنَا هَلَکَ وَ مَنْ تَبِعَنَا نَجَا وَ الْجَاحِدُ لِوَلایَتِنَا کَافِرٌ وَ مُتَّبِعُنَا وَ تَابِعُ أَوْلِیائِنَا مُؤْمِنٌ لا یُحِبُّنَا کَافِرٌ وَ لا یُبْغِضُنَا مُؤْمِنٌ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ مُحِبُّنَا کَانَ حَقّاً عَلَی اللَّهِ أَنْ یَبْعَثَهُ مَعَنَا نَحْنُ نُورٌ لِمَنْ تَبِعَنَا وَ نُورٌ لِمَنِ اقْتَـدَی بِنَا مَنْ رَغِبَ عَنَّا لَیْسَ مِنَّا وَ مَنْ لَمْ یَکُنْ مَعَنَا فَلَیْسَ مِنَ الْإِسْـلامِ فِی شَیْءٍ بِنَا فَتَحَ اللَّهُ الـدِّینَ وَ بِنَا یَخْتِمُهُ وَ بِنَا أَطْعَمَکُمُ اللَّهُ عُشْبَ الْأَرْضِ وَ بِنَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَیْکُمْ قَطْرَ السَّمَـاءِ وَ بِنَا آمَنَکُمُ اللَّهُ مِنَ الْغَرَقِ فِی بَحْرِکُمْ وَ مِنَ الْخَسْفِ فِی بَرِّکُمْ وَ بِنَا نَفَعَکُمُ اللَّهُ فِی حَیاتِکُمْ وَ فِی قُبُورِکُمْ وَ فِی مَحْشَـرِکُمْ وَ عِنْـدَ الصِّرَاطِ وَ عِنْـدَ الْمِیزَانِ وَ عِنْدَ دُخُولِکُمُ الْجِنَانَ إِنَّ مَثَلَنَا فِی کِتَابِ اللَّهِ کَمَثَلِ الْمِشْـکَاهِٔ وَ الْمِشْـکَاهُٔ فِی الْقِنْدِیلِ فَنَحْنُ الْمِشْکَاهُٔ فِیهَا مِصْبَاحٌ وَ الْمِصْبَاحُ هُوَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله و سلم الْمِصْباحُ فِی زُجاجَهٍٔ نَحْنُ الزُّجَاجَهُٔ کَأَنَّها کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ یُوقَدُ مِنْ شَجَرَهٍٔ مُبارَکَهٍٔ زَیْتُونَهٍٔ لا شَرْقِیَّهٍٔ وَ لا غَرْبِیَّهٍٔ لا مُنْکَرَهٍٔ وَ لا دَعِیَّهٍٔ یَکادُ زَیْتُها نُورٌ یُضِیءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ الْفُرْقَانُ عَلی نُورٍ یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ یَشاءُ لِوَلایَتِنَا وَ اللَّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ بِأَنْ یَهْدِیَ مَنْ أَحَبَّ لِوَلایَتِنَا حَقّاً عَلَی اللَّهِ أَنْ یَبْعَثَ وَلِیَّنَا مُشْـرِقاً وَجْهُهُ نَیِّراً بُرْهَانُهُ عَظِیماً عِنْدَ اللَّهِ حُجَّتُهُ وَ یَجِیءُ عَـدُوُّنَا یَوْمَ الْقِیامَـهِٔ مُسْوَدّاً وَجْهُهُ مُدْحَضَـهًٔ عِنْـدَ اللَّهِ

حُجَّتُهُ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَ وَلِيَّنَا رَفِيقَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولئِكَ رَفِيقاً وَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَ عَدُوَّنَا رَفِيقاً لِلشَّياطِينِ وَ الْكَافِرِينَ وَ بِئْسَ أُولَئِكَ رَفِيقاً لِشَهِيدِنَا فَضْلٌ عَلَى الشُّهَدَاءِ غَيْرِنَا بِعَشْرِ دَرَجَاتٍ وَ لِشَهِيدِ شِيعَتِنَا عَلَى شَهِيدِ غَيْرِنَا سَبْعُ دَرَجَاتٍ فَنَحْنُ النُّجَبَاءُ وَ نَحْنُ أَفْرَاطُ الْأَنْبِياءِ وَ نَحْنُ أَبْنَاءُ الْأَوْصِيَاءِ وَ نَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَ نَحْنُ الْمَخْصُوصُونَ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ نَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِدِينِ اللَّهِ وَ نَحْنُ الَّذِينَ شَرَعَ اللَّهُ لَنَا فَقَالَ اللَّهُ شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ ما وصّى بِهِ نُوحاً وَ الَّذِي أَوْحَيْنا إِلَيْكَ يا مُحَمَّدُ وَ ما وَصَّيْنا بِهِ إِبْراهِيمَ وَ مُوسى وَ عِيسى فَقَدْ عَلَّمَنَا وَ بَلَّغَنَا مَا عَلِمْنَا وَ اسْتَوْدَعَنَا عِلْمَهُمْ وَ نَحْنُ وَرَثَةُ الْأَنْبِياءِ وَ نَحْنُ ذُرِّيَّةُ أُولِي الْعِلْمِ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ يا آلَ مُحَمَّدٍ: وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ وَ كُونُوا عَلَى جَمَاعَتِكُمْ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَنْ أَشْرَكَ بِوَلايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام ما تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ مِنْ وَلايَةِ عَلِيٍّ عليه السلام إِنَّ اللَّهَ يا مُحَمَّدُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ مَنْ يُجِيبُكَ إِلَى وَلايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عليه السلام (۳۲) حضرت امام علی بن الحسین علیهما السلام فرمودند: حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم امین خدا در زمین بود. پس از شهادت او ما امنای خدائیم در زمین، در نزد ما علم بلاها و ساعت مرگ‌ها است و انساب عرب و زادگاه اسلام، ما هر کس را ببینیم می‌فهمیم که واقعاً او مؤمن است یا منافق، به درستی که نام شیعیان ما و نام پدرانشان نوشته شده و آنها را می‌شناسیم خداوند از آنها پیمان گرفته که پیرو ما باشند و وارد شوند در جایی که ما وارد می‌شویم، کسی جز ما و ایشان بر ملّت ابراهیم خلیل الرّحمن نیست. ما در روز قیامت چنگ به دامن پیامبرمان می‌زنیم و پیامبر اکرم چنگ به حُجزه خدا می‌زند و حُجزه همان نور است و شیعیان ما چنگ به نور ما می‌زنند هر که از ما جدا شود هلاک شده و هر که پیرو ما باشد نجات یافته، منکر ولایت ما کافر و پیرو ما و پیرو دوستان ما مؤمن است. کافر به ما محبّت نمی‌ورزد و مؤمن ما را دشمن نمی‌دارد کسی که با محبّت ما بمیرد بر خدا لازم است او را با ما محشور کند، ما نوریم برای پیروان خود و کسی که به ما اقتدا نماید. هر که از ما کناره‌گیری کند از ما نخواهد بود و هر که با ما نباشد از اسلام بهره‌ای نبرده به وسیله‌ی ما دین شروع و به ما ختم می‌شود به وسیله‌ی ما خدا از روئیدنی‌های زمین شما را بهره‌مند کرده و به واسطه‌ی ما باران از آسمان می‌بارد و به واسطه‌ی ما خدا شما را از غرق در دریا و فرو رفتن در زمین نگه می‌دارد. خداوند به واسطه‌ی ما شما را در قبرها و محشر و هنگام صراط و میزان و موقع داخل شدن بهشت سود می‌بخشد. مَثَل ما در کتاب خدا مانند مشکات است. مشکات در قندیل است. ما مشکات هستیم که در آن چراغ است و چراغ محمّد صلی الله علیه و آله و سلم الْمِصْباحُ فِي زُجاجَةٍ ما زجاجه هستیم كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ نژادی معروف و غیر قابل ایراد که نورش می‌درخشد يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ قرآن عَلى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ آن کس را که بخواهد به نور ولایت ما هدایت می‌کند. خدا به هر چیز دانا است اگر کسی را هدایت به ولایت ما نماید. بر خدا لازم است که او را با چهره‌ای درخشان و برهانی فروزان با سربلندی نزد خدا محشور نماید و دشمن ما روز قیامت با چهره‌ای سیاه و سرافکنده در نزد خدا محشور می‌شود. لازم است خداوند دوست ما را رفیق پیامبران و صدّیقین و شهداء و صالحین قرار دهد که خوب رفیقانی هستند و دشمن ما را رفیق شیاطین و کافران گرداند که بد رفیقانی هستند. شهید ما به دَه امتیاز از سایر شهدا برتر است و شهید شیعه‌ی ما با هفت امتیاز بر دیگران برتری دارد ما نجباء و بازمانده‌ی انبیاء و فرزندان اوصیاء هستیم ما از همه‌ی مردم به خدا نزدیکتر و ما شخصیّت‌های ممتاز در کتاب آسمانی هستیم و ما از همه به دین خدا سزاوارتریم خداوند شریعت را برای ما تشریع نموده در قرآن می‌فرماید: شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ ما وصّى بِهِ نُوحاً وَ الَّذِي أَوْحَيْنا إِلَيْكَ يا محمّد وَ ما وَصَّيْنا بِهِ إِبْراهِيمَ وَ مُوسى وَ عِيسى ما را تعلیم دادند و ما نیز ابلاغ کردیم آنچه باید بگوئیم و وارث علم انبیاء شدیم ما ذریّه‌ی صاحبان علم هستیم أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ یا آل محمّد وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ متّحد باشید كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ گران است بر کسانی که ولایت علی بن ابی طالب را قبول ندارند دعوت‌های شما ما تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ به ولایت حضرت علی علیه السلام اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ خدا برمی‌گزیند و هدایت می‌کند کسی را که دعوت تو را (ای پیامبر) راجع به ولایت علی بن ابیطالب علیهما السلام بپذیرد.

آیه‌ی دوّم

(وَ لِلَّهِ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ لَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ إِياكُمْ أَنِ اتَّقُوا اللَّهَ وَ إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ كانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَميداً (۳۳)) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن خداست و ما به کسانی که پیش از شما، کتاب آسمانی به آنها داده شده بود، سفارش کردیم، (همچنین) به شما (نیز) سفارش می کنیم که از (نافرمانی) خدا بپرهیزید! و اگر کافر شوید، (به خدا زیانی نمی‌رسد؛ زیرا) برای خداست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، و خداوند، بی‌نیاز و ستوده است. ۱ – رُوِیَ أَنَّ رَجُلاً اسْتَوصَی رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَقَالَ: لا تَغْضَبْ قَطُّ فَإِنَّ فِيهِ مُنَازَعَةَ رَبِّكَ فَقَالَ زِدْنِی فَقَالَ إِياكَ وَ مَا يُعْتَذَرُ مِنْهُ فَإِنَّ فِيهِ الشِّرْكَ الْخَفِيَّ فَقَالَ زِدْنِی فَقَالَ صَلِّ صَلاةَ مُوَدِّعٍ فَإِنَّ فِيهَا الْوُصْلَةَ وَ الْقُرْبَی فَقَالَ زِدْنِی فَقَالَ علیه السلام اسْتَحْيِ مِنَ اللَّهِ اسْتِحْياءَكَ مِنْ صَالِحِی جِيرَانِكَ فَإِنَّ فِيهَا زِيادَةَ الْيقِينِ وَ قَدْ أَجْمَعَ اللَّهُ تَعَالَی مَا يَتَوَاصَی بِهِ الْمُتَوَاصُونَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ فِی خَصْلَةٍ وَاحِدَةٍ وَ هِيَ التَّقْوَی قَالَ اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ وَ لَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُواالْكِتابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ إِياكُمْ أَنِ اتَّقُوا اللَّهَ وَ فِيهِ جِمَاعُ كُلِّ عِبَادَةٍ صَالِحَةٍ وَصَلَ مَنْ وَصَلَ إِلَی الدَّرَجَاتِ الْعُلَی وَ الرُّتْبَةِ الْقُصْوَی وَ بِهِ عَاشَ مَنْ عَاشَ مَعَ اللَّهِ بِالْحَياةِ الطَّيِّبَةِ وَ الْأُنْسِ الدَّائِمِ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِی جَنَّاتٍ وَ نَهَرٍ فِی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ (۳۴) روایت شده که مردی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تقاضای وصیّت و اندرز نمود. به او فرمودند: خشمگین مشو زیرا خشم نزاع با خداست. عرض کرد: بیشتر بفرمایید. فرمودند: بپرهیز از چیزی که باید از آن عذر و پوزش بخواهی زیرا در این عمل شرک خفی است. عرض کرد: بیشتر بفرمایید. فرمودند: نماز بخوان همچون کسی که می‌خواهد با نماز وداع کند زیرا این نماز، رسیدن و نزدیک شدن به خداست. باز عرض کرد: اضافه بفرمایید. فرمودند: از خدا خجالت بکش همان طوری که از همسایگان صالحت خجالت می کشی که این عمل سبب افزایش یقین است و خداوند تکمیل فرموده: به آنچه گذشتگان و آیندگان مردم را نصیحت و سفارش کنند در یک خصلت و صفت و آن تقواست و فرموده: وَ لَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلِكُمْ ما سفارش کردیم به آنها که قبل از شما کتاب داده بودیم و شما را، به پرهیزکاری از خدا. در تقوا مجموعه‌ای عبادات صالح است و به، همین وسیله‌ی هر کس می‌تواند به درجات عالی و نهایی مراتب تقوا برسد و زندگی عالی در پناه خدا بیابد و انس دائم به وسیله همین تقوا بوده لذا خداوند می‌فرماید: إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِی جَنَّاتٍ وَ نَهَرٍ فِی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ.

آیه‌ی سوّم

(وَ وَصَّيْنَا الإِنْسانَ بِوالِدَيْهِ حُسْناً وَ إِنْ جاهَداكَ لِتُشْرِكَ بِی‌ما لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلا تُطِعْهُما إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ) (۳۵) ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، و اگر آن دو (مشرک باشند و) تلاش کنند که برای من همتایی قائل شوی که به آن علم نداری، از آنها پیروی مکن! بازگشت شما به سوی من است، و شما را از آنچه انجام می‌دادید با خبر خواهم ساخت! ۱ – عَنْ أَبِی الْجَارُودِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَاعَبْدِاللَّهِ علیه السلام يَقُولُ وَ ذَكَرَ هَذِهِ الآيَةَ وَ وَصَّيْنَا الإِنْسانَ بِوالِدَيْهِ حُسْناً فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَحَدُ الْوَالِدَيْنِ. فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَجْلانَ مَنِ الْآخَرُ قَالَ: عَلِيٌّ علیه السلام وَ نِسَاؤُهُ عَلَيْنَا حَرَامٌ وَ هِيَ لَنَا خَاصَّةً (۳۶) ابی الجارود می گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که در تفسیر این آیه فرمودند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یکی از والدین است. پس عبدالله بن عجلان پرسید: دیگری کیست؟ حضرت فرمودند: حضرت علی علیه السلام که زنانشان بر ما حرام هستند و این مورد مخصوص ما اهل بیت است. ۲ – جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَ وَصَّيْنَا الإِنْسانَ بِوالِدَيْهِ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلِيٍّ علیهما السلام (۳۷) جابر از امام پنجم علیه السلام نقل می کند که می‌فرمود: وَ وَصَّيْنَا الإِنْسانَ بِوالِدَيْهِ، منظور، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام می‌باشند. ۳ – عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ وَ أَنَا عِنْدَهُ لِعَبْدِ الْوَاحِدِ الْأَنْصَارِيِّ فِی بِرِّ الْوَالِدَيْنِ فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً فَظَنَنَّا أَنَّهَا الْآيَةُ الَّتِی فِی بَنِی إِسْرَائِيلَ وَ قَضی رَبُّكَ

أَلا تَعْبُدُوا إِلا إِیاهُ وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً فَلَمَّا کَانَ بَعْدُ سَأَلْتُهُ فَقَالَ هِیَ الَّتِی فِی لُقْمَانَ وَ وَصَّیْنَا الإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ حُسْناً وَ إِنْ جاهَداکَ عَلی أَنْ تُشْرِکَ بِی ما لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ فَلا تُطِعْهُما فَقَالَ إِنَّ ذَلِکَ أَعْظَمُ مِنْ أَنْ یامُرَ بِصِلَتِهِمَا وَ حَقِّهِمَا عَلَی کُلِّ حَالٍ وَ إِنْ جاهَداکَ عَلی أَنْ تُشْرِکَ بِی ما لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ فَقَالَ لا بَلْ یامُرُ بِصِلَتِهِمَا وَ إِنْ جَاهَدَاهُ عَلَی الشِّرْکِ مَا زَادَ حَقَّهُمَا إِلا عِظَماً (۳۸) راوی از امام ششم علیه السلام نقل می‌کند: نزد آن حضرت بودم که به عبدالواحد انصاری درباره‌ی نیکی به پدر و مادر در قول خدای عزّوجل وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً است مطالبی می‌فرمود. ما گمان کردیم مقصود حضرتش تفسیر آن آیه‌ایست که در سوره‌ی مبارکه بنی اسرائیل است (آیه‌ی ۲۳) «فرمان داده پروردگارت، که نپرستید جز او را و به پدر و مادرتان نیکی کنید»، پس از آن به محضرش رفتم و رسیدم، از حضرتش آیه را پرسیدم. آن حضرت فرمود: مقصود من آن آیه‌ای بود که در سوره‌ی لقمان است (آیه‌ی ۱۴) و سفارش کردیم آدمی را درباره‌ی والدینش به نیکی کردن و اگر با تو در افتند که شریک سازی با من چیزی را که ندانی، پس فرمانشان را اطاعت مکن. سپس راوی گفت راستش آن سفارش سوره‌ی بنی اسرائیل بالاتر است که فرمان داده به صله پدر و مادر و رعایت حقّشان در هر حال، گرچه در افتند با تو در اینکه شریک سازی با من آنچه را ندانی (راوی به اطلاق آیه استناد کرده) پس امام علیه السلام فرمود: نه بالاتر نیست بلکه در سوره لقمان هم به صله آنها فرمان داده و اگر چه با او برای شرک در افتند و در این آیه نیفزوده در حقّ آنان جز عظمت و والایی را. (مرحوم مجلسی رحمه الله علیه می‌گوید که این روایت از اخبار مشکل و پیچیده‌ست لذا اقوال هر یک از بزرگان را در ذیل روایت به تفصیل نقل فرموده (۳۹))

آیه‌ی چهارم

(وَ وَصَّیْنَا الإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْناً عَلی وَهْنٍ وَ فِصالُهُ فی عامَیْنِ أَنِ اشْکُرْ لی وَ لِوالِدَیْکَ إِلَیَّ الْمَصیرُ) (۴۰) و ما به انسان درباره‌ی پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد (به هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمّل می‌شد)، و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می‌یابد؛ (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر بجا آور که بازگشت (همه‌ی شما) به سوی من است. ۱ - عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ أَنَّهُ سَأَلَ امیرالمؤمنین علیه السلام عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَی أَنِ اشْکُرْ لِی وَ لِوالِدَیْکَ إِلَیَّ الْمَصِیرُ فَقَالَ: الْوَالِدَانِ اللَّذَانِ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُمَا الشُّکْرَ هُمَا اللَّذَانِ وَلَدَا الْعِلْمَ وَ وَرِثَا الْحُکْمَ وَ أُمِرَ النَّاسُ بِطَاعَتِهِمَا ثُمَّ قَالَ اللَّهُ إِلَیَّ الْمَصِیرُ فَمَصِیرُ الْعِبَادِ إِلَی اللَّهِ وَ الدَّلِیلُ عَلَی ذَلِکَ الْوَالِدَانِ ثُمَّ عَطَفَ الْقَوْلَ عَلَی ابْنِ حَنْتَمَةَ وَ صَاحِبِهِ فَقَالَ فِی الْخَاصِّ وَ الْعَامِّ وَ إِنْ جاهَداکَ عَلی أَنْ تُشْرِکَ بِی یَقُولُ فِی الْوَصِیَّةِ وَ تَعْدِلُ عَمَّنْ أُمِرْتَ بِطَاعَتِهِ فَلا تُطِعْهُمَا وَ لا تَسْمَعْ قَوْلَهُمَا ثُمَّ عَطَفَ الْقَوْلَ عَلَی الْوَالِدَیْنِ فَقَالَ وَ صاحِبْهُما فِی الدُّنْیا مَعْرُوفاً یَقُولُ عَرِّفِ النَّاسَ فَضْلَهُمَا وَادْعُ إِلَی سَبِیلِهِمَا وَ ذَلِکَ قَوْلُهُ «وَ اتَّبِعْ سَبِیلَ مَنْ أَنابَ إِلَیَّ ثُمَّ إِلَیَّ مَرْجِعُکُمْ» (۴۱) فَقَالَ إِلَی اللَّهِ ثُمَّ إِلَیْنَا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لا تَعْصُوا الْوَالِدَیْنِ فَإِنَّ رِضَاهُمَا رِضَا اللَّهِ وَ سَخَطَهُمَا سَخَطَ اللَّهِ (۴۲) اصبغ بن نباته از امیرالمؤمنین علیه السلام راجع به قول خدای تعالی: «مرا و پدر و مادرت را سپاسگزاری کن و سرانجام به سوی من است» پرسید، حضرت فرمود: پدر و مادری که خدا سپاسگزاری ایشان را واجب کرده، آنهایند که علم از آنها تراوش کند و حکمت را (پس از مرگ خود) به ارث گذارند و مردم به اطاعتشان مأمورند و خدا پس از آن فرماید: «سرانجام به سوی من است» سرانجام بندگان به سوی خداست و راهنمایش همان پدر و مادر هستند. سپس خدا روی سخن را متوجّه پسر حَنتَمه و رفیقش نموده (یعنی عمر و ابوبکر زیرا حَنتَمه نام مادر عمر است) و نسبت به خاصّ و عام (پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و سایر مردم) فرموده است: «و اگر با تو ستیزه کنند که به من شرک آوری» یعنی از پیش خود درباره وصّیات سخنی گویی و برگردی از آنکه دستور به اطاعتش را داری از آنها فرمان مبر و سخنشان را مشنو. سپس روی سخن را متوجّه پدر و مادر نموده و فرموده است: «در دنیا به نیکی همدمشان باش» یعنی فضیلت آنها را به مردم بشناسان و به روش آنها دعوت کن، و همین است معنی قول خدا «و راه کسی را که سوی من بازگشته پیروی کن، سپس بازگشت شما به سوی من است» پس فرمود: اوّل به سوی خدا و

سپس به سوی ماست. از خدا پروا کنید و نافرمانی این پدر و مادر نکنید، زیرا خرسندی آنها خرسندی خدا، و خشمشان خشم خداست. ۲ – فقه الرّضا علیه السلام عَلَیْکَ بِطَاعَةِ الْأَبِ وَ بِرِّهِ وَ التَّوَاضُعِ وَ الْخُضُوعِ وَ الإِعْظَامِ وَ الْإِکْرَامِ و خَفْضِ الصَّوْتِ بِحَضْرَتِهِ فَإِنَّ الْأَبَ أَصْلُ الِابْنِ وَ الِابْنَ فَرْعُهُ لَوْلاهُ لَمْ یَکُنْ یُقَدِّرُهُ اللَّهُ ابْذُلُوا لَهُمُ الْأَمْوَالَ وَ الْجَاهَ وَ النَّفْسَ وَ قَدْ أَرْوِی أَنْتَ وَ مَالُکَ لِأَبِیکَ فَجُعِلَتْ لَهُ النَّفْسُ وَ الْمَالُ تَابِعُوهُمْ فِی الدُّنْیا أَحْسَنَ الْمُتَابَعَةِ بِالْبِرِّ وَ بَعْدَ الْمَوْتِ بِالدُّعَاءِ لَهُمْ وَ التَّرَحُّمِ عَلَیْهِمْ فَإِنَّهُ رُوِیَ أَنَّهُ مَنْ بَرَّ أَبَاهُ فِی حَیاتِهِ وَ لَمْ یَدْعُ لَهُ بَعْدَ وَفَاتِهِ سَمَّاهُ اللَّهُ عَاقّاً وَ مُعَلِّمُ الْخَیْرِ وَ الدِّینِ یَقُومُ مَقَامَ الْأَبِ وَ یَجِبُ لَهُ مِثْلُ الَّذِی یَجِبُ لَهُ فَاعْرِفُوا حَقَّهُ وَ اعْلَمْ أَنَّ حَقَّ الْأُمِّ أَلْزَمُ الْحُقُوقِ وَ أَوْجَبُ لِأَنَّهَا حَمَلَتْ حَیْثُ لا یَحْمِلُ أَحَدٌ أَحَداً وَ وَقَتْ بِالسَّمْعِ وَ الْبَصَرِ وَ جَمِیعِ الْجَوَارِحِ مَسْرُورَةً مُسْتَبْشِرَةً بِذَلِکَ فَحَمَلَتْهُ بِمَا فِیهِ مِنَ الْمَکْرُوهِ وَ الَّذِی لا یَصْبِرُ عَلَیْهِ أَحَدٌ رَضِیَتْ بِأَنْ تَجُوعَ وَ یَشْبَعَ وَ تَظْمَأَ وَ یَرْوِیَ وَ تَعْرَی وَ یَکْتَسِیَ وَ تُظِلَّهُ وَ تَضْحَی فَلْیَکُنِ الشُّکْرُ لَهَا وَ الْبِرُّ وَ الرِّفْقُ بِهَا عَلَی قَدْرِ ذَلِکَ وَ إِنْ کُنْتُمْ لا تُطِیقُونَ بِأَدْنَی حَقِّهَا إِلا بِعَوْنِ اللَّهِ وَ قَدْ قَرَنَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ حَقَّهَا بِحَقِّهِ فَقَالَ اشْکُرْ لِی وَ لِوالِدَیْکَ إِلَیَّ الْمَصِیرُ (۴۳) فقه الرّضا علیه السلام: بر تو باد اطاعت از پدر و نیکی به او، و تواضع و خشوع و احترام او و پایین آوردن صدا در حضور او، زیرا پدر اصل پسر است و پسر فرع او، اگر او نبود خدا پسر را مقدّر نمی‌کرد، در راه آنان مال و جاه و جان را فدا کنید. من روایت دارم که تو و مالت از پدرت است، جان و مال را از آن او دانسته، در دنیا به خوشی پیرو آنان باشید و با حق شناسی، و پس از مردن برایشان دعا کنید و برای آنها رحمت خواهید، زیرا روایت است: هر که پدرش را در حیاتش خدمت کند و پس از مردنش برایش دعا نکند خدا او را عاق نامیده، و همچنین استاد اخلاق خوب و مسائل دین، به جای پدر است، و حقّ او را دارد، حقّ او را بشناسید، و بدان که رعایت حقّ مادر واجب‌تر و لازم‌تر است، زیرا حمل کرده زمانی که کسی دیگر را حمل نکند و نگهبانی کرده با گوش و دیده و همه اندام خود با شادی و خرّمی تمام، و با خود برداشته‌ست با همه ناگواری، و آنچه کسی بر آن شکیبا نباشد، خواسته خودش گرسنه باشد و فرزندش سیر و تشنه باشد و او سیراب، و برهنه باشد و او پوشیده در سایه باشد و او برابر آفتاب، و باید تا می‌توانید با نیکی و نرمش از او تشکّر کنید. اگر چه طاقت ادای حقّش را ندارید جز به کمک خدا، و خدای عزّوجلّ حق او را قرین حق خود ساخته که فرموده تشکّر کن از من و پدر و مادرت که برگشت همگان به سوی من است. ۳ – عَنْ عَبْدِ الْوَاحِدِ بْنِ مُخْتَارٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَ: أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ عَلِیّاً أَحَدُ الْوَالِدَیْنِ اللَّذَیْنِ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ اشْکُرْ لِی وَ لِوالِدَیْکَ قَالَ زُرَارَةُ فَکُنْتُ لا أَدْرِی أَیَّةُ آیَةٍ هِیَ الَّتِی فِی بَنِی إِسْرَائِیلَ أَوِ الَّتِی فِی لُقْمَانَ قَالَ فَقُضِیَ أَنْ حَجَجْتُ فَدَخَلْتُ عَلَی أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فَخَلَوْتُ بِهِ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ حَدِیثٌ جَاءَ بِهِ عَبْدُالْوَاحِدِ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ أَیَّةُ آیَةٍ هِیَ الَّتِی فِی لُقْمَانَ أَوِ الَّتِی فِی بَنِی إِسْرَائِیلَ فَقَالَ الَّتِی فِی لُقْمَانَ (۴۴) از عبدالواحد بن مختار آورده که وارد شدم بر امام پنجم علیه السلام، پس فرمود: آیا نمی‌دانی که حضرت علی علیه السلام یکی از والدین است چون خدای عزّوجلّ فرموده این است که شکر کنی برای من و برای والدینت. راوی گفت: نفهمیدم کدام آیه‌ست آنکه در سوره‌ی بنی اسرائیل یا آنکه در سوره‌ی لقمان است. تا اینکه به حجّ مشرّف شده و خدمت حضرت اباجعفر امام باقر علیه السلام شرفیاب شدم. چون با حضرتش تنها شدم گفتم: قربانت شوم، حدیثی را عبدالواحد از قول شما گفته. فرمود: آری درست است. گفتم مقصود از آن کدام آیه‌ست آنکه در سوره‌ی لقمان یا آنکه در سوره‌ی بنی اسرائیل است؟ فرمود: آنکه در سوره‌ی لقمان است. ۴ – عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ یَقُولُ وَ وَصَّیْنَا الإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلِیٍّ علیهما السلام (۴۵) از جابر از امام پنجم علیه السلام نقل شده که می‌فرمود: وَ وَصَّیْنَا الإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ، منظور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام می‌باشند.

آیه‌ی پنجم

(وَ وَصَّیْنَا الإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ إِحْساناً حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ کُرْهاً وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً حَتَّی إِذا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِینَ سَنَةً قالَ رَبِّ أَوْزِعْنی أَنْ أَشْکُرَ نِعْمَتَکَ الَّتی أَنْعَمْتَ عَلَیَّ وَ عَلی والِدَیَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صالِحاً تَرْضاهُ وَ أَصْلِحْ لی فی ذُرِّیَّتی إِنِّی تُبْتُ إِلَیْکَ وَ إِنِّی

مِنَ الْمُسْلِمِینَ) (۴۶) ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد؛ و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است؛ تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد می‌گوید: «پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی به جا آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که از آن خشنود باشی، و فرزندان مرا صالح گردان؛ من به سوی تو باز می‌گردم و توبه می‌کنم، و من از مسلمانانم»! ۱ – عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَمَّا حَمَلَتْ فَاطِمَةُ سلام الله علیها بِالْحُسَیْنِ جَاءَ جَبْرَئِیلُ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَقَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ سلام الله علیها سَتَلِدُ غُلاماً تَقْتُلُهُ أُمَّتُکَ مِنْ بَعْدِکَ فَلَمَّا حَمَلَتْ فَاطِمَةُ بِالْحُسَیْنِ علیه السلام کَرِهَتْ حَمْلَهُ وَ حِینَ وَضَعَتْهُ کَرِهَتْ وَضْعَهُ ثُمَّ قَالَ أَبُوعَبْدِاللَّهِ علیه السلام : لَمْ تُرَ فِی الدُّنْیا أُمٌّ تَلِدُ غُلاماً تَکْرَهُهُ وَ لَکِنَّهَا کَرِهَتْهُ لِمَا عَلِمَتْ أَنَّهُ سَیُقْتَلُ قَالَ وَ فِیهِ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآیَةُ وَ وَصَّیْنَا الْإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ حُسْناً حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ کُرْهاً وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً. (۴۷) امام صادق علیه السلام فرمودند: چون حضرت فاطمه سلام الله علیها به حسین آبستن شد، جبرئیل نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد: همانا فاطمه سلام الله علیها پسری خواهد زائید که امتّت او را بعد از تو می‌کُشند، چون حضرت فاطمه سلام الله علیها به امام حسین علیه السلام آبستن شد خوشحال نبوده و حتّی بعد از زایمان هم نیز خوشحال نبود. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: در دنیا مادری دیده نشده که پسری بزاید و خوشحال نباشد، ولی فاطمه سلام الله علیها خوشحال نبود، زیرا می‌دانست او کشته خواهد شد، و این آیه درباره‌ی او نازل شد «ما انسان را به نیکی نمودن نسبت به پدر و مادرش سفارش نموده‌ایم، مادرش او را به ناخوشی باردار شد و به ناخوشی زائید و بار داشتن و از شیر گرفتنش سی ماه بود». (۴۸) ۲ – عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ جَبْرَئِیلَ علیه السلام نَزَلَ عَلَی مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم فَقَالَ لَهُ یا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ یُبَشِّرُکَ بِمَوْلُودٍ یُولَدُ مِنْ فَاطِمَةَ تَقْتُلُهُ أُمَّتُکَ مِنْ بَعْدِکَ فَقَالَ یا جَبْرَئِیلُ وَ عَلَی رَبِّیَ السَّلامُ لا حَاجَةَ لِی فِی مَوْلُودٍ یُولَدُ مِنْ فَاطِمَةَ تَقْتُلُهُ أُمَّتِی مِنْ بَعْدِی فَعَرَجَ ثُمَّ هَبَطَ علیه السلام فَقَالَ لَهُ مِثْلَ ذَلِکَ فَقَالَ یا جَبْرَئِیلُ وَ عَلَی رَبِّیَ السَّلامُ لا حَاجَةَ لِی فِی مَوْلُودٍ تَقْتُلُهُ أُمَّتِی مِنْ بَعْدِی فَعَرَجَ جَبْرَئِیلُ علیه السلام إِلَی السَّمَاءِ ثُمَّ هَبَطَ فَقَالَ یا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّکَ یُقْرِئُکَ السَّلامَ وَ یُبَشِّرُکَ بِأَنَّهُ جَاعِلٌ فِی ذُرِّیَّتِهِ الْإِمَامَةَ وَ الْوَلایَةَ وَ الْوَصِیَّةَ فَقَالَ قَدْ رَضِیتُ ثُمَّ أَرْسَلَ إِلَی فَاطِمَةَ أَنَّ اللَّهَ یُبَشِّرُنِی بِمَوْلُودٍ یُولَدُ لَکِ تَقْتُلُهُ أُمَّتِی مِنْ بَعْدِی فَأَرْسَلَتْ إِلَیْهِ لا حَاجَةَ لِی فِی مَوْلُودٍ مِنِّی تَقْتُلُهُ أُمَّتُکَ مِنْ بَعْدِکَ فَأَرْسَلَ إِلَیْهَا أَنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ فِی ذُرِّیَّتِهِ الْإِمَامَةَ وَ الْوَلایَةَ وَ الْوَصِیَّةَ فَأَرْسَلَتْ إِلَیْهِ أَنِّی قَدْ رَضِیتُ «فَ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ کُرْهاً وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً حَتَّی إِذا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِینَ سَنَةً قالَ رَبِّ أَوْزِعْنِی أَنْ أَشْکُرَ نِعْمَتَکَ الَّتِی أَنْعَمْتَ عَلَیَّ وَ عَلی والِدَیَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صالِحاً تَرْضاهُ وَ أَصْلِحْ لِی فِی ذُرِّیَّتِی» فَلَوْلا أَنَّهُ قَالَ أَصْلِحْ لِی فِی ذُرِّیَّتِی لَکَانَتْ ذُرِّیَّتُهُ کُلُّهُمْ أَئِمَّةً وَ لَمْ یَرْضَعِ الْحُسَیْنُ مِنْ فَاطِمَةَ سلام الله علیها وَ لا مِنْ أُنْثَی کَانَ یُؤْتَی بِهِ النَّبِیَّ فَیَضَعُ إِبْهَامَهُ فِی فِیهِ فَیَمُصُّ مِنْهَا مَا یَکْفِیهَا الْیَوْمَیْنِ وَ الثَّلاثَ فَنَبَتَ لَحْمُ الْحُسَیْنِ علیه السلام مِنْ لَحْمِ رَسُولِ اللَّهِ وَ دَمِهِ وَ لَمْ یُولَدْ لِسِتَّةِ أَشْهُرٍ إِلا عِیسَی بْنُ مَرْیَمَ علیه السلام وَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ علیهما السلام. (۴۹) امام صادق علیه السلام فرمودند: جبرئیل علیه السلام بر حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و گفت: ای محمّد! خدا تو را مژده می‌دهد به مولودی که از فاطمه سلام الله علیها متولّد شود و امّت تو، او را بعد از تو می‌کُشند. فرمود: ای جبرئیل! سلام به پروردگارم، مرا به مولودی که از فاطمه سلام الله علیها متولّد شود و امّتم او را بکشند نیازی نیست، جبرئیل به آسمان بالا رفت و سپس فرود آمد و همان سخن را گفت، پیغمبر فرمود: ای جبرئیل! سلام به پروردگارم، مرا به مولودی که از فاطمه سلام الله علیها متولّد شود و امّتم او را بکشند نیازی نیست، جبرئیل به آسمان بالا رفت و سپس فرود آمد و گفت: ای محمّد! پروردگارت به تو سلام می‌رساند و تو را مژده می‌دهد که امامت و ولایت و وصیّت را در ذریّه‌ی آن مولود قرار می‌دهد، فرمود: راضی گشتم، سپس نزد فاطمه سلام الله علیها فرستاد که خدا مرا به مولودی مژده می‌دهد که از تو متولّد می‌شود و پس از من امّتم او را می‌کشند، فاطمه سلام الله علیها پیغام داد که مرا به مولودی که امّت تو او را پس از تو بکشند نیازی نیست، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیغام دادند که خدا امامت و ولایت و وصیّت را در ذریّه‌ی او قرار داده، حضرت زهرا سلام الله علیها هم پیغام دادند که من راضی

گشتم. «پس به ناخوشی آبستن شد و به ناخوشی زائید و از آبستن شدن تا از شیر گرفتنش سی ماه بود، و چون به قوّت رسید و چهل ساله شد، گفت: پروردگارا! مرا وادار کن تا نعمت تو را که به من و به پدر و مادرم انعام کرده‌ای سپاسگزارم و عملی شایسته کنم که پسند تو باشد و بعضی از فرزندانم را شایسته کن» اگر او نمی‌فرمود: بعضی از فرزندانم را شایسته کن، همه فرزندان آن حضرت امام می‌شدند، و امام حسین علیه السلام از حضرت فاطمه سلام الله علیها و از هیچ زن دیگر شیر نخورد، بلکه او را خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌آورده و آن حضرت انگشت ابهامشان را در دهان ایشان می‌گذاردند و حضرتش به اندازه‌ای که دو روز و سه روزش را کفایت کند، از آن می‌مکید، پس گوشت امام حسین علیه السلام از گوشت و خون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روئید و فرزندی شش ماهه متولّد نشد، جز حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام و حضرت حسین بن علی علیهما السلام. ۳ - عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ زَیْدٍ عَنْ آبَائِهِ: قَالَ: نَزَلَ جَبْرَئِیلُ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله و سلم فَقَالَ یا مُحَمَّدُ إِنَّهُ یُولَدُ لَکَ مَوْلُودٌ تَقْتُلُهُ أُمَّتُکَ مِنْ بَعْدِکَ فَقَالَ یا جَبْرَئِیلُ لا حَاجَةَ لِی فِیهِ فَقَالَ یا مُحَمَّدُ إِنَّ مِنْهُ الْأَئِمَّةَ وَ الْأَوْصِیاءَ قَالَ وَ جَاءَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله و سلم إِلَی فَاطِمَةَ سلام الله علیها فَقَالَ لَهَا إِنَّکِ تَلِدِینَ وَلَداً تَقْتُلُهُ أُمَّتِی مِنْ بَعْدِی فَقَالَتْ لا حَاجَةَ لِی فِیهِ فَخَاطَبَهَا ثَلاثاً ثُمَّ قَالَ لَهَا إِنَّ مِنْهُ الْأَئِمَّةَ وَ الْأَوْصِیاءَ فَقَالَتْ نَعَمْ یا أَبَهْ فَحَمَلَتْ بِالْحُسَیْنِ فَحَفِظَهَا اللَّهُ وَ مَا فِی بَطْنِهَا مِنْ إِبْلِیسَ فَوَضَعَتْهُ لِسِتَّةِ أَشْهُرٍ وَ لَمْ یُسْمَعْ بِمَوْلُودٍ وُلِدَ لِسِتَّةِ أَشْهُرٍ إِلا الْحُسَیْنُ وَ یَحْیَی بْنُ زَکَرِیا علیهما السلام فَلَمَّا وَضَعَتْهُ وَضَعَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله و سلم لِسَانَهُ فِی فِیهِ فَمَصَّهُ وَ لَمْ یَرْضَعِ الْحُسَیْنُ علیه السلام مِنْ أُنْثَی حَتَّی نَبَتَ لَحْمُهُ وَ دَمُهُ مِنْ رِیقِ رَسُولِ اللَّهِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ وَصَّیْنَا الإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ إِحْساناً حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ کُرْهاً وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً. (۵۰) حسین بن زید از آباء گرام خود: نقل کرد که جبرئیل بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده عرض کرد: یا محمّد فرزندی برایت متولّد خواهد شد که امّت او را پس از تو خواهند کشت. فرمود: من نیاز به چنین فرزندی ندارم. گفت: ائمه و پیشوایان دین از نژاد او خواهند بود. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیش حضرت فاطمه سلام الله علیها آمده و فرمودند: تو را فرزندی خواهد بود که پس از من امّتم او را می‌کشند. عرض کرد نیاز به چنین فرزندی ندارم سه مرتبه این سخن را برایش تکرار کرد. سپس فرمود: از نژاد او ائمه و جانشینان من خواهند بود. حضرت فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها قبول کرده و بعد به حضرت امام حسین علیه السلام حامله شد خداوند فرزند او را از شیطان حفظ نمود و در شش ماهگی متولّد شد و فرزندی شش ماهه متولّد نشده جز حضرت امام حسین علیه السلام و یحیی بن زکریا علیهما السلام. پس از زایمان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زبانشان در دهان او گذاشته و حضرتش مکید. آن جناب از زنی شیر ننوشید تا وقتی که گوشت و خونش از لعاب دهان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روئید و این مطلب تفسیر این آیه‌ی شریفه است: «وَ وَصَّیْنَا الإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ إِحْساناً حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ کُرْهاً وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً». ۴ - عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْمُثَنَّی الْهَاشِمِیِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِاللَّهِ علیه السلام جُعِلْتُ فِدَاکَ مِنْ أَیْنَ جَاءَ لِوُلْدِ الْحُسَیْنِ الْفَضْلُ عَلَی وُلْدِ الْحَسَنِ وَ هُمَا یَجْرِیانِ فِی شَرَعٍ وَاحِدٍ فَقَالَ لا أَرَاکُمْ تَأْخُذُونَ بِهِ إِنَّ جَبْرَئِیلَ علیه السلام نَزَلَ عَلَی مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم وَ مَا وُلِدَ الْحُسَیْنُ علیه السلام بَعْدُ فَقَالَ لَهُ یُولَدُ لَکَ غُلامٌ تَقْتُلُهُ أُمَّتُکَ مِنْ بَعْدِکَ فَقَالَ یا جَبْرَئِیلُ لا حَاجَةَ لِی فِیهِ فَخَاطَبَهُ ثَلاثاً ثُمَّ دَعَا عَلِیّاً علیه السلام فَقَالَ لَهُ إِنَّ جَبْرَئِیلَ یُخْبِرُنِی عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنَّهُ یُولَدُ لَکَ غُلامٌ تَقْتُلُهُ أُمَّتُکَ مِنْ بَعْدِکَ فَقَالَ لا حَاجَةَ لِی فِیهِ یا رَسُولَ اللَّهِ فَخَاطَبَ عَلِیّاً علیه السلام ثَلاثاً ثُمَّ قَالَ إِنَّهُ یَکُونُ فِیهِ وَ فِی وُلْدِهِ الْإِمَامَةُ وَ الْوِرَاثَةُ وَ الْخِزَانَةُ فَأَرْسَلَ إِلَی فَاطِمَةَ سلام الله علیها أَنَّ اللَّهَ یُبَشِّرُکِ بِغُلامٍ تَقْتُلُهُ أُمَّتِی مِنْ بَعْدِی فَقَالَتْ فَاطِمَةُ لَیْسَ لِی فِیهِ حَاجَةٌ یا أَبَتِ فَخَاطَبَهَا ثَلاثاً ثُمَّ أَرْسَلَ إِلَیْهَا لا بُدَّ أَنْ یَکُونَ فِیهِ الْإِمَامَةُ وَ الْوِرَاثَةُ وَ الْخِزَانَةُ فَقَالَتْ لَهُ رَضِیتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَعَلِقَتْ وَ حَمَلَتْ بِالْحُسَیْنِ علیه السلام فَحَمَلَتْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ ثُمَّ وَضَعَتْهُ وَ لَمْ یَعِشْ مَوْلُودٌ قَطُّ لِسِتَّةِ أَشْهُرٍ غَیْرُ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ وَ عِیسَی بْنِ مَرْیَمَ علیهما السلام فَکَفَلَتْهُ أُمُّ سَلَمَةَ وَ کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم یاتِیهِ فِی کُلِّ یَوْمٍ فَیَضَعُ لِسَانَهُ فِی فَمِ الْحُسَیْنِ فَیَمُصُّهُ حَتَّی یَرْوَی فَأَنْبَتَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَحْمَهُ مِنْ لَحْمِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ لَمْ یَرْضَعْ مِنْ فَاطِمَةَ سلام الله علیها وَ لا مِنْ غَیْرِهَا لَبَناً قَطُّ فَلَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی فِیهِ وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً حَتَّی إِذا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ

أَرْبَعِينَ سَنَةً قالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلى والِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صالِحاً تَرْضاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي فَلَوْ قَالَ أَصْلِحْ لِي ذُرِّيَّتِي كَانُوا كُلُّهُمْ أَئِمَّةً وَ لَكِنْ خَصَّ هَكَذَا. (۵۱) عبدالرّحمن بن مثنی هاشمی گفت: به حضرت صادق علیه السلام گفتم فدایت شوم چه شد فرزندان امام حسین علیه السلام بر فرزندان امام حسن علیه السلام برتری یافتند با اینکه این هر دو دارای مزیّت واحد هستند. فرمود: خیال نمی‌کنم شما قبول کنید بعد از توضیحی که می‌دهم. جبرئیل بر حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد با اینکه هنوز حضرت امام حسین علیه السلام متولّد نشده بود گفت: برایت پسری متولّد خواهد شد که امّت تو او را بعد خواهند کشت. فرمود: جبرئیل من احتیاج به چنین فرزندی ندارم. سه مرتبه در این مورد با او صحبت کرد. سپس حضرت علی علیه السلام را خواست و به او فرمود: جبرئیل برایم خبر آورده که برای تو فرزندی متولّد خواهد شد که امّت من او را خواهند کشت. حضرت علی علیه السلام فرمود: مرا حاجتی به چنین فرزندی نیست. پیامبر سه مرتبه با او راجع به این موضوع صحبت می‌کرد. سپس به او فرمود: امامت به او و فرزندانش خواهد رسید، همچنین وراثت و اختیارات مالی در دست او است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها پیغام داد که خداوند به تو فرزندی خواهد داد که او را امّت من، خواهند کشت. عرض کرد: مرا حاجت به چنین فرزندی نیست سه مرتبه با او در این مورد صحبت کرد و فرمود امامت و وراثت و اختیارات مالی با او خواهد بود. حضرت فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها فرمود: از خدا خشنودم. لذا به حضرت امام حسین علیه السلام حامله شد و شش ماه حامله بود، بعد زایمان نمود و هیچ مولودی در شش ماهگی متولّد نشده که زنده بماند مگر حسین بن علی علیهما السلام و عیسی بن مریم علیهما السلام. امّ سلمه او را پرستاری نمود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هر روز پیش او می‌آمد زبان خود را در دهان امام حسین علیه السلام می‌گذاشت، ایشان می‌مکید تا سیر می‌شد. خداوند گوشت او را از گوشت پیامبر رویانید. هرگز از حضرت فاطمه سلام الله علیها و دیگر زنان شیر نخورد تا وقتی که این آیه درباره‌ی او نازل شد «وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً حَتَّى إِذا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلى والِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صالِحاً تَرْضاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي» اگر در این آیه گفته بود «أَصْلِحْ ذُرِّيَّتِي» فرزندانم را اصلاح کن تمام آنها امام می‌شدند ولی با این لفظ اختصاص به گروهی خاصّ داد. ۵ – وَ وَصَّيْنَا الإِنْسانَ بِوالِدَيْهِ إِحْساناً قَالَ: الْإِحْسَانُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قَوْلُهُ بِوالِدَيْهِ إِنَّمَا عَنَى الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ علیهما السلام ثُمَّ عَطَفَ عَلَى الْحُسَيْنِ فَقَالَ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ كُرْهاً وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ أَخْبَرَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ بَشَّرَهُ بِالْحُسَيْنِ قَبْلَ حَمْلِهِ وَ أَنَّ الْإِمَامَةَ تَكُونُ فِي وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيامَةِ ثُمَّ أَخْبَرَهُ بِمَا يُصِيبُهُ مِنَ الْقَتْلِ وَ الْمُصِيبَةِ فِي نَفْسِهِ وَ وُلْدِهِ ثُمَّ عَوَّضَهُ بِأَنْ جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِي عَقِبِهِ وَ أَعْلَمَهُ أَنَّهُ يُقْتَلُ ثُمَّ يَرُدُّهُ إِلَى الدُّنْيا وَ يَنْصُرُهُ حَتَّى يَقْتُلَ أَعْدَاءَهُ وَ يُمَلِّكَهُ الْأَرْضَ وَ هُوَ قَوْلُهُ «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ» (۵۲) الْآيَةَ وَ قَوْلُهُ «وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصَّالِحُونَ» (۵۳) فَبَشَّرَ اللَّهُ نَبِيَّهُ صلی الله علیه و آله و سلم أَنَّ أَهْلَ بَيْتِكَ يَمْلِكُونَ الْأَرْضَ وَ يَرْجِعُونَ إِلَيْهَا وَ يَقْتُلُونَ أَعْدَاءَهُمْ فَأَخْبَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَاطِمَةَ سلام الله علیها بِخَبَرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ قَتْلِهِ فَحَمَلَتْهُ كُرْهاً ثُمَّ قَالَ أَبُوعَبْدِاللَّهِ علیه السلام فَهَلْ رَأَيْتُمْ أَحَداً يُبَشَّرُهُ بِوَلَدٍ ذَكَرٍ فَيَحْمِلُهُ كُرْهاً أَيْ إِنَّهَا اغْتَمَّتْ وَ كَرِهَتْ لِمَا أُخْبِرَتْ بِقَتْلِهِ وَ وَضَعَتْهُ كُرْهاً لِمَا عَلِمَتْ مِنْ ذَلِكَ وَ كَانَ بَيْنَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ علیهما السلام طُهْرٌ وَاحِدٌ وَ كَانَ الْحُسَيْنُ علیه السلام فِي بَطْنِ أُمِّهِ سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَ فِصَالُهُ أَرْبَعَةٌ وَ عِشْرُونَ شَهْراً وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً». (۵۴) در تفسیر علی بن ابراهیم در ذیل این آیه: «ما به بشر توصیه کردیم که به والدین خود احسان نماید»، فرمود: منظور از احسان، حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم و منظور از والدین، امام حسن و امام حسین علیهما السلام هستند. آنگاه درباره‌ی امام حسین علیه السلام فرمود: حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ كُرْهاً. زیرا خدای علیم قبل از انعقاد نطفه‌ی امام حسین علیه السلام رسول عزیز خود را به وجود امام حسین علیه السلام و اینکه مقام امامت تا روز قیامت نصیب فرزندان وی خواهد شد بشارت و مژده داده بود، آنگاه آن حضرت را از آن مصائبی که حسین علیه السلام و فرزندانش: دچار می‌شوند آگاه نمود. سپس مقام امامت را در عوض آن مصائب به فرزندانش خواهد داد، پیغمبر خود را خبر داده

بود که حسین علیه السلام کشته خواهد شد. سپس خدا او را به دنیا باز می گرداند و وی را یاری می کند تا دشمنان خود را به قتل برساند و زمین را مُلك او خواهد کرد. منظور از این آیه که می‌فرماید: «ما اراده کرده‌ایم بر آن افرادی که در زمین ناتوان شده‌اند منّت بگذاریم» همین موضوع است و نیز در این باره می‌فرماید: «بعد از قرآن در زبور نوشتیم که بندگان نیکوکار من وارث زمین خواهند شد». خدا بدین وسیله به رسول خود خبر داده که اهل بیتش مالك زمین می‌شوند و به سوی زمین باز می گردند و دشمنان خویشتن را می کشند. پس از این جریان بود که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم حضرت فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها را از اوضاع فرزندش آگاه کرد و حضرت زهرا سلام الله علیها با اکراه، به حضرت امام حسین علیه السلام حامله شد. سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود: آیا کسی را دیده‌اید که مژده پسر به وی دهند و او با اکراه به وی حامله شود!؟ یعنی وقتی او از قتل وی آگاه شود مغموم و غصّه‌دار گردد و موقعی که وی را بزاید ناراحت شود. فاصله بین ولادت امام حسن و امام حسین علیهما السلام یک طُهر بود. امام حسین علیه السلام مدّت شش ماه در رحم مادرش بود و مدّت بیست و چهار ماه شیر خورد و این است معنی قول خداوند علیم که می‌فرماید: مدّت حمل و شیرخواری او سی ماه بود. ۶ - قَالَ سَمِعْتُ أَبَاعَبْدِاللَّهِ علیه السلام یَقُولُ: أَتَی جَبْرَئِیلُ رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لَهُ السَّلامُ عَلَیْکَ یا مُحَمَّدُ ألا أُبَشِّرُکَ بِغُلام تَقْتُلُهُ أُمَّتُکَ مِنْ بَعْدِکَ فَقَالَ لا حَاجَةَ لِی فِیهِ قَالَ فَانْقَضَّ إِلَی السَّمَاءِ ثُمَّ عَادَ إِلَیْهِ الثَّانِیَةَ فَقَالَ مِثْلَ ذَلِکَ فَقَالَ لا حَاجَةَ لِی فِیهِ فَانْعَرَجَ إِلَی السَّمَاءِ ثُمَّ انْقَضَّ عَلَیْهِ الثَّالِثَةَ فَقَالَ لَهُ مِثْلَ ذَلِکَ فَقَالَ لا حَاجَةَ لِی فِیهِ فَقَالَ إِنَّ رَبَّکَ جَاعِلُ الْوَصِیَّةِ فِی عَقِبِهِ فَقَالَ نَعَمْ ثُمَّ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ فَدَخَلَ عَلَی فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا إِنَّ جَبْرَئِیلَ أَتَانِی فَبَشَّرَنِی بِغُلام تَقْتُلُهُ أُمَّتِی مِنْ بَعْدِی فَقَالَتْ لا حَاجَةَ لِی فِیهِ فَقَالَ لَهَا إِنَّ رَبِّی جَاعِلُ الْوَصِیَّةِ فِی عَقِبِهِ فَقَالَتْ نَعَمْ إِذَنْ قَالَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی عِنْدَ ذَلِکَ هَذِهِ الْآیَةَ فِیهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ کُرْهاً لِمَوْضِعِ إِعْلامِ جَبْرَئِیلَ إِیاهَا بِقَتْلِهِ فَحَمَلَتْهُ کُرْهاً بِأَنَّهُ مَقْتُولٌ وَ وَضَعَتْهُ کُرْهاً لِأَنَّهُ مَقْتُولٌ. (۵۵) راوی از امام صادق علیه السلام نقل می کند شنیدم که فرمودند: جبرئیل علیه السلام محضر مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مشرّف شد و عرضه داشت: ای محمّد صلی الله علیه و آله و سلم سلام بر تو، آیا تو را به فرزندی که امّت بعد از تو او را می کُشند بشارت ندهم؟! حضرت فرمودند: من را به آن نیازی نیست. امام صادق علیه السلام فرمودند: جبرئیل به آسمان رفت سپس برای بار دوّم نازل شد و نزد حضرت آمد و به آن جناب همان گفتار اوّلی را عرض نمود. حضرت فرمودند: من را به آن نیازی نیست. پس جبرئیل به آسمان عروج کرد و بعد برای بار سوّم محضر حضرتش مشرّف شد و همان گفتار را تکرار کرد. حضرت فرمودند: من را به آن نیازی نیست. جبرئیل عرض کرد: پروردگارت اوصیاء را در نسل او قرار می‌دهد. حضرت فرمودند: بسیار خوب پذیرفتم. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حرکت کرده تا بر حضرت فاطمه سلام الله علیها وارد شدند و فرمودند: جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و مرا به فرزندی که پس از من امّتم او را می کشند بشارت داد. حضرت فاطمه سلام الله علیها عرض کردند: من را به او نیازی نیست. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: پروردگارم اوصیاء را در نسل او قرار می‌دهد. حضرت فاطمه سلام الله علیها عرضه داشتند: بسیار خوب پذیرفتم. امام صادق علیه السلام فرمودند: در این هنگام حق تعالی این آیه را نازل کرد: حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ کُرْهاً (زیرا جبرئیل کشتن آن فرزند نمود را اعلام نمود) فَحَمَلَتْهُ کُرْهاً (یعنی کراهت داشت از اینکه کشته می‌شود) وَ وَضَعَتْهُ کُرْهاً (زیرا جبرئیل خبر داد که او کشته می‌شود). تذکّر: شاید در ابتدا به ذهن خوانندگان محترم خطور کند که این روایات غالباً تکراریست ولی اگر با دقّت تمام به روایات نگاه کنند می‌بینند که در هر روایتی مطلب خاصّی بیان شده است. ۷ - ابْنُ شَهْرَآشُوبَ فِی الْمَنَاقِبِ، کَانَ الْهَیْثَمُ فِی جَیْشٍ فَلَمَّا جَاءَ جَاءَتِ امْرَأَتُهُ بَعْدَ قُدُومِهِ لِسِتَّةِ أَشْهُرٍ بِوَلَدٍ فَأَنْکَرَ ذَلِکَ مِنْهَا وَ جَاءَ إِلَی عُمَرَ وَ قَصَّ عَلَیْهِ فَأَمَرَ بِرَجْمِهَا فَأَدْرَکَهَا عَلِیٌّ علیه السلام مِنْ قَبْلِ أَنْ تُرْجَمَ ثُمَّ قَالَ لِعُمَرَ ارْبَعْ عَلَی نَفْسِکَ إِنَّهَا صَدَقَتْ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی یَقُولُ وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً وَ قَالَ وَ الْوالِداتُ یُرْضِعْنَ أَوْلادَهُنَّ حَوْلَیْنِ کامِلَیْنِ فَالْحَمْلُ وَ الرَّضَاعُ ثَلاثُونَ شَهْراً فَقَالَ عُمَرُ لَوْلا عَلِیٌّ لَهَلَکَ عُمَرُ وَ خَلَّی سَبِیلَهَا وَ أَلْحَقَ الْوَلَدَ بِالرَّجُلِ. (۵۶) ابن شهر آشوب روایت کرده که یک نفر از لشکریان به نام هیثم چون از سفر باز آمد زن او بعد از شش ماه زائید هیثم انکار ولد نمود او را نزد عمر برده و قضیّه را گفتند عمر حکم کرد زن را

سنگسار کنند، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام پیش از اجرای حکم به عمر فرمود: این زن زنا نکرده اینک کتاب خدا است که خبر می‌دهد وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً یعنی مدّت حمل و رضاع سی ماهست و نیز فرموده: وَ الْوالِداتُ یُرْضِعْنَ أَوْلادَهُنَّ حَوْلَیْنِ کامِلَیْنِ پس هر گاه زنان اطفال را مدّت دو سال که بیست و چهار ماهست شیر بدهند برای مدّت حمل شش ماه کافیست عمر فوراً زن را رها ساخت و طفل را به پدرش ملحق نمود و گفت: «لَولا عَلیٌّ لَهَلَکَ عُمَر».

آیه‌ی ششم

(قُلْ تَعالَوْا أَتْلُ ما حَرَّمَ رَبُّکُمْ عَلَیْکُمْ أَلَّا تُشْرِکُوا بِهِ شَیْئاً وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً وَ لا تَقْتُلُوا أَوْلادَکُمْ مِنْ إِمْلاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُکُمْ وَ إِیاهُمْ وَ لا تَقْرَبُوا الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ وَ لا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتی حَرَّمَ اللَّهُ إِلاَّ بِالْحَقِّ ذلِکُمْ وَصَّاکُمْ بِهِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ) (۵۷) بگو: «بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده‌ست برایتان بخوانم: اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید! و به پدر و مادر نیکی کنید! و فرزندانتان را از (ترس) فقر، نکشید! ما شما و آنها را روزی می‌دهیم؛ و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان! و انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید! مگر به حق (و از روی استحقاق)؛ این چیزیست که خداوند شما را به آن سفارش کرده، شاید درک کنید! ۱ – عَنِ الْفَضْلِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: نَحْنُ أَصْلُ کُلِّ خَیْرٍ وَ مِنْ فُرُوعِنَا کُلُّ بِرٍّ وَ مِنَ الْبِرِّ التَّوْحِیدُ وَ الصَّلاةُ وَ الصِّیامُ وَ کَظْمُ الْغَیْظِ وَ الْعَفْوُ عَنِ الْمُسِیءِ وَ رَحْمَةُ الْفَقِیرِ وَ تَعَاهُدُ الْجَارِ وَ الْإِقْرَارُ بِالْفَضْلِ لِأَهْلِهِ وَ عَدُوُّنَا أَصْلُ کُلِّ شَرٍّ وَ مِنْ فُرُوعِهِمْ کُلُّ قَبِیحٍ وَ فَاحِشَةٍ فَمِنْهُمُ الْکَذِبُ وَ النَّمِیمَةُ وَ الْبُخْلُ وَ الْقَطِیعَةُ وَ أَکْلُ الرِّبَا وَ أَکْلُ مَالِ الْیَتِیمِ بِغَیْرِ حَقِّهِ وَ تَعَدِّی الْحُدُودِ الَّتِی أَمَرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَ رُکُوبُ الْفَوَاحِشِ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ مِنَ الزِّنَا وَ السَّرِقَةِ وَ کُلُّ مَا وَافَقَ ذَلِکَ مِنَ الْقَبِیحِ وَ کَذَبَ مَنْ قَالَ إِنَّهُ مَعَنَا وَ هُوَ مُتَعَلِّقٌ بِفَرْعِ غَیْرِنَا. (۵۸) فضل به اسناد خود از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که فرمودند: ما اصل هر خوبی هستیم و از ما هر نیکی جوانه می‌زند، و از جمله خوبی‌ها است: توحید، نماز و روزه، فرو بردن خشم، گذشت از گناهکار و رحم به تهیدست، مواظبت از همسایه و اعتراف به شخصیّت اشخاص خوب. دشمن ما نیز ریشه هر بدیست و از آنها هر کار زشت و قبیحی جوانه می‌زند از جمله‌ی آنها دروغگویی، سخن‌چینی، بخل، قطع خویشاوندی، رباخواری، خوردن مال یتیم و تجاوز از حدّی که خدا امر کرده و انجام گناهان ظاهر و پنهان، زنا، دزدی و هر کار زشت دیگر و دروغ می‌گوید کسی که ادّعای محبّت ما می‌کند ولی با کارهای ناپسند با دشمنان ما پیوسته است. ۲ – عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام عَنْ أَبِیهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَضَّلَنَا أَهْلَ الْبَیْتِ وَ کَیْفَ لا یَکُونُ کَذَلِکَ وَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ یَقُولُ فِی کِتَابِهِ إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً فَقَدْ طَهَّرَنَا اللَّهُ مِنَ الْفَوَاحِشِ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ فَنَحْنُ عَلَی مِنْهَاجِ الْحَقِّ. (۵۹) حضرت جعفر بن محمّد از پدرش: نقل فرموده که حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: خداوند ما اهل بیت را فضیلت بخشیده و چگونه چنین نباشد با اینکه در آیه می‌فرماید: «إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً» یعنی خداوند ما را از زشتی‌ها چه آشکارا و چه پنهان تطهیر نموده و ما بر طریقه‌ی حق هستیم. ۳ – تفسیر القمی قُلْ تَعالَوْا أَتْلُ ما حَرَّمَ رَبُّکُمْ عَلَیْکُمْ أَلا تُشْرِکُوا بِهِ شَیْئاً وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً (۶۰) قَالَ الْوَالِدَانِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ امیرالمؤمنین علیه السلام. (۶۱) در تفسیر قمی در ذیل این آیه که خداوند می‌فرماید: «بگو بیائید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده‌ست برایتان بخوانم: اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید» آمده که فرمود پدران شما حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام هستند. ۴ – قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله و سلم: إِنَّا أَوَّلُ أَهْلِ بَیْتٍ قَدْ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنَّا الْفَوَاحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ. (۶۲) از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود ما خانواده‌ای هستیم که خداوند پلیدی‌های پنهان و آشکار را از ما برطرف نموده است. ۵ – قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: لِلْمُؤْمِنِ اثْنَانِ وَ سَبْعُونَ سِتْراً فَإِذَا أَذْنَبَ ذَنْباً انْهَتَکَتْ عَنْهُ سِتْرٌ فَإِنْ تَابَ رَدَّهُ اللَّهُ إِلَیْهِ وَ سَبْعَةً مَعَهُ وَ إِنْ أَبَی إِلا قُدْماً قُدْماً فِی

الْمَعَاصِی تَهَتَّکَتْ عَنْهُ أَسْتَارُهُ فَإِنْ تَابَ رَدَّهَا اللَّهُ إِلَیْهِ وَ مَعَ کُلِّ سِتْرٍ مِنْهَا سَبْعَةٌ فَإِنْ أَبَی إِلا قُدْماً قُدْماً فِی الْمَعَاصِی تَهَتَّکَتْ أَسْتَارُهُ وَ بَقِیَ بِلا سِتْرٍ وَ أَوْحَی اللَّهُ تَعَالَی إِلَی مَلائِکَتِهِ أَنِ اسْتُرُوا عَبْدِی بِأَجْنِحَتِکُمْ فَإِنَّ بَنِی آدَمَ یُغَیِّرُونَ وَ لا یُغَیِّرُونَ وَ أَنَا أُغَیِّرُ وَ لا أُغَیِّرُ فَإِنْ أَبَی إِلا قُدْماً قُدْماً فِی الْمَعَاصِی شَکَتِ الْمَلائِکَةُ إِلَی رَبِّهَا وَ رَفَعَتْ أَجْنِحَتَهَا وَ قَالَتْ یا رَبِّ إِنَّ عَبْدَکَ هَذَا قَدْ أَقْذَرَنَا مِمَّا یاتِی مِنَ الْفَوَاحِشِ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ قَالَ فَیَقُولُ اللَّهُ تَعَالَی لَهُمْ کُفُّوا عَنْهُ أَجْنِحَتَکُمْ فَلَوْ عَمِلَ الْخَطِیئَةَ فِی سَوَادِ اللَّیْلِ أَوْ فِی ضَوْءِ النَّهَارِ أَوْ فِی مَفَازَةٍ أَوْ قَعْرِ بَحْرٍ لَاجْرَاهَا اللَّهُ تَعَالَی عَلَی أَلْسِنَةِ النَّاسِ فَاسْأَلُوا اللَّهَ تَعَالَی أَنْ لا یَهْتِکَ أَسْتَارَکُمْ. (۶۳) رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: برای هر مؤمنی هفتاد و دو پرده (حیا) وجود دارد، اگر یک گناه مرتکب شود، یک پرده حیای او پاره می‌شود، اگر توبه کند خداوند مهربان، آن پرده را ترمیم و به آن هفت پرده اضافه می‌کند، امّا اگر کسی خیره سری کند و قدم به قدم به وادی گناهان وارد شود، همه‌ی پرده‌های حُجب و حیای او از بین می‌رود، امّا اگر توبه کند، باز خدا پرده‌ها را به اضافه هفت پرده ترمیم می‌کند، ولی اگر باز راه خیره سری و عصیان را پیش گیرد، در این صورت بدون پرده حیا می‌ماند! آنگاه خداوند متعال به فرشتگان دستور می‌دهد: بنده‌ی مرا با بال و پر خود بپوشانید، زیرا فرزندان آدم تغییر می‌کنند، اما تغییر نمی‌دهند، ولی من تغییر می‌دهم، اما خود تغییرپذیر نیستم. ولی اگر آن بنده، باز هم گام به گام به سوی گناهان پیش برود، فرشتگان به درگاه الهی شکایت می‌کنند و پر و بال خویش را کنار می‌گیرند، و می‌گویند: پروردگارا! این بنده تو به خاطر گناهان آشکار و پنهانی خود، ما را آزرده، و ناراحت کرده است! آنگاه خداوند متعال به فرشتگان می‌گوید: پر و بال خویش را از او برگیرید، از این پس اگر او، در شب تاریک یا روز روشن، و یا در بیابان یا در عمق دریا مرتکب گناه شود، خداوند گناهان او را (به اطّلاع افراد می‌رساند) و به زبان آنان جاری می‌گرداند (تا رسوا شود) بنابراین، از خداوند متعال بخواهید، که پرده آبروی شما را پاره نکند.

آیه‌ی هفتم

(وَ لا تَقْرَبُوا مالَ الْیَتِیمِ إِلاَّ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ حَتَّی یَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا الْکَیْلَ وَ الْمِیزانَ بِالْقِسْطِ لا نُکَلِّفُ نَفْساً إِلاَّ وُسْعَها وَ إِذا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ کانَ ذا قُرْبی وَ بِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذلِکُمْ وَصَّاکُمْ بِهِ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ (۶۴)) و به مال یتیم، جز به بهترین صورت (و برای اصلاح)، نزدیک نشوید، تا به حدّ رشد خود برسد! و حقّ پیمانه و وزن را به عدالت ادا کنید! هیچ کس را، جز به مقدار تواناییش، تکلیف نمی‌کنیم و هنگامی که سخنی می‌گویید، عدالت را رعایت نمایید، حتی اگر در مورد نزدیکان (شما) بوده باشد و به پیمان خدا وفا کنید، این چیزیست که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، تا متذکّر شوید! ۱ - عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْبَاقِرِ علیهم السلام قَالَ: کَانَ اَمیرُالْمُؤمِنین علیه السلام عِنْدَکُمْ بِالْکُوفَةِ یَغْتَدِی فِی کُلِّ یَوْمٍ مِنَ الْقَصْرِ فَیَطُوفُ فِی أَسْوَاقِ الْکُوفَةِ سُوقاً سُوقاً وَ مَعَهُ الدِّرَّةُ عَلَی عَاتِقِهِ وَ کَانَ لَهَا طَرَفَانِ وَ کَانَتْ تُسَمَّی السَّبِیبَةَ قَالَ فَیَقِفُ عَلَی أَهْلِ کُلِّ سُوقٍ فَیُنَادِی فِیهِمْ یا مَعْشَرَ التُّجَّارِ قَدِّمُوا الِاسْتِخَارَةَ وَ تَبَرَّکُوا بِالسُّهُولَةِ وَ اقْتَرِبُوا مِنَ الْمُبْتَاعِینَ وَ تَزَیَّنُوا بِالْحِلْمِ وَ تَنَاهَوْا عَنِ الْیَمِینِ وَ جَانِبُوا الْکَذِبَ وَ تَجَافَوْا عَنِ الظُّلْمِ وَ أَنْصِفُوا الْمَظْلُومِینَ وَ لا تَقْرَبُوا الرِّبَا وَ أَوْفُوا الْکَیْلَ وَ الْمِیزانَ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْیاءَهُمْ وَ لا تَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِینَ قَالَ فَیَطُوفُ فِی جَمِیعِ الْأَسْوَاقِ أَسْوَاقِ الْکُوفَةِ ثُمَّ یَرْجِعُ فَیَقْعُدُ لِلنَّاسِ قَالَ وَ کَانُوا إِذَا نَظَرُوا إِلَیْهِ قَدْ أَقْبَلَ إِلَیْهِمْ قَالَ یا مَعْشَرَ النَّاسِ أَمْسَکُوا أَیْدِیَهُمْ وَ أَصْغَوْا إِلَیْهِ بِآذَانِهِمْ وَ رَمَقُوهُ بِأَعْیُنِهِمْ حَتَّی یَفْرُغَ مِنْ کَلامِهِ فَإِذَا فَرَغَ قَالُوا السَّمْعَ وَ الطَّاعَةَ یا اَمیرُالْمُؤمِنین. (۶۵) از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: امیرالمؤمنین علی علیه السلام در کوفه هر روز در بازارها با تازیانه‌ای که بر دوش مبارکش بود گردش می‌کرد و ندا می‌داد که: ای صنف تاجر و کاسب! از خدا بترسید، از او طلب خیر کنید، و از آسان گیری برکت خواهید، و با خریداران صمیمی باشید، و با بردباری خود را بیارایید، و یک دیگر را از قسم خوردن باز دارید، و از دروغگویی دوری جویید، و خود را از ظلم دور دارید، و با مظلومان (و مغبون شدگان) با انصاف رفتار کنید، و به ربا نزدیک مشوید، و «پیمانه و ترازو را تمام پیمایید و وزن کنید، و از حقّ مردم چیزی مکاهید، و در زمین به فسادگری مپردازید» بدین گونه در همه‌ی بازارها و فروشگاه‌های کوفه گردش می‌کرد، و پس از

آن بـازمی گشت و بـه فیصله دادن امـور مردم می‌پرداخت و هنگـامی که مردم حضـرتش را می‌دیدنـد که به سـوی بـازار می‌آیـد و می‌فرمایـد: «ای مردم!» دست از کار می‌کشیدند و خوب به سـخنان او گوش می‌دادند، و به حضـرتش می‌نگریسـتند تا آنگاه که از سخن گفتن بـاز می‌ایسـتاد؛ و چون سـخنان حضـرتش به پایان می‌رسـید می‌گفتنـد: شـنیدیم، اطاعت می‌کنیم، ای امیرالمؤمنین! ۲ – تفسیر القمی «وَ لاـ تَقْرَبُوا مـالَ الْیَتِیمِ إِلاـ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ» (۶۶) یَعْنِی بِـالْمَعْرُوفِ وَ لا یُسْرِفْ. (۶۷) در تفسیر قمی در ذیـل این آیه آمده: و جز به بهترین صورت مال یتیم نزدیک نشوید یعنی در کارهای خیر و خوب مال او را مصرف کرده از اسراف بپرهیزید. ۳ – عَنْ وَشِیکَةَ قَالَ: رَأَیْتُ عَلِیّاً علیه السلام یَتَّزِرُ فَوْقَ سُرَّتِهِ وَ یَرْفَعُ إِزَارَهُ إِلَی أَنْصَافِ سَاقَیْهِ وَ بِیَدِهِ دِرَّةٌ (۶۸) یَدُورُ فِی السُّوقِ یَقُولُ اتَّقُوا اللَّهَ وَ أَوْفُوا الْکَیْلَ کَأَنَّهُ مُعَلِّمُ صِبْیانٍ. (۶۹) از وشیکه نقل شده که گفت: حضرت علی علیه السلام را دیدم شلواری پوشیده که قسمت بالای آن تـا بالای ناف و پارچه‌ها تا نصف ساق پا می‌رسـید و تازیانه‌ای به دست داشت و دور بازار می‌گشت و می‌فرمود: «از خـدا بترسید، و پیمانه‌ها را پر کنید ... تو گویی معلّم کودکان است».

آیه‌ی هشتم

(وَ أَنَّ هـذا صِـراطی مُسْتَقِیماً فَـاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبِیلِهِ ذلِکُمْ وَصَّاکُمْ بِهِ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ (۷۰)) این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنیـد! و از راه‌های پراکنـده (و انحرافی) پیروی نکنیـد، که شـما را از طریق حق، دور می‌سازد! این چیزیست که خداوند شـما را به آن سفارش می‌کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید! ۱ – تفسیر القمی: وَ أَنَّ هذا صِراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ (۷۱) قَالَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِیمُ الْإِمَامُ فَـاتَّبِعُوهُ وَ لاـ تَتَّبِعُوا السُّبُلَ یَعْنِی غَیْرَ الْإِمَام فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبِیلِهِ یَعْنِی تَفْتَرِقُوا وَ تَخْتَلِفُوا فِی الإِمَام. (۷۲) تفسیر قمی: در ذیل آیه أَنَّ هذا صِـراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ فرمود صـراط مسـتقیم امام علیه السـلام است از او پیروی کنید وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ و پیروی از غیر امام نکنیـد فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبِیلِهِ که موجب اختلاف و تفرقه شـما درباره‌ی امام خواهد شد. ۲ – عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السـلام فِی قَوْلِهِ هذا صِـراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبِیلِهِ (۷۳) قَالَ: نَحْنُ السَّبِیلُ فَمَنْ أَبَی فَهَذِهِ السُّبُلُ ثُمَّ قَالَ ذلِکُمْ وَصَّاکُمْ بِهِ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ یَعْنِی کَیْ تَتَّقُوا. (۷۴) از ابوبصـیر از حضـرت باقر علیه السلام در مورد این آیه نقل شده که فرمود: هذا صِـراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبِیلِهِ. فرمود: ما راه مستقیم هستیم هر که از راه ما دور شود به راه‌های دیگری رفته‌ست (که موجب کفر او می‌شود) آنگاه خداوند می‌فرماید: ذلِکُمْ وَصَّاکُمْ بِهِ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ این سفارش خدا به شما است تا موجب پرهیزگاری شما گردد. ۳ – عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام وَ أَنَّ هذا صِراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ قَالَ: آلُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیـه و آله و سـلم الصِّرَاطُ الَّذِی دَلَّ عَلَیْهِ. (۷۵) از حضـرت باقر علیه السـلام در خصوص آیه‌ی: «وَ أَنَّ هذا صِـراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ» (۷۶) نقل شده که فرمود: آل محمّد صـلی الله علیه و آله و سـلم راهی هسـتند که خداوند به آن راهنمایی می‌کند. ۴ – عَنْ أَبِی بَرْزَةَ قَالَ بَیْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله و سلم إِذْ قَالَ وَ أَشَارَ بِیَدِهِ إِلَی عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ وَ أَنَّ هذا صِراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ إِلَی آخِرِ الْآیَةِ فَقَالَ رَجُلٌ أَ لَیْسَ إِنَّمَا یَعْنِی اللَّهُ فَضْلَ هَذَا الصِّرَاطِ عَلَی مَا سِوَاهُ فَقَالَ النَّبِیُّ صـلی الله علیه و آله و سـلم هَـذَا جَفَـاؤُکَ یا فُلانُ أَمَّا قَوْلُکَ فَضْلُ الْإِسْلام عَلَی مَا سِوَاهُ فَکَذَلِکَ وَ أَمَّا قَوْلُ اللَّهِ هـذا صِـراطِی مُسْتَقِیماً فَإِنِّی قُلْتُ لِرَبِّی مُقْبِلًا عَنْ غَزْوَةِ تَبُوکَ الْأُولَی اللَّهُمَّ إِنِّی جَعَلْتُ عَلِیّاً بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَی إِلا أَنَّهُ لا نُبُوَّةَ لَهُ مِنْ بَعْدِی فَصَدِّقْ کَلامِی وَ أَنْجِزْ وَعْدِی وَ اذْکُرْ عَلِیّاً کَمَا ذَکَرْتَ هَارُونَ فَإِنَّکَ قَدْ ذَکَرْتَ اسْمَهُ فِی الْقُرْآنِ فَقَرَأَ آیَةً فَأَنْزَلَ تَصْدِیقَ قَوْلِی «هَذَا صِـرَاطُ عَلِیٍّ مُسْتَقِیمٌ» (۷۷) وَ هُوَ هَذَا جَالِسٌ عِنْدِی فَاقْبَلُوا نَصِیحَتَهُ وَ اسْمَعُوا قَوْلَهُ فَإِنَّهُ مَنْ یَسُبُّنِی یَسُبُّهُ اللَّهُ وَ مَنْ سَبَّ عَلِیّاً فَقَدْ سَبَّنِی. (۷۸) ابی برزه گفت: در خـدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سـلم نشسـته بودیم آن جنـاب به حضـرت علی علیه السـلام اشاره نموده، این آیه را خوانـد وَ أَنَّ هـذا صِـراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لاـ تَتَّبِعُوا السُّبُلَ تـا آخر آیه. مردی عرض کرد: یـا رسول اللَّه مگر منظور از آیه این نیست که خـدا این راه (یعنی اسلام را) را بر تمام راه‌ها برتری داده. پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود: این سـتمیست که تو درباره‌ی علی علیه السلام

روا می‌داری امّا آنچه گفتی که خداونـد اسـلام را بر سـایر ادیـان برتری داده صـحیح است امّا این آیه موقعی نزول یافت که من از جنـگ تبـوک بازمی گشـتم. عرض کردم: پروردگـارا! من علی علیه السـلام را همچـون هـارون برادر موسـی، در میـان امّت خود به جانشـینی گذاشـتم جز اینکه پیامبری بعد از من نیست خداوند گفتار مرا تصدیق نمود و وعده‌ی مرا اجرا کرد نام علی علیه السلام را در قرآن برد چنـانچه نـام هـارون برده شـد تو خود نیز در قرآن خوانـده‌ای آنگاه پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم آیه‌ای را از قرآن خواند که هارون نام برده شده بود فرمود: خداوند سخن مرا تصدیق کرد با این آیه «هذا صِراطٌ عَلِیٍّ مُسْتَقِیمٌ» این است راه من، که مستقیم است آن راه، همین علی علیه السلام است که نشسته‌ست نصیحتش را بشنوید و گوش کنید هر که مرا دشنام دهد خدا را دشنام داده و هر که علی علیه السلام را دشنام دهد به من دشنام داده است.

روایات در خصوص جمله‌ی «هذا صِراطٌ عَلَیَّ مُسْتَقِیمٌ»

توجّه توجّه!!!

در سوره‌ی مبارکه‌ی حِجر آیه ۴۱، قرآن به این نحو فرموده‌ست که «هذا صِراطٌ عَلَیَّ مُسْتَقِیمٌ» ولی طبق اقوال فراوان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سـلم این آیه را چنین قرائت فرموده‌انـد که «هـذا صِـراطُ عَلِیٍّ مُسْـتَقِیمٌ» که در این خصوص هم در منابع شـیعه و هم منابع اهل سنّت این مطلب نقل شده است.

روایت ۱

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ اَبیه، عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ، عَنْ أبیهِ قالَ: قالَ عُمَر بْنُ الْخَطّابِ إلیَ النَّبِی صلی الله علیه و آله و سلم فَقالَ: إنَّکَ لا تَزال تَقولُ لِعلیّ: أنتَ مِنّی بِمَنْزِلَةِ هارون [من موسی] وَ قَدْ ذَکَرَ [الله] هارونَ فِی الْقُرآن وَ لَمْ یَذْکُر عَلیّاً علیه السلام. فقال النّبی صلی الله علیه و آله و سلم: یا غَلیظَ یا أعرابی أما تَسْمَع قَوْلِ اللهِ تعالی «هذا صِراطُ عَلِیٍّ مُسْتَقِیمٌ». از جعفر بن محمّد علیهما السلام از پدرش و از پدرانش نقل شده که عمر بن خطاب در برابر پیامبر ایستاد و گفت شما همیشه به علی می‌فرمائید که تو همانند هارونی برای من نسبت به موسـی. با اینکه خداوند در قرآن هارون را یادآوری کرده ولی نامی از علی در قرآن نیست. سـپس پیامبر فرمود: ای خشن ای اعرابی آیا نشنیده‌ای قول خدای عزّوجلّ را که فرموده «هَذَا صِراطُ عَلِیٍّ مُسْتَقِیمٌ» این است راه راست. منابع شیعه: الکافی ۱ / ۴۲۴ ح ۶۲ – بحارالانوار ۲۴ / ۱۷ ح ۲۷ و ۲۴ / ۲۳ ح ۵۰ و ۳۵ / ۵۸ و ۵۹ دو روایت یکی از امـام صادق علیه السـلام و دیگری از امام کاظم علیه السـلام نقل شده‌ست – الصوارم المهرقه علامه قاضی نورالله تستری ص ۱۳۳ – الطرائف سید بن طاووس ۱ / ۹۶ ح ۱۲۵ –ارشاد القلوب ۲ / ۳۷۳ – تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی – تفسیر عیاشی در ذیل آیه – غایة المرام ص ۱۱۹ ح ۷۵ – ماة منقبة ابن شاذان قمی ص ۱۶۰ منقبت ۸۵. منابع اهل سنّت: شواهد التنزیل حاکم حسکانی ۱ / ۷۸ ح ۹۲.

روایت ۲

عَنْ أَبِی مَالِکٍ الْأَسَدِیِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ علیه السـلام أَسْأَلُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی وَ أَنَّ هذا صِـراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ إِلَی آخِرِ الْآیَةِ قَالَ فَبَسَطَ أَبُوجَعْفَرٍ علیه السلام یَدَهُ الْیَسَارَ ثُمَّ دَوَّرَ فِیهَا یَدَهُ الْیُمْنَی ثُمَّ قَالَ نَحْنُ صِرَاطُهُ الْمُسْتَقِیمُ فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبِیلِهِ یَمِیناً وَ شِـمَالاً ثُمَّ خَطَّ بِیَدِهِ. (۷۹) ابومالک اسـدی گفت: به حضـرت باقر علیه السـلام گفتم: منظور از این آیه چیست: وَ أَنَّ هذا صِـراطِی مُسْـتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ تا آخر آیه امام علیه السـلام دست چپ خود را گشود و با دست راست دایره‌ای در شعاع آن دست زد آنگـاه فرمود: مـا راه مسـتقیم هسـتیم از آن پیروی کنیـد از راه‌هـای دیگر نرویـد که شـما را منحرف

می کند به طرف راست و چپ آنگاه با دست خود خط کشید.

روایت ۳

عَنْ حُمْرَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَاجَعْفَرٍ علیه السلام : يَقُولُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَنَّ هذا صِراطِي مُسْتَقِيماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ قَالَ: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ هُمْ صِرَاطُ اللَّهِ فَمَنْ أَبَاهُمْ سَلَكَ السُّبُلَ. (۸۰) حمران گفت از حضرت باقر علیه السلام شنیدم دربارهی این آیه میفرمود: وَ أَنَّ هذا صِراطِي مُسْتَقِيماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ علی بن ابیطالب علیهما السلام و ائمه: از فرزندان فاطمهی زهرا سلام الله علیها راه خدا هستند هر که از آنها روی برگرداند داخل در سایر راهها شده که در آیه به آن اشاره گردیده.

روایت ۴

وَ فِي التَّفْسِيرِ وَ أَنَّ هذا صِراطِي مُسْتَقِيماً يَعْنِي الْقُرْآنَ وَ آلَ مُحَمَّدٍ. (۸۱) در تفسیر است که وَ أَنَّ هذا صِراطِي مُسْتَقِيماً منظور قرآن و آل محمّد هستند.

روایت ۵

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فِي قَوْلِهِ وَ أَنَّ هذا صِراطِي مُسْتَقِيماً فَاتَّبِعُوهُ قَالَ: طَرِيقُ الْإِمَامَةِ فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ أَيْ طُرُقاً غَيْرَهَا. (۸۲) از ابی بصیر از حضرت باقر علیه السلام نقل شده که در تفسیر این آیه فرمود: راه مستقیم راه امام است پس پیروی کنید و در راههای انحرافی دیگر قرار نگیرید.

روایت ۶

عَلِيُّ بْنُ يُوسُفَ بْنِ جُبَيْرٍ فِي كِتَابِ نَهْجِ الْإِيمَانِ قَالَ: الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیهما السلام لِمَا رَوَاهُ إِبْرَاهِيمُ الثَّقَفِيُّ فِي كِتَابِهِ بِإِسْنَادِهِ إِلَى بُرَيْدَةَ الْأَسْلَمِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَنَّ هذا صِراطِي مُسْتَقِيماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ قَدْ سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَهَا لِعَلِيٍّ علیه السلام فَفَعَلَ. (۸۳) علی بن یوسف در کتاب نهج الایمان مینویسد صراط مستقیم حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیهما السلام است. زیرا ابراهیم ثقفی در کتاب خود سند، به بریده اسلمی میرساند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: أَنَّ هذا صِراطِي مُسْتَقِيماً من از خدا درخواست کردم این راه را اختصاص به علی بن ابیطالب علیهما السلام دهد و خداوند پذیرفت.

روایت ۷

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ نَحْنُ السَّبِيلُ لِمَنْ اقْتَدَى بِنَا وَ نَحْنُ الْهُدَاةُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ نَحْنُ عُرَى الإِسْلام. (۸۴) از حضرت صادق علیه السلام دربارهی آیهی «وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ» نقل شده که فرمود: ما سبیل و راه هستیم برای کسی که پیرو ما باشد و ما راهنمای به سوی بهشت و ما دستاویزهای اسلام هستیم.

روایت ۸

جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله و سلم هَيا أَصْحَابَهُ عِنْدَهُ إِذْ قَالَ وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عَلِيٍّ علیه السلام هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

فَاتَّبِعُوهُ (الْآیَةَ) فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله و سلم کَفَاکَ یا عَدُوِّی. (۸۵) جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند: اصحاب نزد حضرت بودند که حضرتش به سوی حضرت علی علیه السلام اشاره کرده و فرمودند: این راه مستقیم است، پس او را تبعیّت کنید. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای دشمن من (همین فضیلت برای شناخت امیرالمؤمنین علی علیه السلام) تو را کفایت می کند.

روایت ۹

عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: وَ أَنَّ هذا صِراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبِیلِهِ قَالَ أَتَدْرِی مَا یَعْنِی ب صِراطِی مُسْتَقِیماً قُلْتُ لا قَالَ وَلایَةَ عَلِیٍّ وَ الْأَوْصِیاءِ قَالَ وَ تَدْرِی مَا یَعْنِی فَاتَّبِعُوهُ قُلْتُ لا قَالَ یَعْنِی عَلِیَّ بْنَ أَبِیطَالِبٍ علیهما السلام. قَالَ وَ تَدْرِی مَا یَعْنِی وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبِیلِهِ قُلْتُ لا قَالَ وِلایَةَ فُلانٍ وَ فُلانٍ قَالَ وَ تَدْرِی مَا یَعْنِی فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبِیلِهِ قُلتُ لا قَالَ یَعْنِی سَبِیلَ عَلِیٍّ علیه السلام. (۸۶) حضرت باقر علیه السلام آیه را قرائت کرده و فرمود: آیا می‌دانی معنی صِراطِی مُسْتَقِیماً چیست؟ گفتم: نه. فرمود: ولایت علی علیه السلام و جانشینان او:. سپس فرمود: می‌دانی معنی فَاتَّبِعُوهُ را؟ گفتم: نه. فرمود: یعنی حضرت علی بن ابیطالب علیهما السلام را. فرمود و می‌دانی معنی تبعیّت نکن راه‌های دیگر را که از راه او منحرف می‌شوی؟ گفتم: نه. فرمود: دوستی فلانی و فلانی (ابوبکر و عمر). فرمود: می‌دانی معنی جدا شدن از راه حقیقت چیست؟ گفتم: نه. فرمود: یعنی راه علی علیه السلام.

روایت ۱۰

وَ رَوَی الْعَیاشِیُّ عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ لِبُرَیْدٍ الْعِجْلِیِّ تَدْرِی مَا یَعْنِی ب صِراطِی مُسْتَقِیماً قَالَ: قُلْتُ لا قَالَ وَلایَةُ عَلِیٍّ وَ الْأَوْصِیاءِ قَالَ وَ تَدْرِی مَا یَعْنِی وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ قَالَ قُلْتُ لا قَالَ وَلایَةُ فُلانٍ وَ فُلانٍ قَالَ وَ تَدْرِی مَا مَعْنَی فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبِیلِهِ قَالَ قُلْتُ لا قَالَ یَعْنِی سَبِیلَ عَلِیٍّ علیه السلام. (۸۷) عیاشی از امام باقر علیه السلام آورده که به بُرید عِجلی فرمود می‌دانی منظور از «راه راست من» چیست؟ گفتم: نه، فرمود ولایت علی و اوصیاء است. فرمود: و می‌دانی از اینکه پیروی هر راهی نکنید یعنی چه؟ گفتم: نه، فرمود ولایت فلان و فلان (ابوبکر و عمر)، فرمود می‌دانی جدا شدن از راه چیست؟ گفتم: نه، فرمود: یعنی از راه علی علیه السلام.

روایت ۱۱

عَنْ أبی حَمْزةَ الثمالی عن أبی عَبْدِالله علیه السلام قالَ: سَألته عَنْ قَوْل الله عَزَّوَجَّلَ وَ أَنَّ هذَا صِراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ قالَ: هُوَ وَاللهِ عَلِیٌّ اَلْمیزانَ وَ الصِّراط. (۸۸) ابی حمزه‌ی ثمالی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که از حضرتش در خصوص این آیه سؤال کردم، فرمود: به خدا قسم علی علیه السلام میزان و صراط است.

سفارشات خداوند به انبیاء:

سفارش خداوند به حضرت موسی علیه السلام

قَالَ أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ علیه السلام قَالَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لِمُوسَی علیه السلام یا مُوسَی احْفَظْ وَصِیَّتِی لَکَ بِأَرْبَعَةِ أَشْیاءَ أَوَّلُهُنَّ مَا دُمْتَ لا تَرَی ذُنُوبَکَ تُغْفَرُ فَلا تَشْغَلْ بِعُیُوبِ غَیْرِکَ وَ الثَّانِیةُ مَا دُمْتَ لا تَرَی کُنُوزِی قَدْ نَفِدَتْ فَلا تَغْتَمَّ بِسَبَبِ رِزْقِکَ وَ الثَّالِثَةُ مَا دُمْتَ لا تَرَی زَوَالَ مُلْکِی فَلا تَرْجُ أَحَداً غَیْرِی وَ الرَّابِعَةُ مَا دُمْتَ لا تَرَی الشَّیْطَانَ مَیِّتاً فَلا تَأْمَنْ مَکْرَه (۸۹ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

فرمود: خدای تبارک و تعالی به موسی فرمود: ای موسی سفارش مرا درباره چهار چیز نگهدار. اوّل آنکه تا گناهان خود را آمرزیده ندیـده‌ای به عیب دیگران نپرداز. دوّم تا پایان یافتن خزینه‌های مرا ندیده‌ای غم روزی خود مخور. سوّم تا زوال سلطنت مرا ندیده‌ای به کسی جز من امیـدوار مباش. چهارم تا شیطان را مرده ندیده‌ای از مکرش آسوده خاطر مباش. عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْبَاقِرِ علیهما السلام قَالَ: قَالَ مُوسَی بْنُ عِمْرَانَ یا رَبِّ أَوْصِنِی قَالَ أُوصِیکَ بِی فَقَالَ یا رَبِّ أَوْصِنِی قَالَ أُوصِیکَ بِی ثَلاثاً قَالَ یا رَبِّ أَوْصِنِی قَالَ أُوصِیکَ بِأُمِّکَ قَالَ یا رَبِّ أَوْصِنِی قَالَ أُوصِیکَ بِأُمِّکَ قَالَ أَوْصِنِی قَالَ أُوصِیکَ بِأَبِیکَ قَالَ فَکَانَ یُقَالُ لِأَجْلِ ذَلِکَ إِنَّ لِلْأُمِّ ثُلُثَیِ الْبِرِّ وَ لِلْأَبِ الثُّلُث (۹۰) امام باقر علیه السلام فرمود: موسی بن عمران گفت: پروردگارا به من سفارش کن تا سه بار در جوابش فرمود: تو را به خودم سفارش کنم و بار چهارم و پنجم او را به مادرش سفارش کرد و بار ششم سفارش پدر را به او کرد و از اینجا است که مادر دو ثلث حقّ نیکی فرزند و پدر یک ثلث را برد.

سفارش خداوند به حضرت عیسی علیه السلام

عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْهُمْ: قَالَ فِیمَا وَعَظَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ عِیسَی علیه السلام : علی بن اسباط از ائمه معصومین: روایت کرده: از پندهایی که خدای عزّوجلّ به حضرت عیسی علیه السلام داد این بود که فرمود: یا عِیسَی أَنَا رَبُّکَ وَ رَبُّ آبَائِکَ اسْمِی وَاحِدٌ وَ أَنَا الْأَحَدُ الْمُتَفَرِّدُ بِخَلْقِ کُلِّ شَیْءٍ وَ کُلُّ شَیْءٍ مِنْ صُنْعِی وَ کُلٌّ إِلَیَّ رَاجِعُونَ. ای عیسی من پروردگار تو و پروردگار پدرانت هستم نامم یکتـاست، و من یگـانه‌ای هسـتم که به آفرینش هر چیز جـدا و تنهـایم، و هر چیز ساختهی من است و همه به سوی من بازگردنـد. یا عِیسَی أَنْتَ الْمَسِیحُ بِأَمْرِی وَ أَنْتَ تَخْلُقُ مِنَ الطِّینِ کَهَیْئَةِ الطَّیْرِ بِإِذْنِی وَ أَنْتَ تُحْیِی الْمَوْتَی بِکَلامِی فَکُنْ إِلَیَّ رَاغِباً وَ مِنِّی رَاهِباً وَ لَنْ تَجِدَ مِنِّی مَلْجَأً إِلا إِلَیَّ. ای عیسی تو به فرمان من مسیح هستی، و تویی که به اذن من از گل (و خاک) مرغی می‌آفرینی، و تویی که به وسیلهی سخن من مُردگان را زنـده می کنی، پس به سوی من شائق باش و از من ترسان، و هرگز از من پناهی جز خود من نیابی. یا عِیسَی أُوصِیکَ وَصِیَّةَ الْمُتَحَنِّنِ عَلَیْکَ بِالرَّحْمَةِ حَتَّی حَقَّتْ لَکَ مِنِّی الْوَلایَةُ بِتَحَرِّیکَ مِنِّی الْمَسَرَّةَ فَبُورِکْتَ کَبِیراً وَ بُورِکْتَ صَغِیراً حَیْثُ مَا کُنْتَ أَشْهَدُ أَنَّکَ عَبْدِی ابْنُ أَمَتِی أَنْزِلْنِی مِنْ نَفْسِکَ کَهَمِّکَ وَ اجْعَلْ ذِکْرِی لِمَعَادِکَ وَ تَقَرَّبْ إِلَیَّ بِالنَّوَافِلِ وَ تَوَکَّلْ عَلَیَّ أَکْفِکَ وَ لا تَوَکَّلْ عَلَی غَیْرِی فَآخُذَ لَکَ. ای عیسی تو را سفارش می‌کنم هماننـد سفارش دوستی مهربان، تا ولایت و دوستی من برای تو ثـابت و لازم گردد زیرا تو شـادی مرا جویایی، تو در بزرگی میمون و مبارک و در کودکی نیز در هر کجا بودی مبارک و میمون بودی، گواهی دهم که تو بندهی من و فرزند بندهی من هستی، مرا در نزد خویش همانند خودت اهمیّت بده، و یاد کردن مرا ذخیره و توشهی سعادت قرار ده، و به وسیلهی نمازهـای مستحبّی به من تقرّب بجوی و بر من توکّل کن تـا تو را کفایت کنم و بر دیگری جز من توکّل مکن که دست از تو (و یـاریت) بردارم. یـا عِیسَی اصْبِرْ عَلَی الْبَلاءِ وَ ارْضَ بِالْقَضَاءِ وَ کُنْ کَمَسَرَّتِی فِیکَ فَإِنَّ مَسَرَّتِی أَنْ أُطَاعَ فَلا أُعْصَی. ای عیسی بر بلا شکیبا باش و به قضا راضـی باش و چنان باش که من (خوش دارم و) شادم که چنان باشی، زیرا شادی من در این است که فرمانم برند و نافرمانیم نکنند. یا عِیسَی أَحْیِ ذِکْرِی بِلِسَانِکَ وَ لْیَکُنْ وُدِّی فِی قَلْبِکَ. ای عیسی یاد کردن مرا با زبانت زنده‌دار و دوستی مرا در دلت نگهدار. یا عِیسَی تَیَقَّظْ فِی سَاعَاتِ الْغَفْلَةِ وَ احْکُمْ لِی لَطِیفَ الْحِکْمَةِ. ای عیسی در ساعـات غفلت بیـدار بـاش و دقائق حکمت را درباره من محکم گردان (و از روی خلوص آنها را برای مردم بیان کن). یا عِیسَی کُنْ رَاغِباً رَاهِباً وَ أَمِتْ قَلْبَکَ بِالْخَشْیَةِ. ای عیسی مشتاق و ترسان باش و (شهوات سرکش) دلت را با خشیّت و ترس بمیران. یا عِیسَی رَاعِ اللَّیْلَ لِتَحَرِّی مَسَرَّتِی وَ أَظْمِئْ نَهَارَکَ لِیَوْمِ حَاجَتِکَ عِنْدِی. ای عیسی شب زنـده داری کن تا شادیم را بجویی و روزت را (با گرفتن روزه) به تشنگی به شام آر برای روز نیازت به من (یعنی روز رستاخیز). یا عِیسَی نَافِسْ فِی الْخَیْرِ جُهْدَکَ تُعْرَفْ بِالْخَیْرِ حَیْثُمَا تَوَجَّهْتَ. ای عیسی تلاش خود را در پیشدستی گرفتن کار نیک به کار ببر تا هر کجا رفتی خیرمند شناخته شوی. یا عِیسَی احْکُمْ فِی عِبَادِی بِنُصْحِی وَ قُمْ فِیهِمْ بِعَدْلِی فَقَدْ أَنْزَلْتُ عَلَیْکَ شِفَاءً لِمَا فِی الصُّدُورِ مِنْ مَرَضِ الشَّیْطَانِ. ای عیسی در میـان بنـدگانم روی

خیرخواهی من حکم کن و به عدالت من در بین آنها قیام کن که من شفاء یافتن درد سینه‌ها را از بیماری‌های شیطانی در دست تو قرار دارم. یا عِیسَی لا تَکُنْ جَلِیساً لِکُلِّ مَفْتُونٍ ای عیسی همنشین فریفتگان (به دنیا) مشو. یا عِیسَی حَقّاً أَقُولُ مَا آمَنَتْ بِی خَلِیقَهٌ إِلا خَشَعَتْ لِی وَ لا خَشَعَتْ لِی إِلا رَجَتْ ثَوَابِی فَأَشْهَدُ أَنَّهَا آمِنَهٌ مِنْ عِقَابِی مَا لَمْ تُبَدِّلْ أَوْ تُغَیِّرْ سُنَّتِی (۹۱) ای عیسی به حقیقت گویم که: هیچ خلقی به من ایمان نیاورده جز آنکه در برابر من خاشع گردد، و خاشع و فروتن نگردد جز آنکه امید پاداش مرا دارد، پس تو گواه باش که چنین کسی از عقاب و شکنجه من در امان است تا وقتی که سنّت مرا تغییر و تبدیل ندهد. (یا تا وقتی که دگرگون نشود و سنّت مرا تغییر ندهد).

سفارش خداوند به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

قَال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم أَوْصَانِی رَبِّی بِتِسْعٍ أَوْصَانِی بِالْإِخْلاصِ فِی السِّرِّ وَ الْعَلانِیَهِ وَ الْعَدْلِ فِی الرِّضَا وَ الْغَضَبِ وَ الْقَصْدِ فِی الْفَقْرِ وَ الْغِنَی وَ أَنْ أَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنِی وَ أُعْطِیَ مَنْ حَرَمَنِی وَ أَصِلَ مَنْ قَطَعَنِی وَ أَنْ یَکُونَ صَمْتِی فِکْراً وَ مَنْطِقِی ذِکْراً وَ نَظَرِی عَبَراً. (۹۲) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند مرا به هفت چیز سفارش فرمود: اخلاص در نهان و آشکارا، دادگری در حال خُشنودی و خشم، میانه روی در تهیدستی و ثروت، کسی را که به من ستم کرده عفو نمایم، عطا کنم به کسی که مرا محروم نموده، با خویشاوندانم صله‌ی رحم نمایم، سکوتم اندیشه و سخنم یاد خدا و نگاهم عبرت باشد.

سفارشات پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم

سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به ابن عبّاس

قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ فَقُلْتُ یا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِی فَقَالَ عَلَیْکَ بِحُبِّ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ فَقُلْتُ یا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِی قَالَ عَلَیْکَ بِمَوَدَّهِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ نَبِیّاً إِنَّ اللَّهَ لا یَقْبَلُ مِنْ عَبْدٍ حَسَنَهً حَتَّی یَسْأَلَهُ عَنْ حُبِّ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ وَ هُوَ تَعَالَی أَعْلَمُ فَإِنْ جَاءَهُ بِوَلایَتِهِ قَبِلَ عَمَلَهُ عَلَی مَا کَانَ فِیهِ وَ إِنْ لَمْ یَاتِهِ بِوَلایَتِهِ لَمْ یَسْأَلْهُ عَنْ شَیْءٍ وَ أَمَرَ بِهِ إِلَی النَّارِ یا ابْنَ عَبَّاسٍ وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ نَبِیّاً إِنَّ النَّارَ لَأَشَدُّ غَضَباً عَلَی مُبْغِضِ عَلِیٍّ مِنْهَا عَلَی مَنْ زَعَمَ أَنَّ لِلَّهِ وَلَداً یا ابْنَ عَبَّاسٍ لَوْ أَنَّ الْمَلائِکَهَ الْمُقَرَّبِینَ وَ الْأَنْبِیاءَ الْمُرْسَلِینَ اجْتَمَعُوا عَلَی بُغْضِهِ وَ لَنْ یَفْعَلُوا لَعَذَّبَهُمُ اللَّهُ بِالنَّارِ قُلْتُ یا رَسُولَ اللَّهِ وَ هَلْ یُبْغِضُهُ أَحَدٌ فَقَالَ یا ابْنَ عَبَّاسٍ نَعَمْ یُبْغِضُهُ قَوْمٌ یَذْکُرُونَ أَنَّهُمْ مِنْ أُمَّتِی لَمْ یَجْعَلِ اللَّهُ لَهُمْ فِی الْإِسْلامِ نَصِیباً یا ابْنَ عَبَّاسٍ إِنَّ مِنْ عَلامَهِ بُغْضِهِمْ لَهُ تَفْضِیلَ مَنْ هُوَ دُونَهُ عَلَیْهِ وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ نَبِیّاً مَا خَلَقَ اللَّهُ نَبِیّاً أَکْرَمَ عَلَیْهِ مِنِّی وَ لا وَصِیّاً أَکْرَمَ عَلَیْهِ مِنْ وَصِیِّی عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ فَلَمْ أَزَلْ مُحِبّاً لَهُ کَمَا أَمَرَنِی رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ وَصَّانِی بِمَوَدَّتِهِ وَ إِنَّهُ لَأَکْبَرُ عَمَلِی عِنْدِی (۹۳) ابن عبّاس می گوید: عرض کردم: یا رسول اللّٰه! مرا توصیه‌ای کن. فرمود: علی بن ابیطالب را دوست بدار. عرض کردم: یا رسول اللّٰه! دیگر چه سفارشی داری؟ فرمود: به علی بن ابیطالب مودّت و علاقه‌ات را اظهار کن. سوگند به خدایی که مرا به حقّ به پیامبری برانگیخته‌ست خداوند هیچ حسنه‌ای را از بنده‌اش نمی‌پذیرد مگر آن که از حُبّ علی بن ابیطالب از او پرسش کند و خداوند، آگاه‌تر است. اگر در قیامت وارد شود در حالی که ولایت علی علیه السلام را با خود داشته باشد خداوند هر چه هم کرده باشد عمل او را می‌پذیرد و اگر ولایت حضرتش را نداشته باشد دیگر خداوند از اعمال او پرسشی نمی کند و فرمان می‌دهد او را به آتش ببرند. ای ابن عبّاس! سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، آتش بر کسی که نسبت به علی علیه السلام کینه داشته باشد بیشتر شعله خواهد کشید تا کسی که برای خدا فرزند قائل باشد. ای ابن عبّاس! اگر همه فرشتگان مقرّب و پیامبران مرسل بر دشمنی علی، اجتماع کنند (که هرگز نمی‌شوند) خداوند آن‌ها را با آتش، عذاب خواهد کرد. عرض کردم: یا رسول اللّٰه! آیا کسی با او دشمنی می کند؟ فرمود: ای ابن عبّاس [آری، جماعتی با او دشمنی می کنند

که گفته می‌شود از امّت من هستند ولی خداوند بهره‌ای از اسلام برای آن‌ها قرار نداده است. ای ابن عبّاس نشانه‌ی بغض آن‌ها به علی علیه السلام ، برتری دادن کسیست که از علی پایین‌تر است. سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، خداوند پیامبری نیافریده که نزد او ارجمندتر از من باشد و جانشینی خلق نکرده‌ست که نزد او عزیزتر از علی علیه السلام باشد.

سفارشات حضرات اهل بیت:

سفارشات حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام به حضرات حسنین علیهما السلام در زمانی که ابن ملجم به آن حضرت ضربه زده‌ست

وَ مِنْ وَصِّيَةٍ لَهُ علیه السلام لِلْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ علیهما السلام لَمَّا ضَرَبَهُ ابْنُ مُلْجَم لَعَنَهُ الله عَلَيْه: أُوصِيكُمَا بِتَقْوَى اللَّهِ وَ أَلا تَبْغِيا الدُّنْيا وَ إِنْ بَغَتْكُمَا وَ لا تَأْسَفَا عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا زُوِيَ عَنْكُمَا وَ قُولا بِالْحَقِّ وَاعْمَلا لِلْأَجْرِ وَ كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْماً وَ لِلْمَظْلُوم عَوْناً. شما را به ترس از خدا سفارش می کنم، به دنیا پرستی روی نیاورید، گر چه به سراغ شما آید، و بر آنچه از دنیا از دست می‌دهید اندوهناک مباشید، حق را بگویید، و برای پاداش الهی عمل کنید و دشمن ستمگر و یاور ستمدیده باشید. أُوصِيكُمَا وَ جَمِيعَ وَلَدِی وَ أَهْلِی وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِی بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْم أَمْرِكُمْ وَ صَلاحِ ذَات بَيْنِكُمْ فَإِنِّی سَمِعْتُ جَدَّكُمَا صلی الله علیه و آله و سلم يَقُولُ صَلاحُ ذَات الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلاةِ وَ الصِّيام شما را، و تمام فرزندان و خاندانم را، و کسانی را که این وصیّت به آنها می‌رسد، به ترس از خدا، و نظم در امور زندگی، و ایجاد صلح و آشتی در میانتان سفارش می کنم، زیرا من از جدّ شما پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می‌فرمود: «اصلاح دادن بین مردم از نماز و روزه یک سال برتر است». اللَّهَ اللَّهَ فِی الْأَيْتَام فَلا تُغِبُّوا أَفْوَاهَهُمْ وَ لا يَضِيعُوا بِحَضْرَتِكُمْ. خدا را! خدا را! درباره‌ی یتیمان، نکند آنان گاهی سیر و گاه گرسنه بمانند، و حقوقشان ضایع گردد! وَ اللَّهَ اللَّهَ فِی جِيرَانِكُمْ فَإِنَّهُمْ وَصِيَّةُ نَبِيِّكُمْ مَا زَالَ يُوصِی بِهِمْ حَتَّى ظَنَنَّا أَنَّهُ سَيُوَرِّثُهُمْ خدا را! خدا را! درباره‌ی همسایگان، حقوقشان را رعایت کنید که وصیّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شماست، همواره به خوشرفتاری با همسایگان سفارش می کرد تا آنجا که گمان بردیم برای آنان ارثی معیّن خواهد کرد. وَ اللَّهَ اللَّهَ فِی الْقُرْآنِ لا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ خدا را! خدا را! درباره‌ی قرآن، مبادا دیگران در عمل کردن به دستوراتش از شما پیشی گیرند. وَ اللَّهَ اللَّهَ فِی الصَّلاةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ. خدا را! خدا را! درباره‌ی نماز، چرا که ستون دین شماست. وَ اللَّهَ اللَّهَ فِی بَيْتِ رَبِّكُمْ لا تُخَلُّوهُ مَا بَقِيتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تُرِكَ لَمْ تُنَاظَرُوا. خدا را! خدا را! درباره‌ی خانه خدا، تا هستید آن را خالی مگذارید، زیرا اگر کعبه خلوت شود، مهلت داده نمی‌شوید. وَ اللَّهَ اللَّهَ فِی الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ أَلْسِنَتِكُمْ فِی سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَيْكُمْ بِالتَّوَاصُلِ وَ التَّبَاذُلِ وَ إِيَّاكُمْ وَ التَّدَابُرَ وَ التَّقَاطُعَ لا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْیَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُوَلَّى عَلَيْكُمْ [أَشْرَارُكُمْ] شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلا يُسْتَجَابُ لَكُم. خدا را! خدا را! درباره‌ی جهاد با اموال و جانها و زبان‌های خویش در راه خدا. بر شما باد به پیوستن با یکدیگر، و بخشش همدیگر، مبادا از هم روی گردانید، و پیوند دوستی را از بین ببرید. امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدهای شما بر شما مسلّط می گردند، آنگاه هر چه خدا را بخوانید جواب ندهد! ثُمَّ قَالَ: يا بَنِی عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لا أُلْفِيَنَّكُمْ تَخُوضُونَ دِمَاءَ الْمُسْلِمِينَ خَوْضاً تَقُولُونَ قُتِلَ أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ قُتِلَ أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ أَلا لا تَقْتُلُنَّ بِی إِلا قَاتِلِی انْظُرُوا إِذَا أَنَا مِتُّ مِنْ ضَرْبَتِهِ هَذِهِ فَاضْرِبُوهُ ضَرْبَةً بِضَرْبَةٍ وَ لا تُمَثِّلُوا بِالرَّجُلِ فَإِنِّی سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم يَقُولُ إِيَاكُمْ وَ الْمُثْلَةَ وَ لَوْ بِالْكَلْبِ الْعَقُور. (۹۴) سپس فرمود: ای فرزندان عبدالمطلّب! مبادا پس از من دست به خون مسلمین فرو برید [و دست به کشتار بزنید] و بگویید، امیرمؤمنان کشته شد، بدانید جز قاتل من کسی دیگر نباید کشته شود. درست بنگرید! اگر من از ضربت او از دنیا رفتم، او را تنها یک ضربت بزنید، و دست و پا و دیگر اعضای او را قطع نکنید، به درستی که من از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: «بپرهیزید از بُریدن اعضای مُرده، هر چند سگ دیوانه باشد».

سفارش حضرت امام زین العابدین علیه السلام

عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: لَمَّا حَضَرَ عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ علیهما السلام الْوَفَاةُ ضَمَّنِی إِلَی صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ: یا بُنَیَّ أُوصِیکَ بِمَا أَوْصَانِی بِهِ أَبِی علیه السلام حِینَ حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ وَ بِمَا ذَکَرَ أَنَّ أَبَاهُ أَوْصَاهُ بِهِ قَالَ یا بُنَیَّ إِیاکَ وَ ظُلْمَ مَنْ لا یَجِدُ عَلَیْکَ نَاصِراً إِلا اللَّه (۹۵) حضرت باقر علیه السلام فرمود: هنگام شهادت، پدرم علی بن الحسین علیهما السلام مرا به سینه‌ی خود چسبانید، سپس فرمود: ای فرزند سفارش کنم تو را به آنچه پدرم هنگام شهادتش به من سفارش کرد، و همان چیزی را او یادآور شد که پدرش به آن سفارش کرده بود، ای فرزند مبادا ستم کنی به کسی که یاوری در برابر تو جز خدا ندارد.

سفارش حضرت امام محمّد باقر علیه السلام

عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْیَنَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فَقُلْتُ أَوْصِنِی فَقَالَ أُوصِیکَ بِتَقْوَی اللَّهِ وَ إِیاکَ وَ الْمِزَاحَ فَإِنَّهُ یُذْهِبُ هَیْبَةَ الرَّجُلِ وَ مَاءَ وَجْهِهِ وَ عَلَیْکَ بِالدُّعَاءِ لِإِخْوَانِکَ بِظَهْرِ الْغَیْبِ فَإِنَّهُ یَهِیلُ الرِّزْقَ یَقُولُهَا ثَلاثاً. (۹۶) حمران بن اعین خدمت امام باقر علیه السلام شرفیاب شده و عرض کردم: به من سفارشی فرمایید، فرمودند: تو را سفارش می‌کنم به تقوی از خدا و از شوخی بپرهیز که احترامت را ببرد و آبرویت را بریزد و بر تو باد که پشت سر برادرانت دعایشان کنی، زیرا که روزی را فرو ریزد و سه بار آن را فرمودند.

سفارش حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِیدِ بْنِ هِلالٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِاللَّهِ علیه السلام أَوْصِنِی قَالَ: أُوصِیکَ بِتَقْوَی اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ الِاجْتِهَادِ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لا یَنْفَعُ اجْتِهَادٌ لا وَرَعَ فِیهِ وَ انْظُرْ إِلَی مَنْ هُوَ دُونَکَ وَ لا تَنْظُرْ إِلَی مَنْ هُوَ فَوْقَکَ فَلَکَثِیراً مَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَی لِرَسُولِهِ صلی الله علیه و آله و سلم «فَلا تُعْجِبْکَ أَمْوالُهُمْ وَ لا أَوْلادُهُمْ (۹۷») وَ قَالَ «وَ لا تَمُدَّنَّ عَیْنَیْکَ إِلی ما مَتَّعْنا بِهِ أَزْواجاً مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَیاةِ الدُّنْیا (۹۸») وَ إِنْ نَازَعَتْکَ نَفْسُکَ إِلَی شَیْءٍ مِنْ ذَلِکَ فَاعْلَمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم کَانَ قُوتُهُ الشَّعِیرَ وَ حَلْوَاهُ التَّمْرَ إِذَا وَجَدَهُ وَ وَقُودُهُ السَّعَفَ وَ إِذَا أُصِبْتَ بِمُصِیبَةٍ فَاذْکُرْ مُصَابَکَ بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَإِنَّ النَّاسَ لَنْ یُصَابُوا بِمِثْلِهِ أَبَداً. (۹۹) عمرو بن سعید بن هلال گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مرا سفارشی فرما. فرمود: تو را به پروای از خدا و پاکدامنی و کوشش در عبادت سفارش می‌کنم و بدان، کوشش در عبادتی که همراه با پاکدامنی نباشد سودی نبخشد و همیشه به پائین‌تر از خودت بنگر، و به بالا دست خود نگاه مکن، و چه بسیار خدای متعال به رسولش فرموده است: «اموال و اولاد کافران، تو را به شگفتی نیاورد» و فرموده: «چشمان خود را به بهره‌هایی که به جفت‌هایی (مردان و زنانی) از کافران داده‌ایم نینداز، حال آنکه اینها همه نمودهای فریبنده زندگانی دنیاست» و اگر چه نفس تو، تو را به سوی چیزی از اینها فرا خواند. پس بدان: خوراک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جُو، و حلوایش خرما آن هم اگر به دستش می‌آمد و هیزمش شاخه‌ی درخت خرما بوده است. هر گاه به مصیبتی گرفتار شدی یاد شهادت و مصیبت فقدان و از دست رفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کن که مردم هرگز بمانند چنین مصیبتی گرفتار نمی‌شوند.

سفارش حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَوْصِنِی فَقَالَ آمُرُکَ بِتَقْوَی اللَّهِ ثُمَّ سَکَتَ فَشَکَوْتُ إِلَیْهِ قِلَّةَ ذَاتِ یَدِی وَ قُلْتُ وَ اللَّهِ لَقَدْ عَرِیتُ حَتَّی بَلَغَ مِنْ عُرْیَتِی أَنَّ أَبَا فُلانٍ نَزَعَ ثَوْبَیْنِ کَانَا عَلَیْهِ وَ کَسَانِیهِمَا فَقَالَ صُمْ وَ تَصَدَّقْ قُلْتُ أَتَصَدَّقُ مِمَّا وَصَلَنِی بِهِ إِخْوَانِی وَ إِنْ کَانَ قَلِیلاً قَالَ تَصَدَّقْ بِمَا رَزَقَکَ اللَّهُ وَ لَوْ آثَرْتَ عَلَی نَفْسِکَ. (۱۰۰ علی بن سوید سائی از امام کاظم علیه السلام تقاضای اندرز کرد،

حضرتش فرمود: تو را به تقوای خدا سفارش می‌کنم. سپس سکوت کرد. من از تنگدستیم به آن حضرت شکوه کردم و گفتم: به خدا قسم لباس بر تن نداشتم به طوری که ابو فلان دو جامه‌ای را که بر تن خود داشت درآورد و به من پوشاند! حضرت فرمود: روزه بگیر و صدقه بده! عرض کردم: از همان اندک کمکی که برادرانم به من می‌کنند صدقه بدهم؟ فرمود: آنچه را که خداوند به تو روزی کرده‌ست صدقه بده، هر چند خودت بدان محتاج باشی.

سفارش حضرت امام رضا علیه السلام

وَ قَالَ رَجُلٌ لِلرِّضَا علیه السلام أَوْصِنِي قَالَ: احْفَظْ لِسَانَکَ تُعَزَّ وَ لا تُمَکِّنِ الشَّيْطَانَ مِنْ قِيادِكَ فَتَذِل. (۱۰۱ مردی به حضرت رضا علیه السلام عرض کرد مرا وصّیت و سفارشی فرما، حضرت فرمود: زبانت را نگهدار تا عزیز باشی و شیطان بر تو چیره نشود که تو را به سوی خود بکشد پس تو را خوار کند.

سفارش حضرت امام جواد علیه السلام

قَالَ لِلْجَوَادِ علیه السلام رَجُلٌ أَوْصِنِي قَالَ وَ تَقْبَلُ قَالَ نَعَمْ قَالَ: تَوَسَّدِ الصَّبْرَ وَ اعْتَنِقِ الْفَقْرَ وَ ارْفَضِ الشَّهَوَاتِ وَ خَالِفِ الْهَوَى وَ اعْلَمْ أَنَّكَ لَنْ تَخْلُوَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ فَانْظُرْ كَيْفَ تَكُون (۱۰۲) مردی به حضرت جواد علیه السلام عرض کرد مرا سفارشی بفرما. امام علیه السلام فرمود: می‌پذیری؟ گفت آری، فرمود تکیه بر صبر کن و به فقر درآویز و شهوات را رها کن و مخالفت با هوای نفس نما و بدان که تو از دیده‌ی خدا مخفی نیستی، دقت کن چگونه باید باشی.

سفارش حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

وَ قَالَ الامام العسکری علیه السلام لِشِيعَتِهِ أُوصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ وَ الِاجْتِهَادِ لِلَّهِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنِ ائْتَمَنَكُمْ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ وَ طُولِ السُّجُودِ وَ حُسْنِ الْجِوَارِ فَبِهَذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله و سلم صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ عُودُوا مَرْضَاهُمْ وَ أَدُّوا حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرِعَ فِي دِينِهِ وَ صَدَقَ فِي حَدِيثِهِ وَ أَدَّى الْأَمَانَةَ وَ حَسَّنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا شِيعِيٌّ فَيَسُرُّنِي ذَلِكَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا زَيْناً وَ لا تَكُونُوا شَيْناً جُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَ ادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ فَإِنَّهُ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ حُسْنٍ فَنَحْنُ أَهْلُهُ وَ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ سُوءٍ فَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ لَنَا حَقٌّ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ قَرَابَةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ تَطْهِيرٌ مِنَ اللَّهِ لا يَدَّعِيهِ أَحَدٌ غَيْرُنَا إِلا كَذَّابٌ أَكْثِرُوا ذِكْرَ اللَّهِ وَ ذِكْرَ الْمَوْتِ وَ تِلاوَةَ الْقُرْآنِ وَ الصَّلاةَ عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلم فَإِنَّ الصَّلاةَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ احْفَظُوا مَا وَصَّيْتُكُمْ بِهِ وَ أَسْتَوْدِعُكُمُ اللَّهَ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكُمُ السَّلام. (۱۰۳ از امام عسکری علیه السلام نقل شده که به شیعیانشان فرمودند: شما را توصیه می‌کنم به پروای از خدا، پارسایی در دین، کوشش در راه خدا، راستگویی، ادای امانت به نیک و بد، طول سجده، خوش همسایگی که اینها برنامه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است، به فامیل هایتان محبّت و احسان کنید، جنازه‌هاشان را تشییع کنید، از بیمارانشان عیادت کنید، حقوقشان را بپردازید، که چون یکی از شما در دین پارسا و در سخن راستگو، امانتدار و خوش اخلاق باشد، گویند این شیعه مذهب است و من خُرسند شوم، از خدا پروا کنید و زینت ما باشید، ننگ ما نباشید، محبّت‌ها را به سوی ما جلب کنید، زشتیها را از ما دفع نمائید، که هر گونه خوبی را که به ما نسبت دهند ما اهلش هستیم، و هر عیبی به ما اسناد دهند ما از آن به دوریم، ما را در کتاب خدا حقّی است، و با پیغمبر نسبتی، و از جانب خدا طهارتی، غیر از ما هیچ کس دعوی این مقام نکند جز دروغگوی، فراوان به یاد خدا و در فکر مرگ باشید، قرآن بخوانید، بر پیغمبر صلوات بفرستید که ده حسنه دارد، سفارشهای مرا به خاطر بسپارید، شما را به خدا می‌سپارم، و سلام من بر شما.

سفارش حضرت خضر به حضرت موسی علیهما السلام

عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ لَمَّا فَارَقَ مُوسَی الْخَضِرَ قَالَ مُوسَی أَوْصِنِی فَقَالَ الْخَضِرُ الْزَمْ مَا لا یَضُرُّکَ مَعَهُ شَیْءٌ کَمَا لا یَنْفَعُکَ مِنْ غَیْرِهِ شَیْءٌ إِیاکَ وَ اللَّجَاجَةَ وَ الْمَشْیَ إِلَی غَیْرِ حَاجَةٍ وَ الضَّحِکَ فِی غَیْرِ تَعَجُّبٍ یا ابْنَ عِمْرَانَ لا تُعَیِّرَنَّ أَحَداً بِخَطِیئَتِهِ وَ ابْکِ عَلَی خَطِیئَتِکَ (۱۰۴) حضرت باقر علیه السلام فرمود: وقتی موسی از خضر جدا شد به او گفت مرا وصّیت و سفارشی بنما خضر علیه السلام گفت: متوجّه چیزی باش که با او بودن به تو زیانی نمی‌رساند چنانچه از دیگری جز او برایت سودی نخواهد بود از لجاجت بپرهیز و دنبال کاری که نیاز به آن نداری مرو و بی‌شگفتی خنده مکن پسر عمران دیگری را به گناهش سرزنش مکن و بر خطای خویش گریه کن. عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام قَالَ إِنَّ مُوسَی بْنَ عِمْرَانَ علیهما السلام حِینَ أَرَادَ أَنْ یُفَارِقَ الْخَضِرَ علیه السلام قَالَ لَهُ أَوْصِنِی فَکَانَ مِمَّا أَوْصَاهُ أَنْ قَالَ لَهُ إِیاکَ وَ اللَّجَاجَةَ أَوْ أَنْ تَمْشِیَ فِی غَیْرِ حَاجَةٍ أَوْ أَنْ تَضْحَکَ مِنْ غَیْرِ عَجَبٍ وَ اذْکُرْ خَطِیئَتَکَ وَ إِیاکَ وَ خَطَایا النَّاس. (۱۰۵ از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: چون موسی بن عمران علیهما السلام خواست از خضر مفارقت کند به او گفت: ضمن سفارشات خود مرا سفارشی کن. گفت: مبادا لجاجت کنی و بی‌حاجت راه بروی و بی‌سبب بخندی و یاد خطای خود باش و از خطای مردم چشم پوش.

سفارش حضرت امیر المومنین علی علیه السلام به مردی از اصحاب

جَاءَ رَجُلٌ إِلَی أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فَقَالَ یا أَمِیرَالْمُؤْمِنِینَ أَوْصِنِی بِوَجْهٍ مِنْ وُجُوهِ الْبِرِّ أَنْجُو بِهِ قَالَ أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ علیه السلام أَیُّهَا السَّائِلُ اسْتَمِعْ ثُمَّ اسْتَفْهِمْ ثُمَّ اسْتَیْقِنْ ثُمَّ اسْتَعْمِلْ وَ اعْلَمْ أَنَّ النَّاسَ ثَلاثَةٌ زَاهِدٌ وَ صَابِرٌ وَ رَاغِبٌ فَأَمَّا الزَّاهِدُ فَقَدْ خَرَجَتِ الْأَحْزَانُ وَ الْأَفْرَاحُ مِنْ قَلْبِهِ فَلا یَفْرَحُ بِشَیْءٍ مِنَ الدُّنْیا وَ لا یاسَی عَلَی شَیْءٍ مِنْهَا فَاتَهُ فَهُوَ مُسْتَرِیحٌ وَ أَمَّا الصَّابِرُ فَإِنَّهُ یَتَمَنَّاهَا بِقَلْبِهِ فَإِذَا نَالَ مِنْهَا أَلْجَمَ نَفْسَهُ عَنْهَا لِسُوءِ عَاقِبَتِهَا وَ شَنَآنِهَا لَو اطَّلَعْتَ عَلَی قَلْبِهِ عَجِبْتَ مِنْ عِفَّتِهِ وَ تَوَاضُعِهِ وَ حَزْمِهِ وَ أَمَّا الرَّاغِبُ فَلا یُبَالِی مِنْ أَیْنَ جَاءَتْهُ الدُّنْیا مِنْ حِلِّهَا أَوْ مِنْ حَرَامِهَا وَ لا یُبَالِی مَا دَنَّسَ فِیهَا عِرْضَهُ وَ أَهْلَکَ نَفْسَهُ وَ أَذْهَبَ مُرُوءَتَهُ فَهُمْ فِی غَمْرَةٍ یَضْطَرِبُون. (۱۰۶ مردی نزد حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمد و عرض کرد: ای امیرمؤمنان مرا سفارش کن به راهی از راه‌های خیر و خوبی که بدان نجات یابم؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای آنکه پرسیدی بشنو و سپس بفهم و پس از آن باور کن و سپس بکار ببند: مردم سه گروهند: زاهد (پارسا) و صابر (شکیبا) و راغب (خواهان دنیا)، امّا زاهد کسیست که اندوه‌ها و شادی‌ها از دلش بیرون رفته، نه به چیزی از دنیا شاد شود، و نه بر چیزی که از دستش رفته افسوس خورد. پس او آسوده خاطر است، و امّا صابر آن کس است که در دل آرزوی دنیا کند و چون بدان رسد به خاطر سرانجام بد آن و زشتی منظر آن (در نظر خرد) به نفس خود لگام زند که از آن برنگیرد، (و چنان است) که اگر بر دلش آگاه شوی از پارسایی و فروتنی و دوراندیشی او در شگفت شوی، و امّا راغب باک ندارد که دنیا از چه راهی به دست او رسد: از حلال است یا از حرام و باک ندارد که درباره‌ی آن آبرویش چرکین شود و خود را هلاک کند و مردانگی خود را از بین ببرد، پس آنهایند که در گرداب سخت (دنیا) سرگردان و مضطربند.

وصایای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرات اهل بیت:

وصیّت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام

قابل ذکر است که این حدیث طولانی بوده و فقط قسمتی که مربوط به موضوع وصّیت است، آورده شده است: وَ أَمَّا الْخَامِسَةَ عَشْرَةَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَوْصَی إِلَیَّ وَ قَالَ: یا عَلِیُّ لا یَلِیَ غُسْلِی غَیْرُکَ وَ لا یُوَارِی عَوْرَتِی غَیْرُکَ فَإِنَّهُ إِنْ رَأَی أَحَدٌ عَوْرَتِی غَیْرُکَ تَفَقَّأَتْ عَیْنَاهُ فَقُلْتُ لَهُ کَیْفَ لِی بِتَقْلِیبِکَ یا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ إِنَّکَ سَتُعَانُ فَوَاللَّهِ مَا أَرَدْتُ أَنْ أُقَلِّبَ عُضْواً مِنْ أَعْضَائِهِ إِلا

قُلِّبَ لِي (۱۰۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا وصیّ خود کرد و فرمود ای علی غیر از تو کسی مرا غسل ندهد و به خاک نسپارد و مرا به طور کامل برهنه نکند زیرا اگر کسی جز تو عورت مرا ببیند دیده‌هایش از کاسه بیرون می‌آید عرض کردم من چگونه تنها می‌توانم شما را از دستی به دستی بگردانم فرمود از غیب به تو کمک می‌شود به خدا نخواستم عضوی از اعضاء او را بگردانم جز آنکه برای من گردید.

وصیّت نامه‌ی حضرت امیر المومنین علی علیه السلام

حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیهما السلام قَالَ: لَمَّا حَضَرَتْ أَبِيَ الْوَفَاةُ أَقْبَلَ يُوصِي فَقَالَ هَذَا مَا أَوْصَى بِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَخُو مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَ ابْنُ عَمِّهِ وَ وَصِيُّهُ وَ صَاحِبُهُ وَ أَوَّلُ وَصِيَّتِي أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُهُ وَ خِيَرَتُهُ اخْتَارَهُ بِعِلْمِهِ وَ ارْتَضَاهُ لِخِيَرَتِهِ وَ أَنَّ اللَّهَ بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَ سَائِلُ النَّاسِ عَنْ أَعْمَالِهِمْ وَ عَالِمٌ بِمَا فِي الصُّدُورِ ثُمَّ إِنِّي أُوصِيكَ يا حَسَنُ وَ كَفَى بِكَ وَصِيّاً بِمَا أَوْصَانِي بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ يا بُنَيَّ فَالْزَمْ بَيْتَكَ وَ ابْكِ عَلَى خَطِيئَتِكَ وَ لا تَكُنِ الدُّنْيا أَكْبَرَ هَمِّكَ. وَ أُوصِيكَ يا بُنَيَّ بِالصَّلاةِ عِنْدَ وَقْتِهَا وَ الزَّكَاةِ فِي أَهْلِهَا عِنْدَ مَحَلِّهَا وَ الصَّمْتِ عِنْدَ الشُّبْهَةِ وَ الِاقْتِصَادِ فِي الْعَمَلِ وَ الْعَدْلِ فِي الرِّضَا وَ الْغَضَبِ وَ حُسْنِ الْجِوَارِ وَ إِكْرَامِ الضَّيْفِ وَ رَحْمَةِ الْمَجْهُودِ وَ أَصْحَابِ الْبَلاءِ وَ صِلَةِ الرَّحِمِ وَ حُبِّ الْمَسَاكِينِ وَ مُجَالَسَتِهِمْ وَ التَّوَاضُعِ فَإِنَّهُ مِنْ أَفْضَلِ الْعِبَادَةِ وَ قَصْرِ الْأَمَلِ وَ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيا فَإِنَّكَ رَهْنُ مَوْتٍ وَ غَرَضُ بَلاءٍ وَ طَرِيحُ سُقْمٍ. وَ أُوصِيكَ بِخَشْيَةِ اللَّهِ فِي سِرِّ أَمْرِكَ وَ عَلانِيَتِهِ وَ أَنْهَاكَ عَنِ التَّسَرُّعِ بِالْقَوْلِ وَ الْفِعْلِ وَ إِذَا عَرَضَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ الْآخِرَةِ فَابْدَأْ بِهِ وَ إِذَا عَرَضَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيا فَتَأَنَّهُ حَتَّى تُصِيبَ رُشْدَكَ فِيهِ. وَ إِياكَ وَ مَوَاطِنَ التُّهَمَةِ وَ الْمَجْلِسَ الْمَظْنُونَ بِهِ السُّوءُ فَإِنَّ قَرِينَ السَّوْءِ يُغَيِّرُ جَلِيسَهُ وَ كُنْ لِلَّهِ يا بُنَيَّ عَامِلاً وَ عَنِ الْخَنَى زَجُوراً وَ بِالْمَعْرُوفِ آمِراً وَ عَنِ الْمُنْكَرِ نَاهِياً وَ وَاخِ الْإِخْوَانَ فِي اللَّهِ وَ أَحِبَّ الصَّالِحَ لِصَلاحِهِ وَ دَارِ الْفَاسِقَ عَنْ دِينِكَ وَ أَبْغِضْهُ بِقَلْبِكَ وَ زَايِلْهُ بِأَعْمَالِكَ لِئَلا تَكُونَ مِثْلَهُ. وَ إِياكَ وَ الْجُلُوسَ فِي الطُّرُقَاتِ وَ دَعِ الْمُمَارَاةَ وَ مُجَارَاةَ مَنْ لا عَقْلَ لَهُ وَ لا عِلْمَ وَ اقْتَصِدْ يا بُنَيَّ فِي مَعِيشَتِكَ وَ اقْتَصِدْ. فِي عِبَادَتِكَ وَ عَلَيْكَ فِيهَا بِالْأَمْرِ الدَّائِمِ الَّذِي تُطِيقُهُ وَ الْزَمِ الصَّمْتَ تَسْلَمْ وَ قَدِّمْ لِنَفْسِكَ تَغْنَمْ وَ تَعَلَّمِ الْخَيْرَ تَعْلَمْ وَ كُنْ لِلَّهِ ذَاكِراً عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ ارْحَمْ مِنْ أَهْلِكَ الصَّغِيرَ وَ وَقِّرْ مِنْهُمُ الْكَبِيرَ وَ لا تَأْكُلَنَّ طَعَاماً حَتَّى تَصَدَّقَ مِنْهُ قَبْلَ أَكْلِهِ وَ عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ زَكَاةُ الْبَدَنِ وَ جُنَّةٌ لِأَهْلِهِ وَ جَاهِدْ نَفْسَكَ وَ احْذَرْ جَلِيسَكَ وَ اجْتَنِبْ عَدُوَّكَ وَ عَلَيْكَ بِمَجَالِسِ الذِّكْرِ وَ أَكْثِرْ مِنَ الدُّعَاءِ فَإِنِّي لَمْ آلُكَ. يا بُنَيَّ نُصْحاً وَ هذا فِراقُ بَيْنِي وَ بَيْنِكَ وَ أُوصِيكَ بِأَخِيكَ مُحَمَّدٍ خَيْراً فَإِنَّهُ شَقِيقُكَ وَ ابْنُ أَبِيكَ وَ قَدْ تَعْلَمُ حُبِّي لَهُ وَ أَمَّا أَخُوكَ الْحُسَيْنُ فَهُوَ ابْنُ أُمِّكَ وَ لا أَزِيدُ الْوَصَاةَ بِذَلِكَ وَ اللَّهُ الْخَلِيفَةُ عَلَيْكُمْ وَ إِياهُ أَسْأَلُ أَنْ يُصْلِحَكُمْ وَ أَنْ يَكُفَّ الطُّغَاةَ الْبُغَاةَ عَنْكُمْ وَ الصَّبْرَ الصَّبْرَ حَتَّى يَتَوَلَّى اللَّهُ الْأَمْرَ وَ لا قُوَّةَ إِلا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. (۱۰۸ حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: پدرم در هنگام شهادتشان چنین وصیّت فرمودند؛ این وصیّت علی بن ابیطالب علیهما السلام برادر محمّد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پسر عمو و مصاحب او است. اوّلین وصیّت من گواهی به یکتایی خدا و رسالت حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم برگزیده‌ی خداست که به علم خود او را انتخاب نموده و به نمایندگی خویش معیّن کرد. گواهی می‌دهم خداوند مردگان را از قبرها مبعوث می‌کند و اعمال مردم را مورد بازخواست قرار می‌دهد در حالی که از اسرار دلها آگاه است. ای حسن جان، اینک تو را به آنچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مرا به آن سفارش نموده وصیّت می‌کنم که تو شایسته‌ی وصایت هستی. وقتی من از دنیا رفتم مُلازم خانه‌ات باش و بر خطای خویش گریه کن. مبادا دنیا بزرگترین هَمّ و کوشش تو باشد. پسرم به تو سفارش می‌کنم نماز را در اوّل وقت آن بخوان و زکات را در موقعش به اهل آن بپرداز و در بروز شبهات، سکوت اختیار کن و اقتصاد و عدالت را در هنگام خشنودی و خشم رعایت نما. همسایه‌دار و مهمان‌نواز باش و به گرفتاران و مبتلایان رحم کن. ارتباط خویشاوندی را رعایت نما، تهیدستان را دوست بدار و از نشستن با آنها استقبال کن. تواضع فروتنی پیشه کن به درستی که آن شایسته‌ترین نوع عبادت است. آرزو را کوتاه کن و به یاد مرگ باش. در دنیا پارسایی کن چرا که تو در گرو

مرگ و هدف بلا و در کشاکش بیماری‌ها هستی. تو را به ترس از خدا در پنهان و آشکار سفارش می‌کنم. وقتی مقابل با امری از امور آخرت روبرو شدی در سخن و عمل عجله به خرج مده، مشغول آن شو ولی اگر کاری از کارهای دنیا برایت پیش آمد دقّت به خرج بده تا درست صلاحیّت آن را تشخیص دهی. از رفتن به جاهایی که مورد تهمت قرار می‌گیری و به تو بَد گمان می‌شوند، بپرهیز. زیرا همنشین بد، روی شخص اثر می‌گذارد. پسرم عملت را برای خدا انجام بده و از ناسزاگویی دور باش و امر کننده‌ی به کار نیک و بازدارنده‌ی از کار بد باش، با برادران خود در راه خدا برادری کن و اشخاص خوب را برای خویبشان دوست بدار و با فاسق از نظر دینی مدارا کن ولی در قلب دوستش مدار و در عمل نیز با او مخالف باش تا مبادا شبیه او شوی. از نشستن بر سر بازارها و بحث و گفتگو با کسانی که عقل و علم کامل ندارند دوری کن. پسرم در زندگی و عبادت خود میانه‌رو باش. سعی کن عبادتی را که طاقت داری و دشوار بر تو نیست به طور مداوم انجام دهی، خاموشی را از دست نده تا سالم بمانی، برای خودت (حسنات) پیش فرست تا بهره‌اش را ببری. کار نیک را بیاموز تا دانا شوی و همیشه به یاد خدا باش. نسبت به افراد کوچک خانواده و بستگان خود ترّحم داشته باش و بزرگتران را احترام کن. ابتدا از غذایی مورد نیاز خود صدقه بده، سپس میل کن. بر تو باد به روزه به درستی که روزه زکات بدن و سپری (از آتش قیامت) برای روزه‌داران است. با نفس خود مبارزه کن. از همنشین خود بپرهیز و از دشمنت اجتناب کن. از مجالس ذکر و یاد خدا غافل مشو. دعا زیاد کن. پسرم من نصیحتی را از تو فروگذار نکردم اکنون وقت جدایی بین من و تو است. تو را سفارش می‌کنم به برادرت محمّد به درستی که او برادری مهربان و علاقمند به تو است و همچنین پسر پدر تو است و تو می‌دانی که او را دوست می‌دارم و امّا برادرت حسین پسر مادر تو است. لازم نمی‌بینم درباره‌ی او سفارشی کنم. خداوند حافظ و نگهدار شما است. از او می‌خواهم که کار شما را اصلاح نماید. او حافظ شما از شرّ تبهکاران و ستمگران است، پس صبر را پیشه‌ی خود کنید تا خداوند امر و فرمان خود را اجرا کند. عَنْ عَبْدِالرَّحِيم الْقَصِيرِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَاجَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَبْرِ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ: أَمِيرُالْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَدْفُونٌ فِي قَبْرِ نُوحٍ قَالَ قُلْتُ وَ مَنْ نُوحٌ قَالَ نُوحٌ النَّبِيُّ عليه السلام قُلْتُ كَيْفَ صَارَ هَكَذَا فَقَالَ إِنَّ أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ صِدِّيقٌ هَيا اللَّهُ لَهُ مَضْجَعَهُ فِي مَضْجَعِ صِدِّيقٍ يا عَبْدَالرَّحِيم إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله و سلم أَخْبَرَنَا بِمَوْتِهِ وَ بِالْمَوْضِعِ الَّذِى دُفِنَ فِيهِ وَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ حَنُوطاً مِنْ عِنْدِهِ مَعَ حَنُوطِ أَخِيهِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله و سلم وَ أَخْبَرَهُ أَنَّ الْمَلائِكَةَ تُنْزِلُهُ قَبْرَهُ فَلَمَّا قُبِضَ عليه السلام كَانَ فِي مَا أَوْصَى بِهِ ابْنَيْهِ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عليهما السلام إِذْ قَالَ لَهُمَا إِذَا مِتُّ فَغَسِّلانِي وَ حَنِّطَانِي وَاحمِلانِي بِاللَّيْلِ سِرّاً وَ احمِلايا بَنِيَّ بِمُؤَخَّرِ السَّرِيرِ وَاتَّبِعَاهُ فَإِذَا وُضِعَ فَضَعَا وَ ادْفِنَانِي فِي الْقَبْرِ الَّذِى يُوضَعُ السَّرِيرُ عَلَيْهِ وَ ادْفِنَانِي مَعَ مَنْ يُعِينُكُمَا عَلَى دَفْنِي فِي اللَّيْلِ وَ سَوِّياه. (۱۰۹ از عبدالرّحیم قصیر روایت شده که گفت: سؤال کردم از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام از قبر مقدّس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آن حضرت در قبر نوح مدفون شد. پرسیدم: کدام نوح؟ فرمود: نوح پیغمبر علیه السلام. پرسیدم چرا چنین کردند؟ فرمود آن حضرت معصوم و راست گفتار و درست کردار خدا بود، حق سبحانه و تعالی آرامگاه او را در آرامگاه شبیه او مقدّر ساخت. ای عبدالرّحیم! به درستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خبر داد به وقت شهادت آن حضرت و موضع دفن آن حضرت، پس حق سبحانه و تعالی حنوط از نزد خود جهت او فرستاد با حنوط برادرش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و خبر داد که ملائکه قبر آن حضرت را حفر خواهند کرد. چون آن حضرت شهید شد از جمله وصیّت‌هایی که به حسنین علیهما السلام فرمود این بود که چون من به عالم قدس رحلت کنم مرا غسل دهید و حنوط کنید و در شب مرا مخفی برداشته و عقب تابوت را بگیرید و به هر طرف که جلو تابوت برود متابعت نمائید و چون جلو تابوت بر زمین گذاشته شود، بر زمین گذارید و مرا دفن کنید در قبری که تابوت بر بالای آن گذاشته می‌شود و مرا دفن کنید با آن جمعی از انبیاء و ملائکه شما را بر دفن من کمک خواهند نمود و در شب مرا دفن کنید و قبر مرا هموار کنید و علامتی مگذارید.

وصیّت نامه‌ی حضرت فاطمه‌ی زهراء سلام الله علیها

عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: قَالَ أَبُوجَعْفَرٍ علیه السلام أَلا أُقْرِئُکَ وَصِیَّةَ فَاطِمَةَ قَالَ قُلْتُ بَلَی فَأَخْرَجَ حُقّاً أَوْ سَفَطاً فَأَخْرَجَ مِنْهُ کِتَاباً فَقَرَأَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم هَذَا مَا أَوْصَتْ بِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَوْصَتْ بِحَوَائِطِهَا السَّبْعَةِ الْعَوَافِ وَ الدَّلالِ وَ الْبُرْقَةِ وَ الْمَبِیتِ وَ الْحَسْنَی وَ الصَّافِیَةِ وَ مَا لِأُمِّ إِبْرَاهِیمَ إِلَی عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام فَإِنْ مَضَی عَلِیٌّ فَإِلَی الْحَسَنِ فَإِنْ مَضَی الْحَسَنُ فَإِلَی الْحُسَیْنِ فَإِنْ مَضَی الْحُسَیْنُ فَإِلَی الْأَکْبَرِ مِنْ وُلْدِی شَهِدَ اللَّهُ عَلَی ذَلِکَ وَ الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ الزُّبَیْرُ بْنُ الْعَوَّامِ وَ کَتَبَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام. (۱۱۰ از ابی بصیر از امام باقر علیه السلام روایت شده که حضرتش به او فرمود: آیا وصّیت فاطمه سلام الله علیها را برایت بخوانم؟ ابوبصیر گفت: آری. آن حضرت از حُقّه‌ای یا نوشته‌ای بیرون آورد و خواند: بسم الله الرَّحمن الرَّحیم، این وصیّت نامه فاطمه دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای علی بن ابیطالب علیه السلام است: بُستان‌ها و مزرعه‌های هفتگانه‌ام را که عبارتند از: عواف، دَلّال، بُرقه، مَبیت، حَسنی، صافیه و مزرعه امّ ابراهیم همه در اختیار علیست و پس از او در اختیار حسن و سپس حسین و پس از او بزرگترین فرزندانم متولّی آنها خواهند بود. بر این وصیّت نامه مقداد و زبیر را شاهد می‌گیرم. این وصیّت نامه را حضرت علی بن ابیطالب علیهما السلام نوشته‌اند. وَ أَوْصَتْ إِلَی عَلِیٍّ بِثَلاثٍ أَنْ یَتَزَوَّجَ بِابْنَةِ أُخْتِهَا أُمَامَةَ لِحُبِّهَا أَوْلادَهَا وَ أَنْ یَتَّخِذَ نَعْشاً لِأَنَّهَا کَانَتْ رَأَتِ الْمَلائِکَةَ تَصَوَّرُوا صُورَتَهُ وَ وَصَفَتْهُ لَهُ وَ أَنْ لا یَشْهَدَ أَحَدٌ جَنَازَتَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَ أَنْ لا یَتْرُکَ أَنْ یُصَلِّیَ عَلَیْهَا أَحَدٌ مِنْهُم (۱۱۱) حضرت فاطمه سلام الله علیها به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سه وصیّت فرمود: ۱ – با امامه دختر خواهرش ازدواج نماید، زیرا که او فرزندان حضرت زهرا سلام الله علیها را دوست می‌داشت. ۲ – تابوت از برای حضرت فاطمه سلام الله علیها درست کند، زیرا ملائکه صورت تابوت را به حضرت زهرا سلام الله علیها نشان داده بودند و آن بانو اوصاف تابوت را برای حضرت امیر علیه السلام شرح داد. ۳ – احدی از آن افرادی که در حقّ آن بانوی مظلومه، ظلم کرده بودند در تشییع جنازه‌اش حاضر نشوند و بر جنازه‌اش نماز نخوانند. قال الْوَاقِدِیُّ و ابن عَبَّاس وَ غیرهما: أَنَّ فَاطِمَةَ لَمَّا حَضَرَتْهَا الْوَفَاةُ أَوْصَتْ عَلِیّاً أَنْ لا یُصَلِّیَ عَلَیْهَا أَبُوبَکْرٍ وَ عُمَرُ فَعَمِلَ بِوَصِیَّتِهَا. (۱۱۲) واقدی و ابن عبّاس و دیگران روایت کرده‌اند که حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها وصیّت فرمود: ابوبکر و عمر به جنازه‌اش نماز نخوانند، و جنازه‌اش را شبانه به خاک بسپارند. عِیسَی بْنُ مِهْرَانَ ... عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: أَوْصَتْ فَاطِمَةُ أَنْ لا یَعْلَمَ إِذَا مَاتَتْ أَبُوبَکْرٍ وَ لا عُمَرُ وَ لا یُصَلِّیَا عَلَیْهَا. قَالَ فَدَفَنَهَا عَلِیٌّ علیه السلام لَیْلاً وَ لَمْ یُعْلِمْهُمَا بِذَلِک. (۱۱۳ عیسی بن مهران با واسطه از ابن عبّاس نقل می‌کند که حضرت زهرا سلام الله علیها وصیّت فرمود: در شهادت آن حضرت ابابکر و عمر را خبردار نکنند و آنها برایشان نماز نخوانند. راوی گوید حضرت علی علیه السلام حضرت زهرا سلام الله علیها را شبانه دفن کرد وآن دو نفر را در آن هنگام خبر ننمود. قَالَتْ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَیْسٍ أَوْصَتْ إِلَیَّ فَاطِمَةُ أَنْ لا یُغَسِّلَهَا إِذَا مَاتَتْ إِلا أَنَا وَ عَلِیٌّ فَأَعَنْتُ عَلِیّاً عَلی غُسْلِهَا. (۱۱۴) اسماء بنت عمیس گوید حضرت زهرا سلام الله علیها به من وصیّت فرمود: که بعد از شهادتش جز من و حضرت علی علیه السلام کسی ایشان را غسل ندهد پس من حضرتش را در غسل فاطمه سلام الله علیها کمک کردم. رُوِیَ أَنَّهَا أَوْصَتْ عَلِیّاً علیه السلام وَ أَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَیْسٍ أَنْ یُغَسِّلاهَا. (۱۱۵) روایت شده که او (حضرت زهرا سلام الله علیها) وصیّت فرمود که حضرت علی علیه السلام و اسماء بنت عمیس که ایشان را غسل دهند. فَلَمَّا أَصْبَحَ النَّاسُ أَقْبَلَ أَبُوبَکْرٍ وَ عُمَرُ وَ النَّاسُ یُرِیدُونَ الصَّلاةَ عَلَی فَاطِمَةَ سلام الله علیها فَقَالَ الْمِقْدَادُ قَدْ دَفَنَّا فَاطِمَةَ الْبَارِحَةَ فَالْتَفَتَ عُمَرُ إِلَی أَبِی بَکْرٍ فَقَالَ لَمْ أَقُلْ لَکَ إِنَّهُمْ سَیَفْعَلُونَ قَالَ الْعَبَّاسُ إِنَّهَا أَوْصَتْ أَنْ لا تُصَلِّیَا عَلَیْهَا فَقَالَ عُمَرُ لا تَتْرُکُونَ یا بَنِی هَاشِمٍ حَسَدَکُمُ الْقَدِیمَ لَنَا أَبَداً إِنَّ هَذِهِ الضَّغَائِنَ الَّتِی فِی صُدُورِکُمْ لَنْ تَذْهَبَ وَ اللَّهِ لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَنْبُشَهَا فَأُصَلِّیَ عَلَیْهَا فَقَالَ عَلِیٌّ علیه السلام وَاللَّهِ لَوْ رُمْتَ ذَاکَ یا ابْنَ صُهَاکَ لا رَجَعَتْ إِلَیْکَ یَمِینُکَ لَئِنْ سَلَلْتُ سَیْفِی لا غَمَدْتُهُ دُونَ إِزْهَاقِ نَفْسِکَ فَانْکَسَرَ عُمَرُ وَ سَکَتَ وَ عَلِمَ أَنَّ عَلِیّاً علیه السلام إِذَا حَلَفَ صَدَقَ ثُمَّ قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام یا عُمَرُ أَلَسْتَ الَّذِی هَمَّ بِکَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ أَرْسَلَ إِلَیَّ فَجِئْتُ مُتَقَلِّداً سَیْفِی ثُمَّ أَقْبَلْتُ نَحْوَکَ لِأَقْتُلَکَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَلا تَعْجَلْ عَلَیْهِمْ إِنَّما نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا. (۱۱۶) موقعی که صبح شد ابابکر و عمر با مردم مدینه آمدند که بر بدن

حضرت فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها نماز بخوانند. ولی مقداد گفت: حضرت فاطمه سلام الله علیها را شب گذشته به خاک سپردیم. عمر متوجّه ابوبکر شد و گفت: نگفتم: ایشان کار خودشان را خواهند کرد!! عبّاس گفت: فاطمه‌ی اطهر سلام الله علیها خودش وصیّت کرد: شما بر بدنش نماز نخوانید! عمر گفت: ای بنی هاشم! شما آن حسودی را که از قدیم الایّام با ما داشتید هرگز ترک نخواهید کرد، آن کینه و دشمنی‌هایی که در سینه‌ی شما است از بین نخواهد رفت!؟ به خدا قسم من تصمیم دارم که قبر فاطمه را نبش کنم و بر جنازه‌اش نماز بخوانم! حضرت امیر علیه السلام فرمود: ای پسر صهّاک! به خدا قسم اگر یک چنین عملی را انجام دهی قسمی را که خورده‌ای به تو باز می‌گردانم و اگر این شمشیرم را از غلاف بکشم آن را غلاف نمی‌کنم تا اینکه تو را هلاک نمایم. عمر جا خورد و ساکت شد، زیرا می‌دانست علی هر گاه قسم بخورد طبق قسم خود عمل خواهد کرد. آنگاه به وی فرمود: آیا تو آن کسی نیستی که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم تصمیم گرفت تو را بکُشد، آن حضرت به دنبال من فرستاد، من با شمشیر کشیده نزد تو آمدم که تو را به قتل برسانم و خدای علیم این آیه را نازل کرد: بر علیه آنان عجله منمای، زیرا ما آنچه را که باید برای آنان آماده کنیم آماده کرده‌ایم. عنِ ابْنِ الْبَطَائِنِیِّ عَنْ أَبِیهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَاعَبْدِاللَّهِ علیه السلام لِأَیِّ عِلَّهٍ دُفِنَتْ فَاطِمَهُ سلام الله علیها بِاللَّیْلِ وَ لَمْ تُدْفَنْ بِالنَّهَارِ قَالَ لِأَنَّهَا أَوْصَتْ أَنْ لا یُصَلِّیَ عَلَیْهَا الرَّجُلانِ الْأَعْرَابِیانِ. (۱۱۷) در علل الشرائع از بطائنی روایت شده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام جویا شدم که: برای چه حضرت زهرا سلام الله علیها شبانه دفن شد و او را روز به خاک نسپردند؟ فرمود: به علّت اینکه آن دو نفر مرد اعرابی - ابوبکر و عمر - به جنازه‌اش نماز نگزارند. فَکَشَفَ عَلِیٌّ عَنْ وَجْهِهَا فَإِذَا بِرُقْعَهٍ عِنْدَ رَأْسِهَا فَنَظَرَ فِیهَا فَإِذَا فِیهَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ هَذَا مَا أَوْصَتْ بِهِ فَاطِمَهُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَوْصَتْ وَ هِیَ تَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ الْجَنَّهَ حَقٌّ وَ أَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَهَ آتِیَهٌ لا رَیْبَ فِیها وَ أَنَّ اللَّهَ یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ یا عَلِیُّ أَنَا فَاطِمَهُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ زَوَّجَنِیَ اللَّهُ مِنْکَ لِأَکُونَ لَکَ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ أَنْتَ أَوْلَی بِی مِنْ غَیْرِی حَنِّطْنِی وَ غَسِّلْنِی وَ کَفِّنِّی بِاللَّیْلِ وَ صَلِّ عَلَیَّ وَ ادْفِنِّی بِاللَّیْلِ وَ لا تُعْلِمْ أَحَداً وَ أَسْتَوْدِعُکَ اللَّهَ وَ أَقْرَأُ عَلَی وُلْدِیَ السَّلامَ إِلَی یَوْمِ الْقِیامَهِ. (۱۱۸) آنگاه حضرت علی بن ابیطالب علیهما السلام صورت مبارک فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها را باز کرد. رُقعه‌ای نزد سر آن بانوی معظّمه یافت که در آن نوشته بود: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ * این وصیّتیست که فاطمه دختر پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم کرده، فاطمه شهادت می‌دهد خدایی جز خدای یگانه وجود ندارد، حضرت محمّد بنده و پیامبر خدا می‌باشد. بهشت بر حق و دوزخ بر حق است، قیامت خواهد آمد و شکّی در آن نخواهد بود، خدا کلیّه‌ی افرادی را که در قبرها مدفونند برانگیخته خواهد کرد. یا علی! من فاطمه دختر حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشم. خدا مرا در دنیا و آخرت برای تو تزویج نمود. یا علی! تو از دیگران برای (غسل و کفن) من مقدّم هستی، مرا حنوط کن غسل بده، شبانه مرا دفن کن، شبانه بر بدنم نماز بگذار، شبانه به خاکم بسپار، احدی را از فوت من آگاه منمای، من تو را به خدا می‌سپارم و تا روز قیامت به فرزندانم سلام می‌رسانم. عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ فَاطِمَهَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم مَکَثَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم سِتِّینَ یَوْماً ثُمَّ مَرِضَتْ فَاشْتَدَّتْ عَلَیْهَا فَکَانَ مِنْ دُعَائِهَا فِی شَکْوَاهَا یا حَیُّ یا قَیُّومُ بِرَحْمَتِکَ أَسْتَغِیثُ فَأَغِثْنِی اللَّهُمَّ زَحْزِحْنِی عَنِ النَّارِ وَ أَدْخِلْنِی الْجَنَّهَ وَ أَلْحِقْنِی بِأَبِی مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم فَکَانَ أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ علیه السلام یَقُولُ لَهَا یُعَافِیکِ اللَّهُ وَ یُبْقِیکِ فَتَقُولُ یا أَبَاالْحَسَنِ مَا أَسْرَعَ اللَّحَاقَ بِاللَّهِ وَ أَوْصَتْ بِصَدَقَتِهَا وَ مَتَاعِ الْبَیْتِ وَ أَوْصَتْهُ أَنْ یَتَزَوَّجَ أُمَامَهَ بِنْتَ أَبِی الْعَاصِ وَ قَالَتْ بِنْتَ أُخْتِی وَ تَحَنَّنُ عَلَی وُلْدِی قَالَ وَ دَفَنَهَا لَیْلًا. (۱۱۹) از امام محمّد باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: فاطمه‌ی اطهر سلام الله علیها بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مدّت شصت روز زنده بود، هنگامی که بیماری آن بانو شدید شد، در دعای خود فرمود: یا حَیُّ یا قَیُّوم، به رحمت تو چنگ می‌زنم پس به فریادم برس! خداوندا، مرا از آتش رهایی بخش و در بهشت داخل فرما و به پدرم محمّد صلی الله علیه و آله و سلم ملحق نما! حضرت امیر علیه السلام به ایشان می‌فرمود: خدا تو را عافیت می‌دهد و باقی می‌دارد. فاطمه‌ی اطهر سلام الله علیها عرض کرد: ای اباالحسن! من به سرعت به سوی خداوند می‌روم، آنگاه راجع به صدقه‌ها و اثاث خانه وصیّت نمود، و

نیز وصیّت کرد که امیرالمؤمنین علیه السلام با اَمامه که دختر خواهرش بود ازدواج کند که با فرزندانش مهربانی می‌نماید. سپس آن حضرت را شبانه دفن کرد. وَ مِنْهُ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ: قَالَ: أَوْصَتْ فَاطِمَةُ سلام الله علیها أَنْ لا یُصَلِّیَ عَلَیْهَا أَبُوبَکْرٍ وَ لا عُمَرُ فَلَمَّا تُوُفِّیَتْ أَتَاهُ الْعَبَّاسُ فَقَالَ مَا تُرِیدُ أَنْ تَصْنَعَ قَالَ أُخْرِجُهَا لَیْلاً قَالَ فَذَکَرَ کَلِمَةً خَوَّفَهُ بِهَا الْعَبَّاسُ مِنْهُمَا قَالَ فَأَخْرَجَهَا لَیْلاً فَدَفَنَهَا وَ رَشَّ الْمَاءَ عَلَی قَبْرِهَا قَالَ فَلَمَّا صَلَّی أَبُوبَکْرٍ الْفَجْرَ الْتَفَتَ إِلَی النَّاسِ فَقَالَ احْضُرُوا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَقَدْ تُوُفِّیَتْ فِی هَذِهِ اللَّیْلَةِ قَالَ فَذَهَبَ لِیَحْضُرَهَا فَإِذَا عَلِیٌّ قَدْ خَرَجَ بِهَا وَ دَفَنَهَا وَ مَضَی فَاسْتَقْبَلَ عَلِیّاً رَاجِعاً فَقَالَ لَهُ هَذَا مِثْلُ اسْتِیثَارِکَ عَلَیْنَا بِغُسْلِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَحْدَکَ فَقَالَ أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ علیه السلام هِیَ وَ اللَّهِ أَوْصَتْنِی أَنْ لا تُصَلِّیَا عَلَیْهَا. (۱۲۰) (روایت) از اوست از جعفر بن محمّد علیهما السلام از قول پدرانشان: که فرمود: وصیّت نمود فاطمه سلام الله علیها بر اینکه ابوبکر و عمر بر او نماز نخوانند. پس هنگامی که از دنیا رفت عبّاس به نزد او آمد و گفت: چه تصمیمی داری فرمود: شبانه خارجش می کنم (شبانه جنازه‌اش را برمی دارم) امام صادق علیه السلام فرمود: پس عبّاس جمله‌ای گفت که آن حضرت را با آن کلمه ترساند (خواست بر حذر دارد) حضرت فرمود: شبانه (حضرت امیر علیه السلام) جنازه را برداشت و به خاک سپرد و آب بر قبر او پاشید. پس هنگامی که ابوبکر نماز صبح را خواند به مردم رو کرد و گفت: حاضر شوید، زیرا دختر پیامبر در شب گذشته از دنیا رفت، پس آماده‌ی تشییع شوید. ناگاه متوجّه شد که حضرت علی علیه السلام او را تشییع و دفن نموده‌ست و حرکت نمود (ابوبکر) و علی را در راه بازگشت ملاقات نمود. پس گفت: این نیز مانند به تنهایی غسل دادن پیامبر می‌باشد که ما را به حساب نیاوردی پس امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: خود او (حضرت زهرا سلام الله علیها) به خدا قسم به من وصیّت فرمود که شما دو نفر بر جنازه‌ی او نماز نخوانید. مِصْبَاحُ الْأَنْوَارِ، عَنْ مَرْوَانَ الْأَصْفَرِ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم حِینَ ثَقُلَتْ فِی مَرَضِهَا أَوْصَتْ عَلِیّاً علیه السلام فَقَالَتْ إِنِّی أُوصِیکَ أَنْ لا یَلِیَ غُسْلِی وَ کَفْنِی سِوَاکَ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَتْ وَ أُوصِیکَ أَنْ تَدْفِنَنِی وَ لا تُؤْذِنَ بِی أَحَداً. (۱۲۱) مصباحُ الانوار از مروان اصفر نقل می کند که هنگامی که بیماری فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سخت شد وصیّت فرمود به حضرت علی علیه السلام ، پس فرمود: من به شما وصیّت می کنم که غسل ندهد و کفن نکند مرا کسی غیر از شما فرمود: آری (چنین می کنم)، سپس (حضرت زهرا سلام الله علیها) فرمود: وصیّت می کنم که مرا خود شما دفن کنید و به کسی اجازه‌ی (حضورِ در تشییع) مرا ندهی. وَ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ أَوْصَتْ إِلَیَّ فَاطِمَةُ أَنْ لا یُغَسِّلَهَا غَیْرِی وَ سَکَبَتْ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَیْسٍ. (۱۲۲) و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که فرمود: فاطمه سلام الله علیها به من وصیّت نمود که غیر از من، کسی او را غسل ندهد و (هنگام غسل) اسماء بنت عمیس آب می‌ریخت. مِصْبَاحُ الْأَنْوَارِ، عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ عَنْ آبَائِهِ: قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ سلام الله علیها لَمَّا احْتُضِرَتْ أَوْصَتْ عَلِیّاً علیه السلام فَقَالَتْ إِذَا أَنَا مِتُّ فَتَوَلَّ أَنْتَ غُسْلِی وَ جَهِّزْنِی وَ صَلِّ عَلَیَّ وَ أَنْزِلْنِی قَبْرِی وَ أَلْحِدْنِی وَ سَوِّ التُّرَابَ عَلَیَّ وَ اجْلِسْ عِنْدَ رَأْسِی قُبَالَةَ وَجْهِی فَأَکْثِرْ مِنْ تِلاوَةِ الْقُرْآنِ وَ الدُّعَاءِ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ یَحْتَاجُ الْمَیِّتُ فِیهَا إِلَی أُنْسِ الْأَحْیَاءِ وَ أَنَا أَسْتَوْدِعُکَ اللَّهَ تَعَالَی وَ أُوصِیکَ فِی وُلْدِی خَیْراً ثُمَّ ضَمَّتْ إِلَیْهَا أُمَّ کُلْثُومٍ فَقَالَتْ لَهُ إِذَا بَلَغَتْ فَلَهَا مَا فِی الْمَنْزِلِ ثُمَّ اللَّهُ لَهَا فَلَمَّا تُوُفِّیَتْ فَعَلَ ذَلِکَ أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ دَفَنَهَا لَیْلاً فِی دَارِ عَقِیلٍ فِی الزَّاوِیَةِ الثَّالِثَةِ مِنْ صَدْرِ الدَّارِ. (۱۲۳) مصباحُ الانوار از امام صادق علیه السلام از پدرانشان: نقل شده که فرمود وقتی حضرت فاطمه سلام الله علیها محتضر شد به حضرت علی علیه السلام چنین وصیّت فرمود: هنگامی که از دنیا رفتم شما غسل و کفن مرا به عهده بگیر و بر من نماز بخوان و مرا داخل قبر بگذار و در لحد جای بده و خاک را به روی من بریز و نزد سر من روبروی صورتم بنشین و زیاد تلاوت قرآن بکن و دعا بخوان، زیرا (این زمان) ساعتیست که میّت احتیاج به اُنس با اَحیا و زندگان دارد و من تو را به خدا می‌سپارم و در مورد فرزندانم وصیّت می کنم که به نیکی با آنها رفتار نمایی سپس امّ کلثوم را به بر گرفت و به ایشان (یعنی حضرت علی علیه السلام) عرض کرد: هنگامی که به سنّ رشد رسید پس آنچه در منزل است برای او می‌باشد، سپس خدا برای او باشد (یعنی خدا کفیل اوست). پس هنگامی که به شهادت رسید، وصیّتش را حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام عمل کرد و شبانه ایشان را در خانه‌ی عقیل، در زاویه‌ی سوّم از قسمت

بالای سر منزل (شاه نشین) به خاک سپرد.

وصیّت نامه‌ی حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام

عَنْ أَبِی صَالِحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: دَخَلَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ علیهما السلام عَلَی أَخِیهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام فِی مَرَضِهِ الَّذِی تُوُفِّیَ فِیهِ فَقَالَ لَهُ کَیْفَ تَجِدُکَ یا أَخِی قَالَ: أَجِدُنِی فِی أَوَّلِ یَوْمٍ مِنْ أَیامِ الْآخِرَهْ وَ آخِرِ یَوْمٍ مِنْ أَیامِ الدُّنْیا وَ اعْلَمْ أَنِّی لا أَسْبِقُ أَجَلِی وَ إِنِّی وَارِدٌ عَلَی أَبِی وَ جَدِّی علیهما السلام عَلَی کُرْهٍ مِنِّی لِفِرَاقِکَ وَ فِرَاقِ إِخْوَتِکَ وَ فِرَاقِ الْأَحِبَّهْ وَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ مَقَالَتِی هَذِهِ وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ بَلْ عَلَی مَحَبَّهْ مِنِّی لِلِقَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام وَ أُمِّی فَاطِمَهَْ وَ حَمْزَهَْ وَ جَعْفَرٍ وَ فِی اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ خَلَفٌ مِنْ کُلِّ هَالِکٍ وَ عَزَاءٌ مِنْ کُلِّ مُصِیبَهٍْ وَ دَرَکٌ مِنْ کُلِّ مَا فَاتَ رَأَیْتُ یا أَخِی کَبِدِی فِی الطَّشْتِ وَ لَقَدْ عَرَفْتُ مَنْ دَهَا بِی وَ مِنْ أَیْنَ أُتِیتُ فَمَا أَنْتَ صَانِعٌ بِهِ یا أَخِی فَقَالَ الْحُسَیْنُ علیه السلام أَقْتُلُهُ وَاللَّهِ قَالَ فَلا أُخْبِرُکَ بِهِ أَبَداً حَتَّی نَلْقَی رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ لَکِنِ اکْتُبْ یا أَخِی هَذَا مَا أَوْصَی بِهِ الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ إِلَی أَخِیهِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ أَوْصَی أَنَّهُ یَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَ أَنَّهُ یَعْبُدُهُ حَقَّ عِبَادَتِهِ لا شَرِیکَ لَهُ فِی الْمُلْکِ وَ لا وَلِیَّ لَهُ مِنَ الذُّلِّ وَ أَنَّهُ خَلَقَ کُلَّ شَیْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِیراً وَ أَنَّهُ أَوْلَی مَنْ عُبِدَ وَ أَحَقُّ مَنْ حُمِدَ مَنْ أَطَاعَهُ رَشَدَ وَ مَنْ عَصَاهُ غَوَی وَ مَنْ تَابَ إِلَیْهِ اهْتَدَی فَإِنِّی أُوصِیکَ یا حُسَیْنُ بِمَنْ خَلَّفْتُ مِنْ أَهْلِی وَ وُلْدِی وَ أَهْلِ بَیْتِکَ أَنْ تَصْفَحَ عَنْ مُسِیئِهِمْ وَ تَقْبَلَ مِنْ مُحْسِنِهِمْ وَ تَکُونَ لَهُمْ خَلَفاً وَ وَالِداً وَ إِنْ تَدْفِنِّی مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَإِنِّی أَحَقُّ بِهِ وَ بِبَیْتِهِ مِمَّنْ أُدْخِلَ بَیْتَهُ بِغَیْرِ إِذْنِهِ وَ لا کِتَابَ جَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِهِ قَالَ اللَّهُ فِیمَا أَنْزَلَهُ عَلَی نَبِیِّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فِی کِتَابِهِ «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ إِلا أَنْ یُؤْذَنَ لَکُمْ» (۱۲۴) فَوَاللَّهِ مَا أَذِنَ لَهُمْ فِی الدُّخُولِ عَلَیْهِ فِی حَیاتِهِ بِغَیْرِ إِذْنِهِ وَ لا جَاءَهُمُ الْإِذْنُ فِی ذَلِکَ مِنْ بَعْدِ وَفَاتِهِ وَ نَحْنُ مَأْذُونٌ لَنَا فِی التَّصَرُّفِ فِیمَا وَرِثْنَاهُ مِنْ بَعْدِهِ فَإِنْ أَبَتْ عَلَیْکَ الِامْرَأَهُْ فَأَنْشُدُکَ اللَّهَ بِالْقَرَابَهِْ الَّتِی قَرُبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْکَ وَ الرَّحِمِ الْمَاسَّهِْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَنْ تُهَرِیقَ فِیَّ مِحْجَمَهًْ مِنْ دَمٍ حَتَّی نَلْقَی رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَنَخْتَصِمَ إِلَیْهِ وَ نُخْبِرَهُ بِمَا کَانَ مِنَ النَّاسِ إِلَیْنَا بَعْدَهُ ثُمَّ قُبِضَ علیه السلام. (۱۲۵) در کتاب امالی، شیخ طوسی رحمه الله علیه روایت می‌کند که امام حسین علیه السلام در آن بیماری که منجر به شهادت برادرشان شد نزد حضرتش آمد و به آن حضرت فرمود: حال خود را چگونه می‌بینی؟ فرمود: خود را در اوّلین روز آخرت و آخرین روز دنیا می‌بینم. بدان که من بر اجل خود سبقت نخواهم گرفت. بر پدر و جدّم وارد می‌شوم در حالی که فراق تو و برادران تو و محبّین را دوست ندارم. آنگاه فرمود: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَیْهِ از این سخنی که گفتم. بلکه محبّت ملاقات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، پدرم علی بن ابیطالب علیهما السلام، مادرم زهرا سلام الله علیها، حمزه و جعفر را دارم. خدا جبران هر هلاک شده را می‌کند و به هر مصیبتی تعزیت می‌گوید و هر فوت شده‌ای را درک می‌نماید. ای برادر! من جگر خود را در میان طشت دیده‌ام و من می‌دانم چه کسی این عمل را با من انجام داده و از کجا آمده. ای برادر! تو با او چه خواهی کرد؟ امام حسین علیه السلام فرمود: به خدا که او را خواهم کشت. فرمود: من تو را از او آگاه نخواهم کرد تا اینکه پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دیدار نمایم. ای حسینم! اکنون وصّیت نامه‌ی مرا بنویس: این وصّیت نامه‌ی حسن بن علیست که برای برادرش حسین نوشته. وصّیت حسن این است که به یگانگی خدا شهادت می‌دهد، خدا را آن طور که باید و شاید عبادت می‌کند، خدا در سلطنت خود شریک ندارد، دوستی از لحاظ ذلّت ندارد، خداست که هر چیزی را آفریده و آن را به نحو مخصوصی اندازه‌گیری کرده خدا برای اینکه مورد پرستش و سپاسگزاری قرار بگیرد از هر کسی سزاوارتر است، کسی که خدا را مطیع باشد هدایت می‌شود، کسی که خدا را معصیت نماید گمراه خواهد شد، کسی که به سوی او بازگردد هدایت می‌شود. ای حسینم! من درباره‌ی اهل بیت خود و فرزندانم و اهل بیت تو، به تو سفارش می‌کنم که از بدرفتاری آنان درگذری و نیکوکاری آنان را بپذیری و برای ایشان چون پدری باشی، مرا نزد پیغمبر اکرم دفن کن، زیرا من به آن حضرت و خانه‌اش از آن افرادی که بدون اجازه آن حضرت وارد خانه‌اش

شدنـد، سزاوارترم. چون که بعـد از آن بزرگوار کتابی برای آنان نازل نشـده. خـدا در قرآن مجیـد می‌فرمایـد: ای افرادی که ایمان آورده‌ایـد! بـدون اجازه داخل خانه‌های پیغمبر نشویـد! به خـدا قسم آنان در زمان حیات پیامبر خـدا مجاز نبودنـد بدون اجازه داخل خانه‌های آن بزرگوار شوند و بعد از فوت هم یک چنین اجازه‌ای برای ایشان نیامده است. ولی ما چون وارث پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشیم بعد از آن حضرت، حق تصرّف داریم. ولی اگر آن زن (یعنی عایشه) مانع تو شود تو را به حقّ خدا و آن قرابتی که خـدا بـا رسول خودش برای تو قرار داده قسم می‌دهم که مبـادا به خـاطر من حتّی به قـدر یک ظرف حجامت خون ریخته شود، تا اینکه پیامبر خدا را ملاقات نمائیم و راجع به آن ظلم و ستمی که بعد از آن حضـرت مردم به ما کردند مخاصمه کنیم و آن بزرگوار را آگاه نمائیم. این بفرمود و شهید شد.

وصیّت نامه‌ی امام حسین علیه السلام به محمّد بن حنفیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ هَذَا مَا أَوْصَی بِهِ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ إِلَی أَخِیهِ مُحَمَّدٍ الْمَعْرُوفِ بِابْنِ الْحَنَفِیَّةِ أَنَّ الْحُسَیْنَ یَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ الْحَقِّ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِیَةٌ لا رَیْبَ فِیهَا وَ أَنَّ اللَّهَ یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ وَ أَنِّی لَمْ أَخْرُجْ أَشِراً وَ لا بَطِراً وَ لا مُفْسِداً وَ لا ظَالِماً وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلاحِ فِی أُمَّةِ جَدِّی صلی الله علیه و آله و سلم أُرِیدُ أَنْ آمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَی عَنِ الْمُنْکَرِ وَ أَسِیرَ بِسِیرَةِ جَدِّی وَ أَبِی عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام فَمَنْ قَبِلَنِی بِقَبُولِ الْحَقِّ فَاللَّهُ أَوْلَی بِالْحَقِّ وَ مَنْ رَدَّ عَلَیَّ هَذَا أَصْبِرُ حَتَّی یَقْضِیَ اللَّهُ بَیْنِی وَ بَیْنَ الْقَوْمِ بِالْحَقِّ وَ هُوَ خَیْرُ الْحَاکِمِینَ وَ هَذِهِ وَصِیَّتِی یَا أَخِی إِلَیْکَ وَ مَا تَوْفِیقِی إِلا بِاللَّهِ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ إِلَیْهِ أُنِیبُ (۱۲۶) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ این وصیّت نامه‌ایست که حسین بن علی بن ابیطالب: برای برادرش محمّـد بن حنفیه نوشت: حسین شهادت می‌دهـد خدا یکیست و شریکی ندارد. حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم عبـد و رسول خـدا می‌باشـد که حق را، از طرف حق آورد، بهشت و جهنّم بر حق هستند، قیامت خواهد آمـد و شکّی در آن نیست، خـدای توانا تمام افراد را از درون قبرها مبعوث می‌نمایـد، من برای سرکشی و عداوت و فساد کردن و ظلم نمودن از مـدینه خارج نشـدم. بلکه، من به منظور ایجاد صلح و سازش در میان امّت جـدّم خارج شـدم، من در نظر دارم امر به معروف و نهی از منکر نمایم. من می‌خواهم مطابق سیره‌ی جدّم رسول خدا و پدرم علی بن ابیطالب علیهما السلام رفتار نمایم. کسی که مرا به خاطر اینکه حق می‌گویم قبول کند او به حق سزاوارتر است و کسی که دست رَدّ به سینه‌ی من بگذارد من صبر می‌کنم تا خدا که بهترین حکم‌کنندگان است بین من و او داوری نماید. ای برادرم! این وصیّتیست که من برای تو کردم. توفیق من جز با خدا نیست من به خدا توکّل می‌کنم و به سوی او انابه می‌نمایم.

وصیّت نامه‌ی حضرت امام محمّد باقر علیه السلام

عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ قَالَ: کَانَ فِیمَا أَوْصَی بِهِ إِلَیَّ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ علیهما السلام أَنَّهُ قَالَ یَا بُنَیَّ إِذَا أَنَا مِتُّ فَلا یَلِی غُسْلِی غَیْرُکَ فَإِنَّ الْإِمَامَ لا یُغَسِّلُهُ إِلا إِمَامٌ بَعْدَهُ وَ اعْلَمْ أَنَّ عَبْدَاللَّهِ أَخَاکَ سَیَدْعُو النَّاسَ إِلَی نَفْسِهِ فَامْنَعْهُ فَإِنْ أَبَی فَإِنَّ عُمُرَهُ قَصِیرٌ وَ قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام فَلَمَّا مَضَی أَبِی ادَّعَی عَبْدُاللَّهِ الْإِمَامَةَ فَلَمْ أُنَازِعْهُ فَلَمْ یَلْبَثْ إِلا شُهُوراً یَسِیرَةً حَتَّی قَضَی نَحْبَهُ. (۱۲۷ حضرت امام باقر علیه السلام فرمود: از جمله وصایایی که پدرم علی بن الحسین علیهما السلام به من فرمود این بود که پسر جان وقتی من از دنیا رفتم کسی جز تو مرا غسل ندهـد زیرا امام را جز امام غسل نمی‌دهـد. بـدان که برادرت عبدالله ادّعای مقام تو را خواهد نمود او را از این کار باز دار، اگر قبول نکرد چیزی عمر نخواهد کرد. حضرت باقر علیه السلام فرمود: پس از شهادت پدرم، عبدالله ادّعای امامت کرد من با او نزاع نکردم چند ماه بیشتر زندگی نکرد و از دنیا رفت.

وصیّت نامه‌ی حضرت امام جواد علیه السلام

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ الْوَاسِطِیِّ سَمِعَ أَحْمَدُ بْنُ أَبِی خَالِدٍ مَوْلَی أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام یَحْکِی أَنَّهُ أَشْهَدَهُ عَلَی هَذِهِ الْوَصِیَّهِٔ الْمَنْسُوخَهِٔ شَهِدَ أَحْمَدُ بْنُ أَبِی خَالِدٍ مَوْلَی أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام أَنَّ أَبَاجَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ: أَشْهَدَهُ أَنَّهُ أَوْصَی إِلَی عَلِیٍّ ابْنِهِ بِنَفْسِهِ وَ أَخَوَاتِهِ وَ جَعَلَ أَمْرَ مُوسَی إِذَا بَلَغَ إِلَیْهِ وَ جَعَلَ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الْمُسَاوِرِ قَائِماً عَلَی تَرِکَتِهِ مِنَ الضِّیَاعِ وَ الْأَمْوَالِ وَ النَّفَقَاتِ وَ الرَّقِیقِ وَ غَیْرِ ذَلِکَ إِلَی أَنْ یَبْلُغَ عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ صَیَّرَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُسَاوِرِ ذَلِکَ الْیَوْمَ إِلَیْهِ یَقُومُ بِأَمْرِ نَفْسِهِ وَ أَخَوَاتِهِ وَ یُصَیِّرُ أَمْرَ مُوسَی إِلَیْهِ یَقُومُ لِنَفْسِهِ بَعْدَهُمَا عَلَی شَرْطِ أَبِیهِمَا فِی صَدَقَاتِهِ الَّتِی تَصَدَّقَ بِهَا وَ ذَلِکَ یَوْمُ الْأَحَدِ لِثَلَاثِ لَیَالٍ خَلَوْنَ مِنْ ذِی الْحِجَّهِٔ سَنَهَٔ عِشْرِینَ وَ مِائَتَیْنِ وَ کَتَبَ أَحْمَدُ بْنُ أَبِی خَالِدٍ شَهَادَتَهُ بِخَطِّهِ وَ شَهِدَ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ وَ هُوَ الْجَوَّانِیُّ عَلَی مِثْلِ شَهَادَهِٔ أَحْمَدَ بْنِ أَبِی خَالِدٍ فِی صَدْرِ هَذَا الْکِتَابِ وَ کَتَبَ شَهَادَتَهُ بِیَدِهِ وَ شَهِدَ نَصْرٌ الْخَادِمُ وَ کَتَبَ شَهَادَتَهُ بِیَدِهِ (۱۲۸) محمّد بن حسین واسطی گفت: از احمد بن ابی خالد غلام حضرت جواد علیه السلام شنیدم که می‌گفت امام جواد علیه السلام مرا گواه بر این وصّیت گرفت. گواهست احمد بن ابی خالد غلام حضرت ابوجعفر جواد علیه السلام بر اینکه ابوجعفر محمّد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب: مرا گواه گرفت که وصیّ خود حضرت امام علی النقی علیه السلام را تعیین نمود و او را سرپرست خواهران خویش قرار داد و اختیار موسی را به او سپرد وقتی بالغ شد. عبداللَّه بن مُساور را متصدّی اموال و املاک و غلام و کنیز خویش قرار داد تا وقتی علی بن محمّد بالغ شود. وقتی بالغ شد عبداللَّه بن مُساور باید از او اطاعت کند و اموال را در اختیار ایشان خواهد گذاشت که ایشان اختیاردار خواهران خویش خواهد بود ولی موسی وقتی بالغ شد کارهایش به خودش واگذار می‌شود. در مورد صدقات ابن مُساور همان دستوراتی که به او داده‌اند، انجام خواهد داد. این جریان در روز یکشنبه سوّم ذیحجه‌ی سال ۲۲۰ هجری بود. احمد بن ابی خالد شهادت را با خطّ خود نوشت. حسن بن محمّد بن عبد اللَّه بن حسن بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب نیز همان شهادت احمد بن ابی خالد را داد و شهادت خود را به خطّ خویش نوشت. نصر خادم نیز همین شهادت را داد و به خطّ خود نوشت. (توضیح) اینکه در وصّیت قید می‌کند امام علیه السلام پس از بلوغ متصدّی اموال و ثروت آن جناب شود ممکن است به واسطه‌ی تقیّه از مخالفین چنین قیدی را نموده باشد و کار را قبل از بلوغ به عبداللَّه بن مُساور بسپارد تا قاضی‌های آنها نتوانند ایرادی بگیرند.

دو نمونه از وصایای دیگران

پندنامه‌ی یحیویّه (۱۲۹)

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم * یا یَحْیی خُذِ الْکِتابَ بِقُوَّهٍٔ وَ آتَیْناهُ الْحُکْمَ صَبِیًّا». (۱۳۰ نیم شبی در لشکرگاه سلطانیّه که قبّه‌ی درگاه خدیو (۱۳۱) گردون خدم و خسرو ستاره حشم، سلطان سلاطین جهان، ناصر الملّهٔ و الدّنیا و الدّین، خَلَّدَهُ اللهُ مُلکَهُ وَ سُلْطانَه، از بسیط خاک به قبّه‌ی افلاک رسیده، جمهور طبقات چاکران و قاطبه‌ی طوایف بندگان (۱۳۲) در سایه‌ی عاطفت پادشاه جهان (۱۳۳) پهلو بر بستر راحت نهاده و جز من که از تُرکتازی (۱۳۴) لشکر بیماری، رخت خواب از دیدگانم به غارت رفته جملگی با بخت بیدار خفته بودند، همه آرام گرفتند و شب از نیمه گذشت. آنکه در خواب نشد چشم من و پروین است در چنین حالتی به هر طرف نظر کردم جز ناله و اندوه، یاری و جز ضعف و ناتوانی، پرستاری در کنار خود ندیدم. همه با آه و ناله بودم جفت همه با رنج و غصّه بودم یار و چون نیک به حال خود نگریستم از استیلاء مرض بر مزاج، به یقین دانستم که نوبت عمر به پایان رسیده و بسی برنیاید که مدّبره‌ی بدن (۱۳۵) یکباره دست از تصرّف باز دارد و آرزوهای مرا در کار تو به نومیدی و حرمان بدل نماید، پس صواب چنان دیدم که کلماتی چند بر سبیل پند، تو را به یادگار نویسم، تا اگر خدا خواهد چون به مقام رشد و تمیز رسی پند پدر

به کار بندی تا از عمر و زندگی برخوردار شوی. پس نخستین پند من تو را این است که زنهار با گروهی که از خدا دورند نزدیکی مکن و بـا اراذل و فرومایگـان همنشـینی مگزین که صـحبت این جماعت عافیت نـدارد و در انـدک روزگاری فساد دین و دنیا آرد. همنشـین تو از تو به باید تا تو را عقل و دین بیفزاید پس بر آن باش که جز با خداوندگان دانش (۱۳۶) به سر نبری و عمر گرامی را در کارهای باطل و عمل‌های بی‌حاصل صرف نکنی. پیوسته همّت خود را بر کارهای بزرگ بگمار و دل بر آن محکم و قوی دار تا طبیعت تو بـدان خو کند و به پستی و سـستی نگراید. تا توانی دست کرم بگشا که «کریم فقیر به از بخیل غنی است» و زنهار از بخل و امساک (۱۳۷) بر حـذر بـاش که در دو جهان تیره بختی و خیره رویی (۱۳۸) آرد و بایـد که داده و احسـان خود را به اظهار منّت ضـایع و نـاچیز نگردانی. شـیرین زبـان و خوش گفتـار بـاش و ملایمت سـخن را همه وقت رعایت کن. و در ایجاز (۱۳۹) و اختصار کلام بکوش که از اطناب (۱۴۰) و تطویل (۱۴۱) شـنونده را ملال خیزد و تو نیز به خیره سُرایی و هرزه‌درایی مشهور گردی. از ادای الفاظ مغلقه (۱۴۲) و عبارات غیر مأنوسه (۱۴۳) کناره جوی که سُخره (۱۴۴) مردم نشوی، اگر چه هزل و طیبت (۱۴۵) از خصایص جهّال است ولکن غالب این است که مردمان، ساده سـخن را مکروه شـمارند پس تو باید در فنون سـخن تبحّر داشـته باشی تا در هر محفلی به مناسـبت مقام و در خور طباع (۱۴۶) سخن گویی (۱۴۷) و بر تو باد که در تحصـیل علوم ادبیّه جهـد وافی (۱۴۸) به عمل آوری و اگر از علوم بهره نیـابی، زنهـار به محض تقلیـد به ادای الفـاظ و امثـال عربیّه مبـادرت مکن که ادای آن الفاظ از زبان مردم بی‌سواد به درستی جـاری نمی‌شود و چون به درستی جـاری نشود، موجب سـخریّه و اسـتهزاء گردد. در حسن خط بکوش که زینت ظـاهر را نیکو پیرایه‌ای است. در اقـدام به کارها پس از ملاحظه‌ی صـلاح و فساد آن درنگ مکن و کار امروز را به فردا باز مگـذار. اگر تو را دشـمنی افتـد، هر گاه بـدانی که صـلح را طالب است با او به جنگ و خصومت اقدام مکن؛ بر آن باش تا جنگ باز افکنی اگر چه بدانی کشان بشـکنی (۱۴۹) وگر جست بایـد به ناچار جنگ هنر بایـد آنجا و لختی درنگ (۱۵۰) و چون به یقین بـدانی که سر به صلح و دوستی فرو نارد، تو نیز در صلح مکوب و در دفع او درنگ مکن که درنگ کردن در کار، خصم را بر تو چیره کند و او را بر مکاید (۱۵۱) و تدابیر تو آگاه گرداند. و همچنین است حال تسـخیر قلعه یاغی چندان که بی‌ضـرورتی تصـرّف آن به تأخیر افتد، تسخیر آن دشوار است و به آسانی مطلب برنیاید و لشکری را هم بدین واسطه، خاطر کوفته و آزرده گردد و خوف و هراس از دشـمن زائـل شود. اگر چه در هر حـال جز به راهنمـایی و مقتضـای عقل، کار کردن عین خطا است ولکن در مقام جنگ همه وقت نهی عقل را کار نبایـد بست (۱۵۲) زیرا که قوّه‌ی عقل غالباً آدمی را، راه سـلامت نمایـد و چون قوّه‌ی خرد غالب آیـد به بـد دلی و جبن (۱۵۳) کشـد. و چون بد دل و جبان (۱۵۴) باشی به التزام، در دفع خصم (۱۵۵) فرو مانی و ناچار بایـد روی، به هزیمت (۱۵۶) نهی و ننگ فرار بر قرار خود ترجیح دهی و در نزد مردان «مردن به نام به، که زندگی ننگ» سیّد و مولای ما جناب اباعبدالله روحی له الفـداء فرمایـد: اذَا کَانَتِ الأبْـدانُ خَلْقُهَا لِلْمَوْتِ فَمَوْتُ الْفَتى بِالسَّیْفِ وَاللهِ أجْمَلُ (۱۵۷) و این که نوشـتم: یکی از شـرایط خصم و آداب جنگ است نه این که در همه جا بی‌محابا اقـدام نمایی که گفته‌انـد: به تنـدی سـبک دست بردن به تیغ به دنـدان گزی پشـت دستِ دریغ به دادن مال بر سپاهی و لشـکر، گران جانی مکن تا بر تو به دادن جان، جود نمایند و همواره سپاه خود را به قهر و غلبه بر دشـمن امیدواری و دلداری ده و خصم را در نزد آنها به حقارت (۱۵۸) منسوب کن و امّا خود چنان مدان و از مکر دشـمن ایمن مباش و شرایط حزم (۱۵۹) و آگاهی را از دست مـده و در وقت راحت، خود را به خیره (۱۶۰) در رنج و تعب میفکن. و به خوردن غـذای لطیف، در همه وقت طبیعت را عادت مـده که به اندک تغییر عادتی رنجور شوی و بیماری‌های صـعب (۱۶۱) روی نماید. و اگر همه طبیب حاذق باشـی حفظ صـحّت را به قوت طبیعت باز گذار (۱۶۲) و تا ضـرورت کلّی روی ندهد به آشامیدن و اسـتعمال دوا اقـدام مکن. و چون مزاوجت اختیار نمایی جهـد کن که با سلسـله‌ی بزرگان و نجبا پیونـد نمایی، چه! فرزنـدی که از بنات کرام (۱۶۳) در وجود آید او را در شـرافت گوهر و اسـتعداد امتیازی دیگر است و نیز جهد کن که جمیله (۱۶۴) و خوش گفتار و گشاده رو و پرهیزکار باشد چه اگر جز این بود، اگر همه از بنات سـلاطین و ملوک است، با او به خوش دلی سـلوک نتوان کرد و از هر دو

سو سبب تباهی عیش گردد و حق این است که کمال جمال در قبول خاطر است، چنان که دیدم جمعی را که به حسن ظاهر آراسته بودند و قبول خاطر نداشتند، پس اگر همه فرشته باشد، تا در دل فرو ناید در دیده نکو ننماید. و اگر خدای نخواسته به رنج (۱۶۵) جفت ناپسند گرفتار آیی، بـدون درنـگ و بی‌ملاحظه‌ی نام و ننگ، به فرمان یزدان، تسریح به احسان را کار بنـد که دو جانب را آسودگی در آن است (۱۶۶) و چندان که بتوانی از تعدّد ازواج بر حذر باش. اظهار فاقه و تنگدستی مکن که جز نقصان مایه‌ی اعتبار، سودی ندارد. در هیچ مقام خود را به شرافت نسب مستای و از محامد صفات آباء و اجداد سخن مگوی و جهد کن که خود، بالاصاله شایسته و در خور مدحت و ستایش باش (۱۶۷)؛ «اَلْمَرْءُ یَفْتَخِرُ بِالْهِمَمِ الْعالِیَةِ لا بِالرِّمَمِ الْبالِیَةِ» (۱۶۸) شاه ولایت پناه روحی له الفداء فرمایـد: اِنَّ الْفَتی اَنْ یَقُولُ هَا اَنَا ذَا لَیْسَ الْفَتی اَنْ یَقُولَ کانَ اَبی کَذَا (۱۶۹) عیب و عوار مردم آشکار مکن و بر کشف اسرار اصرار مورز. و سخن زشت در روی هیچ کس مگوی. راست گفتار باش و به هیچ روی، گرد دروغ مگرد. رعایت جانب خویشان و اقارب را ضایع و مهمل مگذار. علما و سادات را توقیر و تعظیم کن. و با هیچ کس به طریق استخفاف (۱۷۰) و استهزا (۱۷۱) سخن مگوی. و حقوق خدمت زیر دستان را فراموش مکن. بی‌وفایی را شعار خود مساز که صفتی سخت ناپسندیده است. با مردم روزگار در شدّت (۱۷۲) و رخاء (۱۷۳) و فقر و غنا، به یک نهج (۱۷۴) رفتار کن. با دوستان جدّ و پدر و سلسله‌ی نجبا و بزرگان، بیشتر معاشر و هم گروه باش. و تواضع و فروتنی را شعار خود کن، کوچک دلی و شکسته نفسی و درویش مسلکی صفتیست که خداوند را در همه وقت در میان جان جای دهنـد و صـدارت گزین و بالانشین را قـدری ننهند. اگر تو را سختی و تنگدستی پیش آید، اوّلاً گشایش آن را جز از خدا مخواه. دست حاجت چو بری سوی خداونـدی بر که کریم است و رحیم است و غفور است و ودود و شفیعی بهتر از امامان و توبه و رجوع از گناهان مجوی. و آنجا که از طلب اسباب ظاهری گریزی نداشته باشی، تا توانی بر شدائد دهر (۱۷۵) صبر کن و حاجت به فرومایگان مبر و خود را زبون (۱۷۶) دونان (۱۷۷) مکن. و از نو دولتان، چشم نیکی مدار که این جماعت تو را در تنگدستی و پریشانی وقعی ننهند و به قضاء حاجت تو التفات نکنند و اگر احیاناً حاجتی از ایشان برآید، هزار بار بر تو منّت گذارند و در نزد خداوندان همّت (۱۷۸) تحمّل زحمت از قبول منّت گواراتر است، چنان که سیّد اولیاء علیّ مرتضی روحی له الفداء فرماید: لَنَقْلُ لِصَخْرٍ مِنْ قُلَلِ الْجِبالِ اَحَبُّ اِلَیَّ مِنْ مِنَنِ الرِّجالِ (۱۷۹) اگر خواهی که عِرض و ناموست در امان باشد دست به عرض و ناموس دیگران دراز مکن. و اگر خواهی که از ارتکاب معاصی ایمن باشی به شرب خمر اقدام مکن که سرمایه‌ی جمیع گناهان است و شیطان لعین را بهتر از شراب، اسباب اضلال و اغوایی نیست. اگر چه خیالم این بود که از دقایق تهذیب اخلاق، نکته‌ای در این اوراق فرو گذار نشود ولکن زیاده بر این حالت، تحریر این قبیل کلمات، در خود ندیدم و این مختصر را نیز به واسطه‌ی کمال دلبستگی که به تو دارم، با وجود شدّت ضعف و ناتوانی، تحریر کردم و اگر چه مقصودم از نوشتن تفصیل حاصل نشد ولکن بر سبیل اجمال کلمه‌ای که جامع جمیع کلمات است می‌نویسم؛ که مگذار هرگز ره ایزدی کزویست نیکی و هم زو بدی زنهار در هیچ مقام، ناسپاسی بر خود روا مبینی و از مراسم بندگی و ستایش، غفلت نیاری. و بدیهیست که سعی و کوشش در مقام بندگی جز به قبول دین محمّدی صلی الله علیه و آله و سلم در معرض قبول نیفتد و رستگاری دنیا و آخرت جز به تولّای ائمّه‌ی اثنی عشر صورت نبندد و چون چنین دانی و اوامر و نواهی حضرات ایشان را به درستی کار بندی خود تو را از صد هزار پند و اندرز من کامل‌تر است و من نیز آنچه نوشتم از آفتاب اوامر ایشان ذرّه‌ای است. امید که حق جلّ و علا از میامین تولّای اهل بیت رسالت: تو را به اعلی مقاصد و مطالب دنیا و آخرت فائز و بهره‌مند فرماید و به صلاحیّت و نیکو بندگی تو، مفاسد امور اخروی این غریق بحر معاصی را به اصلاح آورد. «لَنَقْلُ لِصَخْرٍ مِنْ قُلَلِ الْجِبالِ اَحَبُّ اِلَیَّ مِنْ مِنَنِ الرِّجالِ» (۱۸۰) اِنَّهُ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیر وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیم وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِینَ اللَّهُمَّ أَحْیِنِی حَیَاةَ مُحَمَّدٍ وَ ذُرِّیَّتِهِ وَ أَمِتْنِی مَمَاتَهُمْ وَ تَوَفَّنِی عَلَی مِلَّتِهِمْ وَ احْشُرْنِی فِی زُمْرَتِهِمْ وَ لا تُفَرِّقْ بَیْنِی وَ بَیْنَهُمْ طَرْفَةَ عَیْنٍ أَبَداً فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ. رَضِیتُ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لِی وَ فَوَّضْتُ أَمْرِی إِلَی خَالِقِی به تاریخ یوم دوشنبه ۲۶ شهر محرّم الحرام سنه‌ی ۱۲۷۰ به جهت یادگاری فرزنـد نور چشم یحیی اطال الله

بقائه تحریر شده و الحمدلله اوّلاً و آخراً. «حسنعلی»

وصایای ارسطو به اسکندر

ای اسکندر خدایی که تو را از نیستی به هستی آورده بشناس و حقّ او را نگاه دار. ای اسکندر نعمت خدای را بزرگ شمار و سپاس او را فرو مگذار. ای اسکندر رضای حق را جویا باش و از خشم او بیندیش. ای اسکندر ظلم بر بندگان خدا روا مدار که عاقبت ظلم شوم است. ای اسکندر بر بندگان خدای رحم نمای تا خدای بر تو رحم نماید ای اسکندر شیوه‌ی عفو را از دست مده و تا توانی از عقوبت بپرهیز. ای اسکندر عدل را شعار خود بساز تا حال تو در این جهان و در آن جهان نیکو گردد. ای اسکندر داد مظلوم از ظالم بگیر تا کار تو رونق گیرد. ای اسکندر کار بزرگ به خُردان مفرمای و کار خُرد در عهده‌ی بزرگان منمای. ای اسکندر مردم دون و سفله در کارها دخیل مکن که از آن مفسدها خیزد. ای اسکندر دروغگو را به خود راه مده کو بسی دولت‌ها از یک سخن دروغ تباه گشته. ای اسکندر قدر راستان را بدان که هیچ کس مانند راستگو به کار تو نیاید. ای اسکندر حقّ پدر و مادر را نگاه دار و شفقت و رأفت از ایشان دریغ مدار. ای اسکندر صله‌ی رحم به جای آر که موجب درازی عمر است. ای اسکندر دشمنی کسی در دل جای مده که تو را همیشه غمگین دارد و ای اسکندر مردم را به نحو نیکو رام خود ساز که هیچ دامی از برای شکار کردن خلق بهتر از خوی نیکو نیست. ای اسکندر شتاب در کارها مکن که موجب پشیمانی است. ای اسکندر کار امروز به فردا مینداز که باعث سرگردانی است. ای اسکندر راز خود به کسی مگوی و اگر ناچار بایدت گفت به کسی بگوی که زبان به افشای آن نگشاید. ای اسکندر بی‌مشورت دانایان به امری اقدام منمای که پشیمانی بار آرد. ای اسکندر صاحبان تجربه را از خود جدا مساز که حاجت تو به ایشان بسیار است. ای اسکندر سخن بدگو و غمّاز را باور مکن و او را از خود دور ساز. ای اسکندر پندگوی را دوست دار و مزاح گوی را دشمن دار. ای اسکندر صحبت حکیمان و دانایان را غنیمت دان که تو را از آن بهره‌ی بسیار باشد. ای اسکندر کسی که برداشتی زود مینداز و کسی که را که انداختی زود برمدار. ای اسکندر دل به عمارت دنیا مبند و در آبادنی آخرت بکوش که آخر از این سرای به آن سرای باید رفت و از آباد به خراب رفتن بی‌خردی است. ای اسکندر عنان نفس سرکش را از دست رها مکن که تو را در مهلکه‌ها اندازد. ای اسکندر در حال خشم و غضب فرمان به چیزی مده و درنگ کن تا تندی تو فرو نشیند. آنگاه آنچه مصلحت بود به جای آر. ای اسکندر زنهار از کشتن مردم بپرهیز و خون ناحق مریز که بنیان دولت با هیچ چیز مانند خون ناحق از پای در نیاید. ای اسکندر بنایی که خدای بر پا داشته بر پای دار تا تو را خدای بر پای دارد. ای اسکندر بر دشمن اعتماد مکن و به سخنان نرم او فریفته مشو که از دشمن ایمن نمی‌توان بود. ای اسکندر در کارها لجاج و ستیزه مکن که عاقبت لجاج پشیمانی است. ای اسکندر رعیّت خود را معمور ساز که خزانه‌ی پادشاهان رعیّت است. ای اسکندر اگر رعیّت را خراب کنی آن را به خزانه آباد نتوانی کرد و اگر رعیّت را آباد سازی خزانه از آن توانی ساخت. ای اسکندر خیرخواه تو کسیست که مال دیگری را به تو روا ندارد و مال تو را در کیسه‌ی دیگران کند. ای اسکندر آنچه بر نفس خود نپسندی بر دیگری مپسند تا عدالت تو عروج گیرد. ای اسکندر چون از کسی تقصیری پدید آید در مقام عذرخواهی برآید عذر او را بپذیر. ای اسکندر از نزول حوادث روزگار اضطراب مکن و بر شدائد و نوائب صبر کن که عاقبت صبر محمود است. ای اسکندر در تغیّر و تبدّل احوال روزگار نظر کن و از آن عبرت گیر و بدان که هیچ چیز را غیر کردار نیکو بقا و پایندگی نیست ای اسکندر پیش از تو فرماندهان و پادشاهان بوده‌اند. پس نظر کن در احوال و اوضاع ایشان و ببین طریقه و شیوه‌ی که کدام یک پسندیده‌ی خَلق است و چه کس از ایشان نام نیکو بر صفحه‌ی روزگار گذاشته تو نیز بر آن طریقه عمل کن و شیوه و خوی او را پیش گیر و از شیوه‌های بد و کارهای زشت جمعی که نام ایشان بر زبان مردمان به بدی مذکور است دوری جوی و احتراز نمای تا در قرن‌ها و سال‌ها نام تو به نیکی برده شود. ای اسکندر هیچ چیز بهتر از عاقبت نیکو نیست سعی کن تا عاقبت کار تو محمود و خاتمه‌ی حال تو نیکو بوده باشد.

پی‌نوشت

(۱) – انعام / ۱۴۴. (۲) – نساء / ۱۲. (۳) – شهید اوّل، در متن لمعه. (۴) – شرح لمعه، ۲ / ۳۱. (۵) – نهج البلاغه‌ی صبحی صالح، حکمت ۲۵۴. (۶) – بقره / ۱۸۰. (۷) – برگرفته شده از کتاب سیری در جهان پس از مرگ از صفحه ۱۴۷ تا ۱۵۵ با کمی تلخیص. (۸) – بقره / ۱۸۰. (۹) – بقره / ۱۳۲ و ۱۳۳. (۱۰) – مائده / ۱۰۶. (۱۱) – بقره / ۲۴۰. (۱۲) – بقره / ۱۸۱. (۱۳) – بحارالأنوار ۶۷ / ۱۹، باب ۴۳، حدیث ۱۳. (۱۴) – روضهٔ الواعظین ۲ / ۴۸۲ – من لا یحضره الفقیه ۴ / ۱۸۸. (۱۵) – روضهٔ الواعظین ۲ / ۴۸۲– مکارم الاخلاق ص ۳۳۵. (۱۶) – روضهٔ الواعظین ۲ / ۴۸۲ – من لا یحضره الفقیه ۴ / ۱۸۳. (۱۷) – مریم / ۹۱. (۱۸) – روضهٔ الواعظین ۲ / ۴۸۳. (۱۹) – من لا یحضره الفقیه ۴ / ۱۸۵. (۲۰) – من لا یحضره الفقیه ۴ / ۱۸۳ – مکارم الاخلاق ص ۳۶۳. (۲۱) – من لا یحضره الفقیه ۴ / ۱۸۲. (۲۲) – همان ۴ / ۱۸۶. (۲۳) – علل الشرائع ۲ / ۵۶۷. (۲۴) – ارشاد القلوب إلی الصواب ۱ / ۵۱. (۲۵) – امالی الصدوق ص ۲۸۱ مجلس چهل و هفتم. (۲۶) – نهج البلاغه، حکمت ۵۱۲. (۲۷) – شوری / ۱۳. (۲۸) – الکافی ۱ / ۲۲۳ ح ۱. (۲۹) – شوری / ۱۳. (۳۰) – الکافی ۱ / ۴۱۸ ح ۱۳. (۳۱) – بحارالأنوار ۹ / ۲۳۴ به نقل از تفسیر قمّی در صفحه‌ی ۶۰۰. (۳۲) – بحارالأنوار ۲۳ / ۳۱۳ باب ۱۸. (۳۳) – نساء / ۱۳۱. (۳۴) – بحارالأنوار ۷۵ / ۲۰۰ باب ۲۳ ح ۲۸. (۳۵) – عنکبوت / ۸. (۳۶) – الکافی ۵ / ۴۲۰ ح ۲ – وسائل الشّیعه ۲۰ / ۴۱۳ ح ۲۵۹۵۸. (۳۷) – بحارالأنوار ۳۶ / ۱۳ ح ۱۶. (۳۸) – همان ۷۱ / ۲۳، باب ۲ ح ۱. (۳۹) – مرآت العقول ۲ / ۱۶۲. (۴۰) – لقمان / ۱۴. (۴۱) – لقمان / ۱۵. (۴۲) – الکافی ۱ / ۴۲۸ ح ۷۹. (۴۳) – مستدرک الوسائل ۱۵ / ۱۷۶ باب ۶۸ حدیث ۱۷۹۲۰ – ۱۷ و بحارالأنوار ۷۱ / ۷۶ ح ۷۲. (۴۴) – بحارالأنوار ۳۶ / ۱۲ باب ۲۶ ح ۱۵. (۴۵) – بحارالأنوار ۷۱ / ۳۴ باب ۲. (۴۶) – احقاف / ۱۵. (۴۷) – الکافی ۱ / ۴۶۴ ح ۳. (۴۸) – احقاف / ۴۶. (۴۹) – الکافی ۱ / ۴۶۴ ح ۴. (۵۰) – بحارالأنوار ۲۳ / ۲۷۲ باب ۱۵. (۵۱) – بحارالأنوار ۲۵ / ۲۵۴ باب ۹ ح ۱۵. (۵۲) – قصص / ۴. (۵۳) – همان / ۵. (۵۴) – بحارالأنوار ۴۳ / ۲۴۶ باب ۱۱ ح ۲. (۵۵) – بحارالأنوار ۴۴ / ۲۳۳ باب ۳۰ ح ۱۸. (۵۶) – مستدرک الوسائل ۱۵ / ۱۲۳ باب ۱۲ ح ۱۷۷۳۰ – ۱. (۵۷) – انعام / ۱۵۱. (۵۸) – بحارالأنوار ۲۴ / ۳۰۳ باب ۶۶ ح ۱۵. (۵۹) – بحارالأنوار ۲۵ / ۲۱۳ باب ۷ ح ۴. (۶۰) – انعام / ۱۵۱. (۶۱) – بحارالأنوار ۳۶ / ۸ باب ۲۶ ح ۸. (۶۲) – همان ۳۸ / ۶۲ باب ۵۹. (۶۳) – بحارالأنوار ۷۰ / ۳۶۲ باب ۱۳۷. (۶۴) – انعام / ۱۵۲. (۶۵) – مستدرک الوسائل ۱۳ / ۲۴۹ باب ۳ ح ۱۵۲۷۱ – ۱. (۶۶) – انعام / ۱۵۲. (۶۷) – بحارالأنوار ۷۶ / ۲۶۷ باب ۱۰۳ ح ۳. (۶۸) – الدّرهٔ بالکسر: التی یضرب بها – لسان العرب ۴ / ۲۸۲، مجمع البحرین ۳ / ۳۰۱. (۶۹) – بحارالأنوار ۷۶ / ۳۱۰ باب ۱۰۹. (۷۰) – انعام / ۱۵۳. (۷۱) – همان. (۷۲) – بحارالأنوار ۲۴ / ۱۳ باب ۲۴ ح ۸. (۷۳) – انعام / ۱۵۳. (۷۴) – بحارالأنوار ۲۴ / ۱۳ باب ۲۴ ح ۹. (۷۵) – همان ۲۴ / ۱۴ باب ۲۴ ح ۱۴. (۷۶) – انعام / ۱۵۳. (۷۷) – حجر / ۴۱. (۷۸) – بحارالأنوار ۲۴ / ۱۴ باب ۲۴ ح ۱۵. (۷۹) – بحارالأنوار ۲۴ / ۱۵ باب ۲۴ ح ۱۶. (۸۰) – بحارالأنوار ۲۴ / ۱۵ باب ۲۴ ح ۱۷. (۸۱) – همان ۲۴ / ۱۶ باب ۲۴ ح ۲۳. (۸۲) – همان ۲۴ / ۱۷ باب ۲۴ ح ۲۵. (۸۳) – بحارالأنوار ۲۴ / ۱۷ باب ۲۴ ح ۲۶. (۸۴) – همان ۲۴ / ۲۰ باب ۲۴ ح ۳۷. (۸۵) – بحارالأنوار ۳۵ / ۳۶۵ باب ۱۶ ح ۶. (۸۶) – بحارالأنوار ۳۵ / ۳۷۱ باب ۱۶ ح ۱۶. (۸۷) – همان ۶۴ / ۳۱. (۸۸) – بصائرالدرجات ص ۷۹ ح ۹. (۸۹) – توحید شیخ صدوق ص ۳۷۲ باب ۶۰. (۹۰) – امالی صدوق ص ۵۱۱ مجلس هفتاد و هفتم. (۹۱) – کافی ۸ / ۱۳۲. (۹۲) – بحارالأنوار ۷۴ / ۱۴۰ باب ۷. (۹۳) – کشف الیقین ص ۴۶۴ مبحث ۳۵. (۹۴) – نهج البلاغه ص ۴۲۱ نامه‌ی ۴۷. (۹۵) – الکافی ۲ / ۳۳۱. (۹۶) – بحارالأنوار ۷۳ / ۶۰ باب ۱۰۶. (۹۷) – توبه / ۵۵. (۹۸) – همان / ۱۳۱. (۹۹) – امالی مفید ص ۱۹۵ مجلس بیست و سوّم. (۱۰۰) – الکافی ۴ / ۱۸ ح ۲. (۱۰۱) – ارشاد القلوب ۱۰۳ / ۱ باب۲۷. (۱۰۲) – بحارالأنوار ۷۵ / ۳۵۸ باب ۲۷. (۱۰۳) – تحف العقول ص ۴۸۸. (۱۰۴) – بحارالأنوار ۷۵ / ۴۴۹ باب ۳۳. (۱۰۵) – امالی صدوق ص ۳۲۳ مجلس پنجاه و دوّم. (۱۰۶) – الکافی ۲ / ۴۵۶. (۱۰۷) – الخصال ۲ / ۵۷۳. (۱۰۸) – امالی مفید ص ۲۲۳ مجلس بیست و ششم. (۱۰۹) – فرحهٔ الغری بصرحهٔ القری ص ۴۹ باب پنجم.

(۱۱۰) – بحارالأنوار ۴۳ / ۲۳۵ باب ۱۰. (۱۱۱) – بحارالأنوار ۴۳ / ۱۸۲ باب ۷. (۱۱۲) – بحارالأنوار ۴۳ / ۱۸۲ باب ۷. (۱۱۳) – همان ۴۳ / ۱۸۳ باب ۷. (۱۱۴) – همان ۴۳ / ۱۸۴ باب ۷. (۱۱۵) – بحارالأنوار ۴۳ / ۱۸۹ باب ۷. (۱۱۶) – بحارالأنوار ۴۳ / ۱۹۹ باب ۷. (۱۱۷) – بحارالأنوار ۴۳ / ۲۰۷ باب ۷. (۱۱۸) – بحارالأنوار ۴۳ / ۲۱۴ باب ۷. (۱۱۹) – بحارالأنوار ۴۳ / ۲۱۸ باب ۷. (۱۲۰) – بحارالأنوار ۷۸ / ۲۵۵ باب ۶. (۱۲۱) – بحارالأنوار ۷۸ / ۳۰۵ باب ۸. (۱۲۲) – همان ۷۸ / ۳۰۷ باب ۸. (۱۲۳) – بحارالأنوار ۷۹ / ۲۷ باب ۱۲. (۱۲۴) – احزاب / ۵۳. (۱۲۵) – بحارالأنوار ۴۴ / ۱۵۲ باب ۲۲. (۱۲۶) – بحارالأنوار ۴۴ / ۳۳۰ باب ۳۷. (۱۲۷) – بحارالأنوار ۴۶ / ۱۶۶ باب ۱۱. (۱۲۸) – بحارالأنوار ۵۰ / ۱۲۲ باب ۲. (۱۲۹) – از آنجا که نویسنده این پندنامه را خطاب به فرزندش که نام او یحیی‌ست به رشته‌ی تحریر درآورده، نام آن را پندنامه‌ی یحویّه گذارده‌ست و در طلیعه‌ی این نوشتار نیز به صورت زیبایی به آیه‌ی فوق تمثل جسته. رحمهٔ الله علیه و علی ولده یحیی. (۱۳۰) – مریم / ۱۲ – ای یحیی بگیر کتاب را به نیرومندی و دادیمش حکم به کودکی. (۱۳۱) – پادشاه. (۱۳۲) – همه‌ی طبقات مردم. (۱۳۳) – خداوند متعال. (۱۳۴) – مانند ترکان تاخت و تاز کردن. (۱۳۵) – روح. (۱۳۶) – دانشمندان و علماء با عمل. (۱۳۷) – دست تنگی و تنگ نظری. (۱۳۸) – آبرو ریزی. (۱۳۹) – ایجاز به کلامی گویند که از نظر جمله بندی بسیار کوتاه و از نظر معنا و مفهوم بسیار وسیع باشد. (۱۴۰) – اطناب به کلامی گویند که معنا و مفهوم آن کمتر از مقدار الفاظ آن باشد. (۱۴۱) – تطویل به کلامی گویند که معنا و مفهوم آن با مقدار الفاظ، برابر و مساوی باشد و تکرار نیز در آن وجود داشته باشد. (۱۴۲) – الفاظ دو پهلو. (۱۴۳) – الفاظی که بین مردم مشهور نیست. (۱۴۴) – مردم تمسخر مردم قرار گرفتن. (۱۴۵) – شوخی. (۱۴۶) – طباع جمع طبع و به معنای آنچه انسان از آن خوشحال می‌شود. (۱۴۷) – به این نوع کلام، کلام فصیح و بلیغ گویند و از علم آموزی این کلام علم فصاحت و بلاغت نام برده می‌شود. (۱۴۸) – کوشش فراوان. (۱۴۹) – اگر چه می‌دانی گروه آنان را متفرّق می‌سازی. (۱۵۰) – ولی اگر ناچار شدی به جنگ، هنر آن است که در موقع صلح، صلح کنی و در موقع جنگ ستیز کنی. (۱۵۱) – حیله‌ها. (۱۵۲) – در موقعیت‌های جنگی همیشه نباید از عقل غیر جنگی استفاده کنی. (۱۵۳) – ترس. (۱۵۴) – ترسو. (۱۵۵) – دشمن. (۱۵۶) – گریختن. (۱۵۷) – زمانی که بدن‌های آدمیان به نقطه‌ی مرگ منتهی می‌شود، پس مرگ جوانمردی که با شمشیر کشته شود به خدا قسم زیباتر است. (۱۵۸) – کوچکی. (۱۵۹) – در هم کوفتن. (۱۶۰) – خیره: سرکش، دلیر، چیره. (۱۶۱) – سخت و دشوار. (۱۶۲) – یعنی اگر می‌خواهی از همه‌ی جوانب یک دکتر تمام عیار و واردی باشی حتماً از غذاهای طبیعی استفاده کن تا همیشه سالم بمانی. (۱۶۳) – دختران مؤمنه و محترمه. (۱۶۴) – زیبا. (۱۶۵) – همسر. (۱۶۶) – اقدام به طلاق. (۱۶۷) – اقدام به طلاق. (۱۶۸) – از صفات مردانگی آن است که به همّت‌های عالیه‌ی خود افتخار کنی، نه به سربلندی گذشتگان خود. (۱۶۹) – همانا جوانمردی سزاوار می‌کند که انسان بگوید: «هان، این منم» و هرگز جوانمردی و مردانگی شایسته‌ی آن نیست که بگوید: «پدرم چنین و چنان بود». (۱۷۰) – کوچک شمردن دیگران. (۱۷۱) – مسخرگی. (۱۷۲) – سختی. (۱۷۳) – آسانی. (۱۷۴) – روش. (۱۷۵) – سختی‌های روزگار. (۱۷۶) – خار و پست. (۱۷۷) – افراد پست. (۱۷۸) – انسان‌های صاحب همّت. (۱۷۹) – بالا رفتن از صخره‌های سخت و خطرناک به سوی قلّه‌های کوه‌ها نزد من آسان‌تر است از زیر منّت مردمان رفتن. (۱۸۰) – بالا رفتن از صخره‌های سخت و خطرناک به سوی قلّه‌های کوه‌ها نزد من آسان‌تر است از زیر منّت مردمان رفتن.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد

بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم.

فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».